

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ به مسائل شرعی  
دفتر حضرت آية الله العظمى صانعي مدظله العالی  
دفتر قم - تلفن: ۳۷۷۴۴۷۶۷ - ۳۷۷۴۴۰۱۰ - ۳۷۷۴۴۰۰۹  
۳۷۸۳۱۶۶۰ - ۳۷۸۳۱۶۶۱ - ۳۷۸۳۱۶۶۲  
نمبر: ۳۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵

نشانی: قم، پل حجّتیّه، بلوار شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفاتر تهران

کارگر جنوبی: ۴ - ۶۶۵۶۴۰۰۰ - (۰۲۱)

پاسداران، نگارستان ۴، پلاک ۱۳: ۲۲۸۸۵۳۰۰ - ۲۲۸۸۴۶۰۰ - ۲۲۷۶۸۱۸۱ - (۰۲۱)

شهرک غرب: ۸۸۵۸۲۶۹۷ - ۸۸۵۸۳۴۱۵ - ۸۸۵۸۳۴۲۵ - ۸۸۵۸۲۶۵۷ - (۰۲۱)

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲ - نمابر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۰۵۱۱

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰ - نمابر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۰۳۱۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴ - نمابر: ۲۲۲۶۷۰۰ - ۰۷۱۱

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰ - نمابر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۰۸۶۱

پاسخگویی به مسائل حج - تلفن: ۲ - ۳۷۸۳۱۶۶۰ - همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

آدرس اینترنت: [www.saanei.org](http://www.saanei.org)

پاسخ به استفتانات [Istifta @ saanei.org](mailto:Istifta@saanei.org)

تماس با دفتر معظم له [Saanei @ saanei.org](mailto:Saanei@saanei.org)

تهیه کتاب [Info @ saanei.org](mailto:Info@saanei.org)

سرویس پیام کوتاه: ۳۰۰۰۷۹۶۰

# استفتاءات

فتاویٰ مورد نیاز افراد مقیم خارج از کشور



از محضر مرجع عالیقدر  
حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی)



انتشارات فقه‌التقلین

## استفتائات

فتاوی مورد نیاز افراد مقیم خارج از کشور

از محضر مرجع عالیقدر  
حضرت آیت‌الله العظمی صانعی (مدظله‌العالی)

ناشر: انتشارات فقه‌التقلین ■ چاپ: علوی  
صحافی: موثق ■ نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۲  
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه ■ بها: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۲۸۰ - ۲۸ - ۹  
تمامی حقوق محفوظ است

---

دفتر مدیریت: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۳۷ (سیاه)، فرعی ۵ (ناصر)، پلاک ۱۶۲  
تلفن: ۸ - ۳۷۸۳۵۱۰۱ (۰۲۵) / فاکس: ۳۷۸۳۵۱۰۹ (۰۲۵)

---

دفتر فروش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، واحد ۱۳۴  
تلفن: ۳۷۸۳۵۰۹۰ (۰۲۵) / فاکس: ۳۷۸۳۵۰۹۱ (۰۲۵)  
نشانی سایت: [www.feqh.ir](http://www.feqh.ir) / نشانی ایمیل: [info@feqh.ir](mailto:info@feqh.ir)

---



---

## فهرست اجمالی

---

۷.....	آغاز.....
۱۰.....	احکام طهارت و نجاست.....
۲۴.....	احکام وضو و غسل.....
۳۱.....	احکام اموات.....
۳۵.....	احکام نماز.....
۵۵.....	احکام روزه.....
۶۰.....	احکام خمس.....
۶۸.....	احکام امر به معروف و نهی از منکر و دفاع.....
۷۳.....	احکام معاملات و بعضی از کارهای حلال و حرام.....
۹۸.....	احکام زناشویی.....

۱۱۵.....	احکام طلاق
۱۲۶.....	احکام لقطه و ردّ مظالم
۱۲۸.....	احکام ذبح، خوردنی ها، آشامیدنی ها و خرید و فروش آنها
۱۴۳.....	احکام وصیت
۱۴۵.....	احکام ارث
۱۴۷.....	احکام قضا، شهادت و حدود
۱۴۹.....	شهادت
۱۵۱.....	حدود
۱۵۷.....	احکام قصاص و دیات
۱۵۸.....	دیات
۱۶۳.....	احکام شبهه سازی، تلقیح، پیوند و تغییر جنسیت
۱۷۵.....	احکام مسایل متفرقه
۲۰۵.....	ملحقات
۲۲۴.....	واژه نامه
۲۴۲.....	فهرست تفصیلی



---

## آغاز

---

آهنگ شتابان شکل‌گیری رخدادها و پدیده‌ها، گسترش سریع و رو به رشد و توسعه قلمرو زندگی انسان‌ها و رویش انبوه پرسش‌های گوناگون و چالش‌های نوپدید در سطح جامعه، از بارزترین ویژگی‌های دنیایی است که بشر امروز در آن به سر می‌برد.

دامنه‌ی تأثیر این دگرگونی‌ها در تمامی ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان و سرعت و شتاب شگرف و خیره‌کننده آن، چنان است که بسیاری از دانشوران برجسته و بزرگان فرهیخته را نیز از رهگیری و پی‌جویی و آشنایی با تمامی ابعاد همه‌ی یافته‌ها و نیازمندی‌ها و پدیده‌های نوظهور حتی در حوزه تخصصی ایشان، محروم می‌سازد.

باری، انعکاس و بازنمود چنین تحولات واسع و دامنه‌داری در جهان پیرامون، در عرصه‌ی دین‌ورزی و دین‌داری نیز، آشکارا و به وضوح جلوه‌گر

شده و رُخ می‌نماید. طرح پرسش‌ها و ارایه پژوهش‌های نوین، هر روزه نگرش‌های بدیع و باروری را در سپهر اندیشه‌ی بشری و اقلیم معارف و آموزه‌های دینی و مفاهیم و حیانی و آسمانی و تعالیم اوصیایی رقم می‌زنند و از این راه جامعه بشری را هدایت و راهبری می‌کنند تا با جامع‌نگری و ارتباط صحیح بین انسان و محیط اطراف، مسیر دست یازیدن به حیاتی طیبه و توأم با آرامش و همچنین جامعه‌ای برین و عاری و خالی از تشویش و ناهنجاری در چهار گوشه گیتی تدبیر شود و این مسیر نیز، با آرامی و همواری پیموده شود تا به سرمنزل مقصود که فلاح و رستگاری است حاصل گردد.

از این رهگذر، توجه به درخواست‌ها و مقتضیات جامعه و انجام وظیفه و احساس تکلیف و تعهد انسانی در پاسخگویی به آحاد مقلدان و دین‌خواهان و علاقه‌مندان به مرجعیت شیعه و حوزه‌های علمیه، ما را بر آن داشت تا - هر چند اندک - گامی در سایه اقبال دینی مردم، جهت تأمین خواسته ایشان برداریم و با تدوین این مجموعه با نام «استفتائات (فتاوی مورد نیاز افراد مقیم خارج از کشور)»، پیوند مؤمنان آن‌سوی مرزها را با احکام و وظایف دینی، اسلامی و معرفتی برقرار سازیم.

مجموعه حاضر که حاصل کار گروه استفتائات دفتر حضرت آیت‌الله العظمی صانعی (مدظله‌العالی) می‌باشد، سؤالات مختلف و متنوعی است که در ابواب مختلف احکام دینی از طهارت تا دیات از محضر معظم‌له شده است.

به حق، برخی پاسخ‌های این مجموعه، مقدمه و راهبرد بسیار خوبی برای اقبال و استفاده بیشتر عموم از فقه و فتاوی فقهای عظام و مراجع معظم

تقلید (مَعَ اللهُ ظَلَهُمُ الْعَالِي) است.

باسخ‌های اغنایی در برخی از مطالب ارایه شده در ابواب و عرصات مختلف فقهی این مجموعه به گونه‌ای است که بسیاری از شبهات فکری و علمی در سطح عموم مردم را می‌زداید و باعث استواری و استحکام فکر و اندیشه و مقدمه‌ی دین‌فهمی می‌گردد.

همه‌ی اینها برخاسته از افکار و اندیشه‌های تابناک فقهی است که عمر خویش را در متن علوم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آموزه‌های آن بزرگواران سپری کرد و به بلندای فقه و فقاہت دست یافت.

باشد که این خدمت کوچک مورد خشنودی حق تعالی قرار گیرد و رضایت‌مندی مقلدان معظّم‌له در خارج از کشور را فراهم آورد. إنشاء الله

والحمد لله ربّ العالمين

والسلام على من يخدم الحقّ

لذات الحقّ و يسعى لإقامة العدل

مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

آذر ۱۳۹۲ ش. برابر با

محرم الحرام ۱۴۳۵ هـ. ق. و نوامبر ۲۰۱۳ م.



---

## احکام طهارت و نجاست

---

برخورد با اقلیت‌های مسلمان

س ۱) حکم برخورد با اقلیت‌های مذهبی چگونه است؟ آیا پاک

هستند؟ آیا می‌توان دعوت آنها را پذیرفت؟

ج) غیر معاندان آنان - که غالباً چنین هستند - پاک می‌باشند؛ برخورد

فرد مسلمان باید خوب و سازنده باشد، نیز پذیرش دعوت آنها

اگر منجر به خوردن و آشامیدن نجس نشود، اشکال ندارد.

معاند کیست؟

س ۲) حضرت‌تعالی می‌فرماید اگر غیرمسلمان، معاند نباشد پاک است.

معاند به چه کسی می‌گویند؟

(ج) معاند کسی است که می‌داند اسلام برحق است و با علم و آگاهی به حقانیت اسلام، باز آن را انکار کرده و با آن دشمنی می‌نماید.

### برخورد با بهایی

س ۳) مادرخانم بنده بهایی بوده و به این علت از همسرش طلاق گرفته است. با توجه به اینکه تا به حال از عقاید گذشته‌اش دست برنداشته و کسی را ندارد که به او رسیدگی کند، بنده و همسرم مجبوریم با ایشان معاشرت کنیم. آیا معاشرت جایز است؟ آیا همسر بنده باید با ایشان قطع رابطه کند؟ در صورت لزوم قطع رابطه، چگونه می‌تواند حق فرزندی را ادا نماید؟ حکم طهارت یا عدم طهارت ایشان را بیان فرمایید.

(ج) حقوق والدین را باید رعایت کرد. چه نیکوست که با چنین مادرانی تا حدّ اعلا مهربانی شود تا نسبت به اسلام و مسلمانان، خوش بین گردند. از نظر طهارت و نجاست در حکم بقیه کفّارند؛ یعنی اگر معاند دینی نباشند، پاک هستند.

### همخانه بودن با کافران

س ۴) حکم معاشرت و غذا خوردن با کفّار و نیز استفاده از پانسیون و وسایل آشپزخانه و حمام آنها چگونه است؟

(ج) استفاده از وسایل و امکانات غیر مسلمانان مانعی ندارد؛ چون بنابر قول به نجاست، علم به نجاست با شرایط آن - مخصوصاً در

زمان ما که از دستکش، ماشین‌های لباسشویی و ظرفشویی و از آب‌های لوله کشی استفاده می‌شود - حاصل نمی‌گردد. بنابر نظر اخیر این جانب مبنی بر طهارت کفار غیر معاند، مانعی وجود ندارد. غالب، بلکه عامه کفار و حتی حربی آنان - که به خاطر اسلام و اعتقاد مسلمانان با آنان نمی‌جنگند، بلکه برای جهات دیگری می‌جنگند - معاند دینی نمی‌باشند و نجس نیستند. آری، ذبیحه<sup>۱</sup> آنان در بلاد کفار، حرام است و خوردنش جایز نیست، مگر احراز شود ذبیحه آنها با گفتن بسم الله و بقیه شرایط بوده، عدم استفاده از ظروفی که احتمال خوردن چیز نجس - مثل شراب و... - با آنها داده می‌شود، مطلوب است.

#### مخفی کردن عقاید و خوردن غذای غیر مسلمان

با توجه به این که در کشوری غیر اسلامی زندانی هستیم و پنهان کردن عقاید برای ما ضروری است، از طرفی طبخ و تهیه غذا توسط افراد غیر مسلمان، صورت می‌پذیرد و تهیه غذای دیگر توسط افراد مسلمان برای ما ممکن نیست، بفرمایید مصرف غذای مذکور تا چه حدی جایز است و چه حکمی دارد؟

ج) مخفی نمودن عقاید در این گونه موارد، نه تنها جایز، بلکه واجب و لازم است. استفاده از غذای مذکور علاوه بر مشکوک بودن طهارت و نجاستش، به حکم گرفتاری، مانعی ندارد و جایز است.

## گفتن شهادتین

س ۶) شخص مسیحی پس از بحث‌ها و تلاش‌های فراوان، زمانی که آمادگی گفتن شهادتین را پیدا می‌کند و دین مقدس اسلام را قبول می‌نماید، آن را به زبان خارجی (غیرعربی) بر زبان جاری می‌کند، آیا گفتن شهادتین به زبان خارجی (انگلیسی) اشکالی دارد یا باید شهادت به یگانگی خدا و رسالت رسول گرامی، حضرت محمد ﷺ را به زبان عربی جاری ساخت؟

ج) شهادتین را به هر زبانی بگویند، احکام اسلام بر او مترتب می‌شود.

## دست زدن به سگ

س ۷) دست زدن به سگ و نوازش آن چگونه است؟ با توجه به این که در نجس‌العین‌های دیگر، مانند خون و مدفوع، دست زدن ایرادی ندارد؛ اما باید رفع نجاست شده و شسته شود، آیا در مورد این حیوان نیز همین‌طور است؟

ج) برداشت از مجموع احکام و آثار وارد شده از معصومان علیهم‌السلام، ناخوشایند بودن اعمال ذکر شده در سؤال نسبت به سگ است. چه بسا ارتباط به گونه نوازش و دست زدن به سگ، موجب ایجاد امراضی برای انسان بشود که هنوز علم بشر به آنها نرسیده است. بنابراین، مقایسه سگ با موارد دیگر، مانند خون، نابه‌جا است، قطع نظر از آن که با روح فقه و شرع هم مخالف است.

### عرق جنب از حرام

س ۸) در فرضی که بدن یا لباس انسان به عَرَقِ جُنُب از حرام آلوده گردد و لباس یا بدن، به اشیایی همچون فرش، دَر و دیوار خانه و... بخورد، اگر انسان غسل کند و بدن یا لباس تر به این اشیا بر خورد کند، آیا می‌توان با این بدن یا لباس، نماز خواند؟

ج) عَرَقِ جنب از حرام، نجس نیست. اما بنا بر احتیاط، عین آن هنگام نماز نباید بر لباس یا بدن باشد. پس از خشک شدنش، احتیاط به دلیل نبودن موضوع، از بین می‌رود.

### صابون‌های خارجی

س ۹) آیا صابون‌های کشورهای غیر اسلامی، پاک‌اند؟

ج) پاک‌اند، مگر یقین حاصل شود که از چربی و دنبه مردار (حیوانی که خودش مرده و آن را نکشته‌اند) تهیه شده‌اند که در این صورت، نجس و میته هستند، لیکن چنین یقینی معمولاً حاصل نمی‌شود و تحقیق هم لازم نیست.

### خونگیری

س ۱۰) گاهی موقع خونگیری از بیمار، خون به دست پرستار می‌خورد؛ آیا با پنبه الکلی می‌توان محل را پاک کرد یا مطابق آنچه که در احکام آمده است، باید پاک شود؟

ج) برطرف کردن خون به وسیله پنبه الکلی یا چیزی شبیه آن، باعث پاک شدن می‌شود.

**پاک کردن کف ساختمان‌ها**

س ۱۱) کف بیمارستان که با آجر یا سنگ، مفروش شده، اگر نجس شود، آیا پس از آن که آب شیلنگ به آن وصل شد، پاک می‌گردد یا باید غسل آن جمع شود؟ پاک کردن مورد مذکور به وسیله آب قلیل چگونه است؟

ج) به وسیله آب کُر یا جاری، پاک می‌شود و نیازی به جمع کردن غسل نیست. مورد مذکور، با آب قلیل هم پاک می‌گردد، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود. چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اند، از سوراخی بیرون رود، همه کف بیمارستان، پاک می‌شود. اگر بیرون نرود، محلی که آب غسل در آن جمع می‌شود، نجس است اما می‌توان آن را به این صورت پاک کرد: ابتدا آب غسل را به وسیله ظرف یا پارچه ای جمع کنند و جای آن را خشک و تمیز نمایند، همچنان که اگر عین نجاست را برطرف نمایند، پاک می‌شود؛ یعنی از بین بردن عین نجاست از کف مکانی مثل بیمارستان، سبب طهارت است و حکم آب را دارد.

**کلاژین و ژلاتین**

س ۱۲) یکی از شیعیان مقیم امریکا، طی نامه‌ای به مدیر یکی از حوزه‌های علمیه در آن کشور، تقاضا نموده در مورد حرمت یا حلیت «ژلاتین» - که یک ماده خوراکی فراهم شده و تغییر یافته از ماده‌ای دیگر به نام «کلاژین» است - از محضر حضرت عالی

پرسش شود؛ حال در مورد این موضوع چند نکته به عرض می‌رسد:

۱- ماده «کلاژین» که در ساختمان استخوان، زردپی، رباط، پوست و چرم حیوانات قرار دارد، به خودی خود و در ساختار طبیعی‌اش دارای پروتئین‌های فراوانی است. به دست آوردن این پروتئین‌ها ممکن نیست مگر با جوش آوردن «کلاژین» در آب با حرارت مخصوص، قلیایی یا اسیدی کردن آن و انجام گرفتن فعل و انفعالات مختلف که موجب می‌گردد در نهایت، پروتئین‌ها تبدیل به «ژلاتین» می‌شوند که یک ماده بدون طعم، مزه، بو، رنگ، ولی مقوی است. پس از ترکیب این ماده با اسانس‌های مختلف میوه‌ای، رنگ‌های خوراکی و شکر، به صورت ماده خوراکی در می‌آید و در ساخت شکلات، کاکائو، شیرینی، بستنی، بیسکویت و... از آن استفاده می‌شود.

۲- ممکن است تهیه این ماده، از ساختمان حیوانات حرام گوشت و یا حلال گوشت که ذبح شرعی نشده باشند انجام پذیرد. با توجه به اظهار نظر علمی در مورد همین موضوع - که استحاله «کلاژین» و تبدیل شدنش به محصول جدیدی به نام «ژلاتین» است و امروزه در اکثر مواد خوراکی برشمرده در بند یک، موجود و مورد مصرف جهانیان است - آیا بین حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت، و ذبح شرعی شده و ذبح شرعی نشده، فرقی در این مسئله و به دست آوردن «ژلاتین» از ماده «کلاژین» وجود دارد؟

(ج) همه اشیای حرام و نجس هرگاه ماهیت و عنوانشان تغییر پیدا

کرد و استحاله شد؛ یعنی دیگر عرف و زبان عامّه، ماده حاصله را به عنوان ماده اول نمی‌دانند و می‌گویند این، آن نیست، همانند سگ که نمک بشود یا شراب که سرکه گردد، به حکم استحاله و تبعیت احکام از عناوین، حلال و طاهر است، مگر این که ماده حاصله نیز جزو عناوین حرام باشد.

### تصفیه آب

شرکتی در نظر دارد فاضلاب‌های ناشی از خط تولید نوشابه را (س ۱۳) به همراه فاضلاب‌های بهداشتی (حمام و...) تصفیه نماید. در تصفیه‌خانه، فرآیند تصفیه آب فاضلاب صنعتی و انسانی، مراحل مختلفی را طی می‌کند. در مرحله اصلی، تبدیل به حالتی خواهد شد که با حالت اولیه فاضلاب تصفیه نشده کاملاً متفاوت است و مایعی ایجاد می‌شود که حالت آب مضاف را دارد. در ادامه خط تصفیه آب، با جداسازی مایع مذکور، دو فاز ایجاد می‌شود که یک فاز آن کاملاً زلال و شیشه آب معمولی (بدون رنگ، بو و بدون آثار آلودگی) است و فاز دیگرش تغلیظ شده، به اول تصفیه‌خانه برگشت داده می‌شود. در جریان تصفیه، مواد موجود در فاضلاب، توسط موجودات ذره‌بینی مصرف می‌شود. در هر صورت چنانچه آب خروجی از تصفیه‌خانه، دارای مشخصات ظاهری آب معمولی باشد، آیا پاک است؟ در صورت منفی بودن پاسخ آیا اتصال آن به آب جاری یا گُر و یا باران، می‌تواند همه آن را پاک نماید؟

ج) مایع ایجاد شده در مرحله اصلی اگر مضاف باشد و در اثر آمیختگی، به آن، «آب» گفته نشود، بلکه بگویند آب نیست، نجس است. برای پاک شدن آن علاوه بر اتصال به گُر یا جاری، آمیختگی - علی الاقوی - لازم است؛ اما اگر به آن، «آب مطلق» گفته شود و زوال تغییر به واسطه وصل به گُر، یا هوا و یا تصفیه با ابزار جدید باشد و از حالت قبلی، خارج گردیده و به آب زلال تبدیل شده باشد، پاک است.

#### برطرف کردن عین نجس

س ۱۴) اگر کسی پس از بول یا غائط، خود را با پارچه یا دستمال کاغذی تمیز کرد، پاک می شود و می تواند نماز بخواند؟  
ج) پاک می شود. مهم، از بین رفتن و زدوده شدن عین نجاست است.

#### فضله پرندگان

س ۱۵) آیا فضله پرندگان حرام گوشت مثل طوطی، مرغ عشق و... نجس است؟  
ج) پاک است.

#### چرم های وارداتی

س ۱۶) استفاده از چرم های خالص طبیعی که از کشورهای غیراسلامی وارد می شود؛ اعم از حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت، از

نظر طهارت و نجاست و نماز خواندن با آنها، چه حکمی دارد؟  
 (ج) چرم‌ها و پوست‌های تهیه شده در بلاد غیراسلامی، اگر اطمینان باشد که از حیوانات مردار و میت‌گرفته نشده - و معمولاً امروزه، مخصوصاً با توجه زیادی که به رعایت بهداشت در دنیا مطرح است، چنین اطمینانی وجود دارد - نجس نیست؛ زیرا مردار و جیفه نجس است نه غیر مذکّی. همچنین نماز خواندن با آنها چنانچه از حیوان حلال گوشت باشد، مانعی ندارد.

### وسواس

س ۱۷) مدت نه سال است که به بیماری مُهلک وسواس دچار شده‌ام و بارها نمازم به همین دلیل قضا شده است و برای غسل، آب فراوانی مصرف می‌کنم و گاهی به دلیل طول کشیدن غسل، نمازم قضا می‌شود. آیا مصداق کثیرالشک هستم؟ چگونه می‌توانم از این گرفتاری نجات پیدا کنم.

(ج) نباید به هیچ شکی اعتنا کنید. همیشه طرف درست بودن را بگیرید، بلکه به بطلان عمل هم، اعتنا ننمایید. وظیفه شرعی شما اعتنا نکردن به شک و یقین است. به شیطان وسوسه گر بگویید که می‌خواهم عمل باطل باشد، و می‌خواهم با همین عمل باطل به جهنم بروم، تا شیطان از شما دور گردد.

### عطر و ادکلن

س ۱۸) استعمال ادکلن‌هایی که از خارج می‌آورند و نمی‌دانیم که از چه

موادی ساخته شده و چه کسی آنها را ساخته است، چه حکمی دارد؟

(ج) چون معلوم نیست که از نجس ساخته شده، یا با نجس برخورد کرده، پاک است و تحقیق لازم نیست.

#### تیکه‌های جدا شده از بدن

(س ۱۹) گاهی افراد، آگاهانه یا ناخودآگاه، تگه‌ای از پوست اطراف ناخن یا هر جای دیگر را می‌کنند. آیا برخورد و لمس تگه قطع شده، غسل دارد؟

(ج) قطعه‌های کوچک و ریز پوست، نجس نیست؛ برخلاف قطعه‌های بزرگ که نجس است. اگر عضوی از بدن انسان، جدا شده و دارای استخوان باشد، با برخورد بدن با آن، غسل مسّ میّت لازم است.

#### مایعات مست کننده

(س ۲۰) چنانچه مایعی ذاتاً قابل شُرب نباشد، ولی اگر آن را رقیق کنند مسکر<sup>۱</sup> می‌شود، آیا مایع مفروض پیش از رقیق شدن، نجس است؟

(ج) نجس نیست. معیار در نجاست، مسکریّت<sup>۲</sup> فعلی است، نه مسکریّت بالقوه.

۱. مست آور.

۲. مست کنندگی.

### درمان با داروی نجس

س ۲۱) با توجه به نیاز شدید بیماران دچار سوختگی وسیع، به جلوگیری از دفع آب از محل سوختگی و کمک به تسریع بهبود نسوج از بین رفته، همچنین ترمیم زخم‌های ناشی از افتادن در بستر - مانند زخم‌های جانبازان قطع نخاعی -، نیز انعقاد سریع خون در جراحی‌هایی که در آنها قطع خونریزی به روش‌های معمول مانند سوزاندن مویرگ و یا بستن رگ‌ها عملی نیست - مانند جراحی‌های مغز و یا فک و صورت - اکنون در دنیا از محصولات جدیدی همچون «Xenoderm» و «Surgicoll» استفاده می‌گردد که از انجام عملیات شیمیایی بر پروتئین خوکی به دست می‌آید. کاربرد این محصولات برای بیماران چه حکمی دارد؟

ج) استفاده از داروهای ترمیمی، گرچه از مثل خوگ و سگ و یا چیزهای نجس العین دیگر، قطعاً جایز می‌باشد؛ زیرا خوردن داروهای خوراکی - گرچه نجس باشد و از نجس تهیه شود - برای غیر مریض حرام است، اما برای مریض و هنگام معالجه مانعی ندارد، چه رسد به ترمیم که حتی برای غیر معالجه جایز است و مانعی ندارد.

### فضله حیوانات

س ۲۲) آیا مو و مدفوع گربه و موش، نجس است؟ اگر بچه‌ای که به سن تکلیف نرسیده و خود را پاک نگه نمی‌دارد، دست‌تر به در و

دیوار یا جای دیگر گذاشت، نجس می شود؟  
 (ج) فضله و مدفوع هر حیوان حرام گوشتی - به جز پرندگان - که خون جهنده دارند، نجس است. بنابراین، مدفوع گربه نجس است. موی گربه و موش، پاک می باشد؛ ولی اگر مقداری از آن، بر بدن یا لباس نماز گزار باشد، نماز او باطل است. دست و لباس بچه، پاک است.

#### پاک کنندگی آسفالت

س ۲۳ آیا آسفالت، پاک کننده کف کشش یا پای نجس است؟  
 (ج) فرش، سبزه، آسفالت و زمینی که به وسیله چوب یا موزائیک و مانند آنها فرش شده باشد، با فرض آن که عین نجاست را از بین ببرد، همانند زمین، پاک کننده است.

#### لباسشویی

س ۲۴ حکم لباس های نجسی که همراه با لباس های پاک در داخل ماشین های لباس شویی تمام اتوماتیک، شسته می شود چیست؟  
 (ج) اگر لباس نجس با ماشین لباسشویی که به آب گُر و لوله کشی شهری (به وسیله شیلنگ) وصل است، شسته شود و عین نجاست برطرف گردد، پاک می شود هر لباس نجسی که در حال اتصال به آب لوله کشی، در آن ریخته شود و لباس را در آن حال کمی بچرخاند، سبب نجاست بقیه لباس ها نمی شود. ماشین لباسشویی در حال اتصال به آب شهری، حکم آب جاری و حوض را دارد.

رو به قبله یا پشت به قبله در هنگام قضای حاجت

س ۲۵) آیا استفاده از دستشویی‌هایی که کاملاً به طرف قبله ساخته‌اند، حرام است؟ معمولاً عده‌ای که از این موضوع اطلاعی ندارند، به آن جا می‌روند، آیا گفتن به افراد، لازم است یا باید آن دستشویی‌ها را خراب کنند و از نو بسازند؟

ج) به طور کلی رو به قبله نشستن فرد در حال قضای حاجت، حرام نمی‌باشد؛ اگرچه احتیاط مستحب، آن است که رو به قبله ننشیند.



---

## احکام وضو و غسل

---

### فلسفه وضو و غسل

س ۲۶) فلسفه وضو و غسل چیست؟

ج) از ظاهر قرآن استفاده می‌شود که مراد از احکام وضو و غسل، تطهیر معنوی و باطنی و ظاهری انسان‌ها است.

### غسل‌ها

س ۲۷) آیا با غسل‌های مستحب، مانند جمعه و غیره، یا غسل‌های واجب، غیر از جنابت، می‌توان نماز خواند، یا عدم لزوم وضو اختصاص به غسل جنابت دارد؟

ج) همه غسل‌های واجب و مستحب، از وضو کفایت می‌کند و اختصاص به غسل جنابت ندارد.

## سزارین

س ۲۸ زنی که سزارین می‌شود و بچه را از پهلو او خارج می‌کنند، خونی که می‌بیند، نفاس است یا استحاضه؟

ج) خونی که از مجرای طبیعی و به سبب ولادت، بیرون می‌آید، نفاس است، هرچند طفل را با جراحی از پهلو خارج کرده باشند؛ اما خونی که از محل عمل به واسطه جراحی خارج می‌شود، نفاس نیست.

## عادت ماهانه

س ۲۹ رَجَم زنی را طی عمل جراحی برداشته‌اند. خونی که از مجرای عادی دفع خون، خارج می‌شود، حیض است یا استحاضه و یا قروح و جروح؟

ج) نه حیض است و نه استحاضه؛ بلکه خون قروح و جروح<sup>۱</sup> است.

س ۳۰ آیا زن‌ها می‌توانند برای جلوگیری از عادت ماهانه و انجام مناسک عمره و حج، قرص بخورند؟

ج) خوردن قرص مطلقاً جایز است.

## عدم امکان غسل و وضو و تیمم

س ۳۱ در زندان، گاهی نیاز به غسل جنابت پیدا می‌شود و از طرفی، امکان غسل و استحمام هم وجود ندارد. در این صورت نماز و عبادات ما چه حکمی دارد؟

۱. «قروح» به آبله و دمل، و «جروح» به جراحت‌ها و زخم‌ها، گفته می‌شود.

ج) باید نمازها را با تیمم بخوانند. اگر آن هم مقدور نباشد، بنابر احتیاط واجب، نماز را بدون غسل و تیمم بخوانند و بعداً قضای آن را به جا آورند.

س ۳۲) فردی چشم‌هایش را عمل جراحی نموده و پزشک سفارش کرده که نباید سرت را تکان بدهی، چون برای چشم‌هایت ضرر دارد و نباید وضو بگیری و تیمم کنی. او نیز بدون طهارت و بدون این که رو به قبله باشد، نماز خوانده. آیا نمازهای خوانده شده صحیح است؟

ج) به حکم فاقد الطهورین - که باید هم نماز بخواند و هم قضا نماید - باید نمازهایش را قضا کند.

#### وجود موهای مصنوعی برای مسح سر

س ۳۳) به دلیل ابتلا به بیماری، تمام موهای بدنم از جمله سرم ریخته و مدتی است که اقدام به کاشت موی مصنوعی کرده‌ام. در این روش، موها روی یک شبکه مشبک، به سر وصل می‌شود و با کنار زدن موها پوست سر هم پیدا است. با توجه به این که در آوردن پوسته و نصب دوباره آن، مشقت بسیاری دارد، چگونه باید وضو بگیرم؟ طبق دستور پزشک، هر پنج یا شش روز یک بار باید پوسته را بردارم تا سرم را شستشو دهم. حال، نمازهایی که با مسح روی آن خوانده‌ام، چه حکمی دارند؟ آیا باید قضای آنها را به جا بیاورم؟

ج) اگر برداشتن موها مشقت دارد، مسح کشیدن روی همان موها

کفایت می‌کند و اسلام، دین سهولت است. بنابراین، نمازهای گذشته‌تان صحیح بوده و وضویتان درست انجام گرفته و نمازها احتیاج به قضا ندارند. در روزهایی که برای شستن سر، موها را برمی‌دارید، تلاش کنید وضو را در صورت عدم مشقت، در همان زمان بگیرید.

س ۳۴) کاشت موی سر برای آقایان و وضو و غسل با آن چه حکمی دارد؟

ج) کاشت مو مانعی ندارد و برای وضو و غسل، مشکلی ایجاد نمی‌کند. مسح کشیدن روی موها کفایت می‌کند؛ چون جیره محسوب می‌شود.

### کاشت ناخن

س ۳۵) کاشت ناخن از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

ج) کاشت ناخن به خودی خود مانعی ندارد، اما برای وضو و غسل باید آنچه مانع از رسیدن آب به بدن است، برداشته شود، ولی چنانچه برداشتن مانع، دارای حرج و مشقت شدید باشد، برداشتن لازم نیست و وضو و غسل به صورت جیره‌ای صحیح است.

### تاتو

س ۳۶) حکم تاتو کردن در آرایشگاه‌های زنانه چیست؟

ج) اگر برای بدن ضرر داشته باشد، حرام است و گرنه حلال است - و ظاهراً ضرر ندارد و گرنه اقدام نمی‌کردند - و چون زیر پوست

قرار می‌گیرد، مانع از صحّت وضو و غسل نمی‌باشد.

### خالکوبی

س ۳۷) آیا خالکوبی حرام است و اگر کسی خالکوبی کند، هنگام وضو یا غسل، اشکالی پیش نمی‌آید؟  
 (ج) اگر برای بدن ضرر نداشته باشد، مانعی ندارد و چون زیر پوست قرار می‌گیرد، مانع از صحّت وضو و غسل نیست.

### وضو از آب آشامیدنی

س ۳۸) وضو گرفتن از آب‌هایی که در مسجدالحرام و مسجدالنبی، مخصوص آشامیدن می‌باشد، چه حکمی دارد؟  
 (ج) وضو از ظروف و کلمن‌هایی که داخل مسجد گذاشته‌اند و یا از شیرهایی که در مسجد هستند و مخصوص آشامیدن می‌باشند، جایز نیست و صحیح نمی‌باشد و وضو با آنها باطل است.

### ترتیب در غسل

س ۳۹) آیا ترتیب در غسل، واجب است؟  
 (ج) در غسل ترتیبی، ترتیب لازم است؛ یعنی اوّل باید سر و گردن، سپس بقیه بدن را بشوید.  
 س ۴۰) اگر شخصی در غسل ترتیبی پس از شستن سر و گردن، گردن را به تیت واجب با سمت راست می‌شسته و باز گردن را به تیت واجب با سمت چپ می‌شسته، غسلش اشکال داشته؟

ج) غسلش صحیح است. منتها شستن گردن به تیت واجب با هر یک از طرفین، زیاده‌ای است که انجام گرفته؛ اما زیاده در مثل غسل مبطل نیست، مگر برای قصد قربت مضر باشد که آن هم در سؤال، تحقق ندارد، چون به عنوان بدعت انجام نداده است. در قصد قربت، همین قدر که عمل برای غیر خدا نباشد و خدا منظور در عمل است، کفایت می‌کند؛ به علاوه، قصد قربت معتبر است نه مقرّبت عمل، هر چند در امثال این موارد، مقرّبت به خاطر جهل و عدم مقرّبت زیاده محقق است.

س ۴۱) اگر کسی در غسل ترتیبی، ترتیب را رعایت نمی‌کرده به این صورت که اوّل طرف راست، سپس طرف چپ و بعد سر و گردن را می‌شسته، آیا غسل صحیح است؟ اگر باطل است، در صورتی که نماز خوانده، آیا باید قضا نماید؟

ج) اگر ترتیب لازم و واجب (ترتیب سر و گردن و بقیه بدن) رعایت نشود، غسل، باطل و اعاده و قضا لازم است، مگر در جاهلِ قاصر که اعاده و قضا لازم نیست و غسلش صحیح است و به حکم حدیث رفع<sup>۱</sup>، شرطیت ترتیب، بر او لازم نیست.

### جنابت بانوان

س ۴۲) شرایط جنابت در خانم‌ها چگونه است و لزوم غسل آنان با چه شرایطی است؟

۱. حدیثی که می‌گوید: چند نفر تکلیف از آنان برداشته می‌شود: نادانان، فراموشکاران و... (رفع عن امتی...).

ج) زن‌ها فقط با آمیزش و دخول جنب می‌شوند. در غیر این صورت، جنب نبوده و غسل بر آنان واجب نمی‌باشد.

### ورود به حرم

س ۴۳) منظور از «حرم» در اماکن متبرکه و مزار ائمه اطهار علیهم‌السلام که دخول جنب و حائض به آن حرام است، چیست؟ آیا حرم امامزادگان هم مشمول این حکم است؟

ج) منظور از «حرم»، اطراف ضریح و زیر گنبد است و شامل رواقها و صحن‌هایی که مسجد نیست، نمی‌شود. ورود به حرم امامزادگان، اگر مسجد نباشد، حرمت ندارد؛ هرچند که احترام حرم امامزادگان مطلوب است.



---

## احکام اموات

---

بردن جنازه به مشاهد مشرفه

س ۴۴) اگر فردی وصیت کرد که او را در مکان خاصی (مثل کربلای معلّا) دفن کنند، ولی الآن انتقال جسد به آن مکان، ممکن نباشد، چه باید کرد؟ آیا می توان جسد را به صورت امانت داخل بنایی قرار داد، یا باید او را در قبر دفن کنند و پس از باز شدن راه، قبر را نبش کرده و جسد را منتقل سازند؟

ج) در صورتی که وصیت کرده باشد و او را دفن کرده باشند، نبش جایز است؛ ولی اگر اراده انتقال جسد به مشاهد مشرفه را دارند، بهتر آن است که او را در تابوتی گذارده و تابوت را دفن کنند؛ زیرا صورت اخیر، خالی از اشکال یا دارای کمترین اشکال است.

**نبش قبر و کالبد شکافی**

س ۴۵) نظر جناب عالی درباره نبش قبر و برداشتن قطعه‌ای از استخوان بدن میت، برای دانشجویان رشته پزشکی که مورد نیاز علمی آنهاست، چیست؟

ج) نبش قبر برای استفاده دانشجویان رشته پزشکی و برداشتن قطعه‌ای از بدن میت که مورد نیاز است، مانعی ندارد، لیکن هماهنگی با مسئولان قانونی برای نبش، آن هم مخفیانه و با حفظ ظاهر صورت قبر، لازم است.

**بزرگداشت برای مردگان**

س ۴۶) در مراسم عزاداری برای اموات، استفاده از دسته گل، دوربین فیلم‌برداری، حجله و آلات موسیقی اجر اخروی دارد؟

ج) هر کار و عملی که موجب تسلی خاطر صاحبان عزا گردد، مستحب و مطلوب است و ثواب تسلی دادن به صاحبان عزا را دارد. انجام بعضی از این امور برای افراد و نان‌آوران خانواده از آن‌جا که در جهت اقتصادی و تأمین معاش آنان می‌باشد، مطلوب و قابل توجه است.

**سنگ قبر گران قیمت**

س ۴۷) استفاده از سنگ قبر گران قیمت چه حکمی دارد؟  
ج) مانعی ندارد.

## حضور در مراسم

س ۴۸) کیفیت و مقدار حضور ما در مجالس عزا برای ادای استحباب آن چگونه باید باشد؟

ج) ملاک در مقدار حضور، عرف است. در ثواب حضور و ادای استحباب، دیدن صاحب عزا کفایت می‌کند،<sup>۱</sup> ولی اگر مدتی گذشته که به واسطه سرسلامتی دادن، مصیبت به یادشان می‌آید، عدم حضور و ترک آن بهتر است.<sup>۲</sup>

## خون گرفتن از مرده

س ۴۹) آیا می‌توان از شخص میت خون گرفت و به شخص بیماری که نیاز به خون دارد، تزریق کرد؟ بر فرض جواز آیا دیه دارد؟

ج) اگر با اجازه اولیای میت باشد؛ مانعی ندارد و در هر صورت دیه ندارد، ولی اولیا می‌توانند در مقابل آن، پولی گرفته و صرف امور خیریه برای میت بنمایند.

## زیارت اهل قبور

س ۵۰) رفتن بر سر قبر میت مؤمن، چه حکمی دارد؟ در چه شرایط و زمانی بهتر است؟

ج) رفتن بر سر قبر میت و زیارت اهل قبور، یکی از مستحبات است و میت با بازدید کننده قبرش انس می‌گیرد. علامه حلی (قدس سره)

۱. الصادق (علیه السلام): «کفاک من التعزیه أن یراک صاحب المصیبه». رک: وسائل الشیعه، ج ۳،

ص ۲۱۷، کتاب الطهاره، ابواب الدفن، باب ۴۸، حدیث ۴.

۲. رک: ذکری الشیعه ۲: ۴۴.

در آخر کتاب «قواعد» زیارت قبرش به قدر امکان و خواندن مقداری از قرآن را به فرزندش وصیت می‌نماید و می‌فرماید: «و زُرْ قَبْرِي بِقَدْرِ الْإِمْكَانِ وَ اقْرَأْ عَلَيْهِ شَيْئاً مِنَ الْقُرْآنِ»<sup>۱</sup>.

---

۱. قواعد الأحكام ۱: ۱۵۴ «هر اندازه که برایت ممکن است بر سر قبرم بیا و آیاتی از قرآن را بر مزارم تلاوت کن»



---

## احکام نماز

---

### خواندن نماز به زبان غیر عربی

س ۵۱) اشخاص غیر عرب، که تلفظ نماز به زبان عربی برایشان دشوار است، آیا مجازند تا زمان یادگیری نماز به زبان عربی، ترجمه آن را به زبان خودشان بخوانند و پس از یادگیری، قضای قبل را به جا آورند؟

ج) خواندن نماز به غیر از زبان عربی، برای هیچ کس جایز نیست و باطل است. در زمان یاد گرفتن باید هرگونه که برایش مقدور است، به عربی بخواند و افزون بر این، تکلیفی ندارد.

### نماز خواندن دانش پژوهان

س ۵۲) به عنوان یک دانش آموز باید شش ساعت درس بخوانم و هنگام

ظهر هم فریضه نماز را به جا آورم. همزمان بودن وقت کلاس با وقت نماز، باعث شده که وقت کلاس، کم و صرف نماز شود. آیا این عمل برای به جا آوردن نماز، جایز است؟

ج) مرز میان اسلام و کفر، نماز است. اگر آن هم با وساوس شیطانی ترک شود، چه نشانه‌ای از اسلام در انسان باقی می‌ماند و چگونه انسان در مقابل این همه نعمت‌های خداوند، خجالت زده و شرمسار نباشد؟! هم درس خواندن و هم خواندن نماز وظیفه ماست. برکت در عمر، موفقیت در درس و غیره، در دست خداست. چه بسا انسان‌هایی که با وقت کم، استفاده‌ها و آموزش‌های علمی داشته‌اند و برعکس چه بسا افرادی که با وجود وقت زیاد، به خاطر عدم تعهد به واجبات، ضرر و زیان دیده‌اند. شهید مطهری با آن که عمر مبارکش کمتر از شصت سال بوده، این همه برکت داشته است. بنابراین، نماز را بخوانید و از خدا یاری بجویید و بدانید که نمازِ اوّل وقت، رضوان الله (رضایت خدا)، و نمازِ آخر وقت، غفران الله (سبب آمرزش) است. آری، اگر راجع به برنامه‌ریزی تهیه‌کنندگان، مشکلی دارید، تذکر دهید. جواز و عدم جواز کار آنها مربوط به خودشان است.

### برخورد با بی‌نماز

س ۵۳) معاشرت با کسی که نماز را عمداً ترک کرده، نسبت به محرم و نامحرم بی تفاوت است، حجاب را کنار گذاشته و امر به معروف

هم در او تأثیری ندارد، چه حکمی دارد؟  
 (ج) به هر گونه که ممکن است، باید چنین فردی را امر به معروف و  
 نهی از منکر کرد، گرچه با ترک ارتباط.

### ترک نماز

س ۵۴) آیا نماز در حال جنگ، غرق شدن، آتش سوزی، نبودن آب و  
 خاک یا ضرر داشتن آن دو، تقیه، فلج بودن، بسته شدن بر تخت  
 بیمارستان، ناتوان بودن حتی از اشاره با چشم و... از مسلمان  
 ساقط می‌شود؟

(ج) نماز به هیچ وجه ساقط نمی‌شود و باید حتی با اشاره چشم، سر و  
 یا به هر شیوه ممکن انجام شود. نماز خواندن به این گونه، باعث  
 رفع تکلیف است، مگر در صورت نبود آب و خاک (وضو و  
 تیمم)، که بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم به صورت ادا و هم  
 به صورت قضا به جا آورد.

### نماز مشروب‌خوار

س ۵۵) خوردن چه مقدار از مشروبات الکلی باعث ممنوعیت  
 خواندن نماز می‌شود و دوران برطرف شدن ممنوعیت چقدر  
 است؟

(ج) خواندن نماز در هیچ شرایطی، ممنوع نیست و انسان باید نماز را  
 در هر حالت بخواند، هر چند خوردن مشروبات الکلی، حتی به  
 یک قطره آن، حرام است.

### اوقات نمازهای پنجگانه

س ۵۶) با توجه به سیره نبوی و توصیه اکید حضرت علی علیه السلام به خواندن نمازهای روزانه در وقت‌های اصلی خود، چرا ما شیعیان این امر را رعایت نمی‌کنیم و خواندن نمازهای پنجگانه را در سه وقت، خلاصه کرده‌ایم؟

ج) خواندن نمازهای یومیه در پنج وقت (وقت فضیلت هر کدام) منعی ندارد تا نیاز به پاسخ باشد، چنان که در سه وقت خواندن هم منعی ندارد. نهایت امر این است که ثواب زیادتر، از دست می‌رود. پس، سه وقت خواندن منعی ندارد و پنج وقت خواندن هم لزومی ندارد. باید فکر، سؤال و جواب را صرف مسایل اساسی اسلام کرد و از این گونه ایرادهای جزئی نادرست صرف نظر نمود. در سه وقت خواندن، قطع نظر از مشروعیتش، با وضع امروز و کار و فعالیت بشر سازگارتر است و دلیلی بر منع در سه وقت خواندن - که از نظر فقه شیعه تجویز شده - وجود ندارد.

### نماز خواندن در ساعات اداری

س ۵۷) وقت کار بانک‌ها به نحوی است که در وقت نماز ظهر - بنا به دستور - مجبور به رسیدگی به امور مشتریان هستیم. آیا این وضعیت به معنای بی‌احترامی و کوچک شمردن نماز است یا این که کار در وقت نماز، بلاشکال می‌باشد؟

ج) باید به مقررات بانک عمل کرد. وقت کارمند در زمان کار و وظیفه اداری، در اختیار کارفرماست. نمی‌توان این وقت را برای

امر مستحب، صرف نمود.

### اختلاف افق

س ۵۸) توقیت کشورهای همانند مصر، بر اساس فقه شیعه، قابل اطمینان نیست. در خصوص وقت نماز می توان قدری صبر نمود تا وقت داخل شود؛ مانند مغرب که تقریباً هوا هنوز روشن است و وقت مغرب آنها به شمار می رود. در خصوص ایامی غیر از ماه رمضان که فضیلت های خاصی دارند؛ مانند ۲۷ رجب و یا ۲۵ ذی قعدة، يك روز از افق ایران جلوتر و یا عقب تر هستند، چگونه باید عمل کرد؟

ج) وقت مغرب، غروب عرفی است که خورشید غروب می کند. در تحقق مغرب، ذهاب حمرة ی مشرقیه (برطرف شدن سرخی طرف مشرق) لازم نیست. اما نسبت به بقیه مورد سؤال، تشخیص روزهای اول هر ماه، باید با یقین، حسب ضوابط شرعی باشد؛ یعنی با رؤیت هلال یا ثبوت آن برای انسان و یا گذشتن سی روز از ماه قبلی و یا اطمینان به اول ماه و رؤیت هلال، از هر راهی که باشد. رؤیت هلال در هر مملکت برای مملکت دیگر که در شب با هم مشترک باشند - اگر چه اشتراکشان در همه شب نباشد و مقدار کمی باشد - کفایت می کند.

### نماز و روزه در مناطق قطبی

س ۵۹) در حال عزیمت به یکی از مناطقی هستیم که شش ماه از سال،

شب و شش ماه روز است. وظیفه بنده نسبت به ادای نماز و روزه چیست و اوقات شرعی را باید چگونه محاسبه کنم؟

(ج) در مکان‌هایی که تقریباً شش ماه شب و شش ماه روز است؛ یعنی روز و شبش بر خلاف متعارف است، وجوب روزه - علی الأقرب - ساقط است، ولی نماز یک روز و یک شب در تمام سال، واجب است. طریق محاسبه اوقات شرعی به این صورت است که: وقتی خورشید به انتها درجه ارتفاعش رسید، ظهر شرعی است و وقتی که به انتها درجه انخفازش رسید، نیمه شب است. نماز صبح، بعد از سپیده صبح تا پیش از طلوع خورشید، و نماز مغرب و عشا پس از غروب عرفی باید خوانده شود؛ نتیجتاً در ظرف یک سال، بیش از پنج نماز واجب نیست. اگر بخواهید احتیاط کنید، می‌توانید شبانه روز را با ساعات متعارف از ایام، محاسبه کنید؛ یعنی هر ۲۴ ساعت را یک شبانه روز قرار داده و نمازهای پنجگانه را بر حسب متعارف مکان‌های دیگر انجام دهید.

(س ۶۰) در برخی از مناطق این کره خاکی، نواحی جغرافیایی‌ای وجود دارد که برخی روزهای سال، شاهد شبی به طول ۲۳ ساعت و سپیده یک ساعته می‌باشد و پس از ۶ ماه، دارای روز ۲۳ ساعته و سپیده یک ساعته می‌باشد. چگونگی اوقات شرعی را در این مناطق توضیح دهید.

(ج) وقت نمازها در آن بلاد با بقیه جاهای دیگر فرقی ندارد؛ چون به هر حال، زوال شمس از نصف النهار، غروب آن، و طلوع فجر

صادق در آن بلاد وجود دارد.

س ۶۱ بنا بر جدول اوقات شرعی منتشره از سوی مسجد امام علی علیه السلام استکهلم وابسته به مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، طلوع فجر در این ایام در این شهر مشخص نیست و توصیه مسجد آن است که نماز صبح، نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب اقامه شود. از آن جا که غروب آفتاب هم تا ساعت ۲۲:۵۴ و طلوع آفتاب هم تا ۳:۲۰ صبح پیش می‌رود و در نتیجه، نمازهای مغرب و عشا و صبح، خصوصاً برای تازه مکلفان بسیار مشکل می‌شود، لطفاً در موارد زیر بیان فرمایید:

۱- در مورد غروب آفتاب، آیا می‌شود به شیوه اهل تسنن عمل کرد؟

۲- در مورد نماز شب چه زمانی افضل است؟ (طبق جدول مذکور، تشخیص نیمه شب هم میسر نیست).

۳- در حالی که هوا پس از غروب آفتاب، آن قدر تاریک نمی‌شود که سیاهی کامل، همه جا را فرا بگیرد و طلوع فجر مشخص شود، آیا می‌توان مانند نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا، دخول به وقت نماز صبح را نیز همزمان با نمازهای مغرب و عشا دانست؟ آخرین روزی که طلوع فجر مشخص است، ۲۸ آوریل است که ساعت ۱:۱۰ بامداد است و می‌شود نماز صبح را در این زمان اقامه کرد، نیمه شب ۲۳:۷، و غروب هم ۲۱:۱۵ است و از ۲۹ آوریل با آن که روزها بلندتر می‌شود، وقت نماز صبح دچار مشکل می‌گردد و شاید بتوان گفت که گم می‌شود.

ج) چون معیار غروب و طلوع آفتاب و طلوع فجر و نصف شب هر جایی تابع زمان هر یک در آن محل می‌باشد نه تابع ایران یا عراق یا حجاز و یا سایر جاها، بنابراین، هیچ مشکل شرعی در اوقات شهر محل سکونتتان پدید نمی‌آید، چون هر زمان که آفتاب غروب نمود - گرچه از ساعت ۲۲:۵۴ هم بگذرد - همان وقت، وقت نماز مغرب وعشا است، زیرا مغرب به نظر این جانب همان غروب آفتاب است. معیار شناختن نیمه شب نیز گذشتن نیمی از شب می‌باشد، که از زمان غروب آفتاب تا طلوع آن حساب می‌شود. حسب آن چه از سؤال استفاده می‌شود حتی اگر کل شب تقریباً چهار تا پنج ساعت باشد، با گذشت دو ساعت و نیم از غروب آفتاب، نصف شب به شمار می‌رود. وقت نماز صبح طلوع فجر صادق همان محل است، هر چند مدت فاصله‌اش با غروب کم باشد. تا یقین به طلوع فجر صادق پیدا نشده، نمی‌توان نماز صبح را خواند. از این رو تأخیر تا نزدیکی‌های طلوع آفتاب در آن مکان جایز است. خود شما بهتر می‌توانید حسب قاعده گفته شده (یعنی انطباق طلوع و غروب هر جایی با همان‌جا) پاسخ سؤال‌های موردی را دریافت نمایید و مشکلی هم ظاهراً در کار نیست.

#### قبله‌نما

س ۶۲) نظر جناب عالی در باره استفاده از قبله نما جهت شناختن قبله

چیست؟

(ج) مانعی ندارد، به شرط آن که اطمینان آور باشد.

### نماز در کشتی و هواپیما

س ۶۳) حالت قبله برای نماز در هواپیما و کشتی که در حالت تغییر وضعیت می باشد، چگونه است؟

(ج) تا می تواند قبله را تشخیص دهد - گرچه با گمان - باید در حال حرکت هواپیما یا کشتی به طرف غیر قبله، با سکوت، خود را به طرف قبله بچرخاند. اگر نمی داند کدام طرف قبله است، شرطیت قبله ساقط می شود و می تواند همان طور نماز بخواند.

### نماز در فضا

س ۶۴) فضانوردان مسلمانی که به فضا می روند، با توجه به این که هر نود دقیقه یک بار به دور زمین می گردند سمت و وقت نمازشان چگونه است؟

(ج) در کل شبانه روز (۲۴ ساعت) بیش از پنج نوبت، نماز واجب نیست؛ اما باید مراعات طلوع فجر و زوال ظهر و وقت مغرب و عشا را برای خواندن نمازها بکنند.

س ۶۵) ۱. حکم نماز و روزه در فضا برای فضانوردان چیست؟ ۲. وقت شرعی چگونه تعیین می شود؟

(ج) ۱) اگر در مدار زمین در حرکت باشند و حرکت آنها هماهنگ با حرکت زمین باشد - که نتیجتاً دائماً در یک وقت قرار خواهد داشت - نماز و روزه آنها واجب نیست. اگر بر فرض محال،

کسی برای ترک نماز، خود را در چنین مواردی قرار دهد معصیت کار است و قضای نماز و روزه‌ها به عهده‌اش می‌باشد، اما اگر حرکت آنها تندتر از حرکت زمین باشد، به گونه‌ای که مثلاً در یک شبانه روز، چندبار به دور زمین بچرخند، نمازهای پنج‌گانه را نسبت به شبانه روز زمین به‌جا آورد؛ اما وقت نمازها را در هر یک از گردش‌ها و مواقع با نماز قرار دهد. بنابراین، نماز صبح را با یکی از طلوع‌ها و نماز ظهر و عصر را در هر یکی از گردش‌ها مواقع با نماز یکی از روزها، و نماز مغرب و عشا را با یکی از شب‌ها به‌جا آورد.

اما اگر در گُرات دیگری داخل منظومه شمسی غیر از زمین باشد، اوقات شرعی در آن‌جا، تابع زوال و غروب خورشید در همان‌جا می‌باشد. وقت گرفتن روزه، طلوع فجر تا هنگام غروب است.

ج ۲) از جواب اول معلوم است.

#### عدم تشخیص قبله

س ۶۶) اگر به جایی بروم که ندانم کجاست و کسی یا علامتی نباشد که قبله را به من نشان دهد، برای نماز باید چه کنم و به چه سمتی نماز بخوانم؟

ج) در صورت ندانستن قبله، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، بنا بر احتیاط مستحب باید چهار نماز به چهار سمت (شمال، جنوب، مشرق و مغرب) بخوانید، اگر چه خواندن نماز به یک جهت، درست است.

س ۶۷) در نیم کره غربی، مناطقی وجود دارد که به هر سه یا چهار طرف که بایستید، قبله است؛ در این مناطق در چه جهتی باید اعمال شرعی را انجام داد؟

ج) بر فرض این که فاصله همه جهات به قبله، به یک اندازه است، به هر کدام از جهات بایستد کفایت می کند.

#### پوشاندن موی مصنوعی

س ۶۸) ستر موی مصنوعی خانم‌ها در نماز و غیر نماز چه حکمی دارد و آیا پوشاندن آنها واجب است؟ نگاه کردن به آنها چه حکمی دارد؟

ج) نگاه کردن به موی مصنوعی و یا لمس آنها که از اجزای بدن زن نیست، مانعی ندارد، چنان که پوشاندن آنها برای نماز لازم نیست. آنچه از سر و گردن که با موی مصنوعی پوشانده نشده، باید پوشانده شود.

س ۶۹) گاهی اوقات، لباس زنان به گونه‌ای است که سایه‌ای از بدن یا مویشان پیداست. آیا چنین حالتی برای نماز اشکال دارد؟

ج) اگر حجاب و ساتر به گونه‌ای باشد که بدن دیده شود، کافی نیست.

#### پوشش در نماز

س ۷۰) آیا پوشیدن چادر در نماز، شرط است یا می توان نماز را با مانتو، روسری و مقنعه خواند؟ در این باره، بین نماز فرادا و جماعت،

فرقی هست؟

(ج) برای زن نمازگزار، پوشاندن کل بدن، غیر از صورت و دست‌ها شرط است، لیکن گفته می‌شود که امروز چادر، بهترین وسیله پوشش برای بانوان است.

**روکش طلا و پلاتین برای مردان**

س ۷۱) آیا پوشاندن دندان با طلا اشکال دارد؟ حکم پوشاندن آن با پلاتین چیست؟

(ج) استفاده از طلا به عنوان زینت برای مردان حرام است؛ ولی استفاده از پلاتین و نقره در نماز، مانعی ندارد.

س ۷۲) طلا و نقره برای مرد به عنوان زینت چه حکمی دارد؟  
(ج) نقره، مانعی ندارد، لیکن طلا به عنوان زینت، برای مردها حرام است.

**هم‌سلولی غیرمسلمان**

س ۷۳) با توجه به اینکه همه هم‌سلولی‌های بنده در زندان کشور غیراسلامی، افراد غیرمسلمان‌اند و محیط سلول کوچک و بهره‌برداری از زمین، لباس و وسایل شخصی پاک برای ما غیرممکن است، نماز ما چه حکمی دارد و تکلیف چیست؟

(ج) اولاً یقین معتبر در نجاست زمین، فرش و لباس که به نماز آسیب بزند، معمولاً حاصل نمی‌شود. ثانیاً نماز در این گونه مکان‌ها هر چند با نجاست باشد، مانعی ندارد و صحیح است؛ لیکن کاهش

نجاست اگر مقدور باشد، مطلوب - بلکه لازم - است؛ بدین معنا که اگر چند لباس نجس پوشیده باشد و هنگام نماز بتواند تعداد کمتری از آنها را بپوشد، باید همین کار را انجام دهد.

#### مکان نمازگزار

س ۷۴) اگر کسی در جایی که می دانسته نجس است، ولی فراموش

کرده، نماز بخواند، آیا نمازش صحیح است؟

ج) نماز خواندن در جای نجس، اگر آن محل خشک باشد یا رطوبت مُسری نداشته باشد، صحیح است و فقط جای سجده باید پاک باشد.

س ۷۵) آیا خواندن نماز در مکانی که نجس ولی خشک است، جایز است؟

ج) مانعی ندارد، لیکن محل سجده، مثل مهر، باید پاک باشد.

#### حضور اهل کتاب در مسجد

س ۷۶) آیا حضور اهل کتاب و شرکت آنان در مراسمی که در مساجد

برگزار می شود، هتک مقام مسجد محسوب می شود؟

ج) هتک، محسوب نمی شود.

س ۷۷) احکام ورود کفار - اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب - به مسجد

الحرام و اماکن مقدّسه و سایر مساجد چیست؟

ج) اگر برای مصلحت اسلام و مسلمانان و مملکت های اسلامی و یا

جلب محبت آنان و یا جهات پسندیده دیگر باشد، مانعی ندارد.

## پخش اذان از بلندگو

س ۷۸) پخش اذان از بلندگوهای مسجد در صورت عدم رضایت ساکنان محل (بدون عذر شرعی) اشکال دارد؟

ج) رسیدن صدای اذان در وقت ادای فریضه مانعی ندارد، بلکه به عنوان حفظ شعائر مذهبی، در بعضی از مواقع، واجب است؛ اما نباید به گونه‌ای باشد که موجب آزار و اذیت دیگران باشد.

## سجده و تیمم

س ۷۹) حکم سجده کردن بر سیمان، موزائیک، کاشی، آهک و گچ پخته و همچنین تیمم بر آنها چیست؟

ج) سجده کردن بر سیمان، موزائیک، کاشی و همانند آنها که در اثر تغییر و تحوّل‌های زیاد، ظاهراً عنوان زمین بر آنها صدق نمی‌کند، درست نیست؛ اما سجده بر آهک، گچ پخته شده و مانند آنها مثل سجده بر آهک و گچ خام، جایز است. تیمم بر موارد ذکر شده، حکم سجده بر آنها را دارد.

س ۸۰) سجده بر روی فرش‌های مسجدالنبی چه حکمی دارد؟

ج) سجده در مسجدالنبی روی فرش‌های مسجد به حکم تقیه مداراتی، مجزی است. لازم نیست در جایی که سنگ است، نماز بخوانند و یا حصیر و مانند آن همراه خود ببرند؛ هر چند همراه داشتن آن و یا سجده بر سنگ‌ها، اگر به گونه‌ای باشد که خلاف متعارف بین مسلمانان نباشد و موجب توهین نگردد،

مانعی ندارد و جایز است.

### دست بسته نماز خواندن

س ۸۱) آیا پس از اتمام سلام نماز، چرخاندن سر به راست و چپ، گفتن الله اکبر، و بالا بردن دست تا مرز گوش لازم است؟ رسول اکرم ﷺ دست بسته نماز می خواند؟

ج ۱) هیچ یک از آنها لازم نیست، بلکه گرداندن سر به راست و چپ مستحب هم نمی باشد.

ج ۲) پیامبر اکرم ﷺ همان طور که به وسیله نزدیکان معصوم حضرت و عدّه بسیار دیگری به ما رسیده و روایات فراوان، آن را بیان داشته، با دست باز نماز می خواندند. اصولاً خواندن نماز با دست بسته و گذاشتن دو دست روی سینه، ترویج فرهنگ مجوس، جباران و زمامداران سلطه گر است. اسلام تمام مظاهر ستمکاری را از بین می برد.

### احکام نماز مسافر

س ۸۲) با توجه به این که امروزه نقل و انتقالات و مسافرت ها، به طور تقریباً سریع انجام می شود، آیا می بایست هنوز نماز، شکسته خوانده شود، چرا؟

ج) سریع یا کند بودن مسافرت ها در حد و اندازه، فرقی ایجاد نمی نماید و گرنه حدّ معین شده، حد و اندازه نمی باشد، گرچه امروزه مسافرت ها سریع تر انجام می گیرد، اما باید به کمی

فرصت‌ها و وقت‌ها توجه کرد ﴿إِنَّ الْحَكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ یعنی قانونگذاری از آن خداوند است که حق را از باطل جدا می‌کند و بهترین جداکننده است.

س ۸۳) کسانی که همیشه باید هفته‌ای یک بار یا بیشتر یا کم‌تر به جایی که بیش از هشت فرسخ است، مسافرت کنند، مانند دانش‌پژوهان و معلّم و سبزیکار و باغدار و میوه‌فروش، که مسافرت، لازمه شغل آنان است، آیا نسبت به نماز و روزه، مانند کسانی‌اند که سفر، شغل آنهاست و وظیفه‌شان تمام است، یا باید مثل دیگر مسافران، نماز را شکسته بخوانند و روزه بگیرند؟ بنا بر قسمت اوّل، اگر اتفاقاً ده روز در وطن یا جای دیگر ماندند، در سفر چندم تکلیفشان تمام است؟ اگر راننده برای راه انداختن ماشینش با وسیله دیگر از وطن خود یا از غیر وطن برای خرید لوازم به هشت فرسخی برود، تکلیفش چیست؟

ج) یکی از معیارهای تمام بودن نماز و صحّت روزه در سفر، سفر بسیار و کثرت آن است. این معنا با این که انسان بنا داشته باشد برای مدّتی نسبتاً طولانی، حدّاقلاً پیش از ده روز یک مسافرت کند، محقّق می‌شود. در این جهت، فرقی بین سفر شغل و غیر شغلی نیست.

س ۸۴) تکلیف نماز و روزه تجّاری که در اکثر ماه‌های سال - چه در داخل و چه خارج از کشور - مشغول تجارت هستند، چیست؟  
ج) اگر مسافرت آنها - چه شغلی، چه غیر شغلی - معمولاً پیش از ده

۱. سوره انعام، آیه ۵۷.

روز، صورت می گیرد کثیرالسفر محسوب می شوند.

### حکم نماز و روزه با غسل جنابت نکردن

س ۸۵) تکلیف فردی که نمی دانسته با عمل استمنا، غسل جنابت بر او واجب می شود، در مورد نماز و روزه چگونه است؟ به مدت دو سال استمنا نموده غسل نکرده و فقط در مواقعی که محتمل شده، غسل کرده است.

ج) اگر کسی به وسیله استمنا جُنُب شود (منی از او خارج شود) غسل بر او واجب است. چنانچه مدتی در حال جنابت بوده و مسئله را نمی دانسته، نمازهایش قضا دارد، چون طهارت، شرط نماز است، لیکن روزه صحیح است، چون عمداً در حال جنابت باقی نمانده، در هر صورت، از زمانی که غسل جنابتی انجام داده، جنابت حاصل از استمنا برطرف گشته و آن غسل از جنابت کفایت می کند.

### اقتدا به اهل سنت

س ۸۶) هرگاه برای تحیب قلوب و وحدت مسلمانان، در نماز جماعت برادران اهل سنت شرکت کنیم که فاقد جزء یا شرط یا همراه با مانع است - با فرض این که اضطرار و ضرورتی نیست و می توان در مکان یا زمان دیگر، بدون هیچ اشکالی نماز به طریق شیعه خواند - آیا نماز، صحیح است و نیازی به اعاده یا قضا ندارد؟ همچنین در تقیه در موضوعات؛ مثل وقوف در

عرفات در روزی که قاضی عامه حکم کرده، با این که شک یا یقین به خلاف داریم، آیا وقوف با برادران اهل سنت، مجزی است؟ آیا شرکت در نماز جماعت اهل سنت، اختصاص به مسجد الحرام و مسجدالنبی دارد یا در مورد مساجد دیگر هم جاری است؟

(ج) تقیه در همه جا موجب اجزا (کفایت) است و دائر مدار تنگی وقت نیست. نماز تقیه‌ای در وسعت وقت هم صحیح است و فرقی بین جماعت در مسجد الحرام و مسجدالنبی و مساجد دیگر مکه و مدینه، وجود ندارد. حکم قضات عامه درباره عرفه و عید نیز از باب تقیه، پذیرفته است؛ اگر چه یقین به خلاف هم باشد.

س ۸۷) آیا اقتدا به امام جماعت اهل سنت در مسجدالحرام و مسجدالنبی جایز است؟

(ج) اقامه نماز جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی به حکم تقیه مداراتی، مجزی است. باید سعی شود وحدت مسلمانان و عظمت نماز جماعت حفظ شود، و هنگام برپایی نماز، مؤمنان از مسجد خارج نشوند، تا سب انگشت نما گشتن آنان و توهین به مذهب گردد.

س ۸۸) در صورت عدم زمینه تقیه، اقتدا به ائمه جماعت اهل سنت مجزی است؟

(ج) اگر زمینه تقیه - هر چند مداراتی - فراهم نباشد، طبیعی است که اقتدا غیر جایز و نماز باطل است.

### شنیدن آیه سجده‌دار در نماز

س ۸۹) گاهی امام جماعت اهل سنت، در نماز، آیه سجده‌دار را می‌خواند و نمازگزاران در اثنای قرائت، به سجده می‌روند و برمی‌خیزند. اگر کسی عمداً یا سهواً سجده را ترک کند، نمازش چه حکمی دارد؟ اگر ندانسته به رکوع و سپس به سجده رفت و دوباره به قیام برگشت، تکلیف چیست؟

ج) تکلیف اولی، عمل طبق تقیه است، اما با قطع نظر از آن، هرگاه نمازگزار آیه سجده‌دار را شنید، با اشاره با سر، سجده می‌نماید و پس از نماز، سجده درست انجام می‌دهد، اما ترک آن مضرّ به نماز نیست و فقط سرپیچی از وظیفه است؛ لیکن اضافه کردن رکوع و یا سجده، مبطل نماز است، چون رکوع و سجده جزء ارکان نماز است و کم و زیاد کردن آن - عمداً و سهواً - موجب بطلان می‌شود.

### متصل نبودن صف‌های نماز جماعت

س ۹۰) در نماز جماعت مسجدالحرام، اتصال صفوف برقرار نیست، آیا شیعیان باید اتصال صفوف را مراعات کنند یا همان مقدار که آنان نماز را صحیح می‌دانند، کافی است؛ مخصوصاً که امکان اتصال نماز بانوان در بعضی مواقع وجود ندارد؟

ج) اگر نماز را همان طور بخوانند که آنها صحیح می‌دانند، کفایت می‌کند.

## شرط امام جمعه

س ۹۱) اقامه نماز جمعه در کشورهای اسلامی که امام جمعه از طرف ولیّ فقیه منصوب نشده، مجزی است؟

ج) کفایت می‌نماید و مجزی است. در زمان غیبت، نصب، شرطیت و موضوعیت ندارد.



---

## احکام روزه

---

### گزارش وسایل ارتباط جمعی

س ۹۲) آیا اخبار مربوط به رؤیت هلال از سوی مراکز خبری و رادیو و تلویزیون کشورهای اسلامی، غیر از ایران، حجّت است؟  
ج) معیار، اطمینان و وثوق است، که در موضوعات از هر راهی حاصل شود، حجّت است.

### عمل به فتوای اهل سنت در افطار روزه

س ۹۳) تکلیف کسی که در سفر عمره، به تصور اینکه موضع تقیه است، روزه خود را با اهل سنت - که معیار نزد آنان در مغرب شرعی استتار قرص است - افطار نموده چیست؟  
ج) افطار با استتار قرص خورشید - که غروب آفتاب می باشد - جایز

است و نیازی به تقیه برای افطار نیست.

### رعایت افق شرعی در نماز و روزه

س ۹۴) آیا در ماه مبارک رمضان می توان به ساعاتی که از طرف بعضی مراکز، برای افق صبح یک شهر خاص اعلام می شود، یا به تقویم های نوشته شده، عمل کرد؟

ج) رعایت احتیاط در مورد روزه نسبت به سپیده صبح، مطلوب است؛ یعنی تا اطمینان به طلوع فجر پیدا نشده، هر چند خوردن و آشامیدن جایز است، لیکن احتیاط کردن و امساک در زمان شک، نیکوست. اما نسبت به مغرب، تا به دخول وقت اطمینان نکرده، باید امساک کند. خوردن و آشامیدن با شک در دخول وقت، افطار عمدی به شمار می رود. نسبت به نماز هم اطمینان به دخول وقت، لازم است. حکم تقویم یا غیر آن، تابع حصول اطمینان مکلف می باشد.

### روزه گرفتن در شهرهای آلوده

س ۹۵) روزه گرفتن در شهرهایی که درجه آلودگی شان بالاست و موقع تنفس، مرتباً آلودگی به دهان وارد می شود، چه حکمی دارد؟

ج) روزه بر اهالی آن شهرها همانند بقیه مناطق، واجب است. باید در مراکز آلوده که آلودگی شان همانند غبار غلیظ و دود باشد، به وسیله ای مانند ماسک از رسیدن آلودگی ها به دهان و گلو جلوگیری کرد و روزه صحیح است. آلودگی بسیار هوا و زیست

محیطی، حکم غبار غلیظ و دود را دارند.

### طولانی بودن اوقات روز برای روزه گرفتن

س ۹۶) در بعضی کشورها به دلیل طولانی بودن روز - که بعضی اوقات تا ۲۲ ساعت و یا بیشتر می‌باشد و گرفتن روزه بسیار مشکل است - چه وظیفه‌ای داریم؟ آیا می‌توان طبق افق مناطق معتدلی نظیر ایران و عربستان عمل کرد؟

ج) اوقات شرعی در آن مناطق با بقیه جاهای دیگر فرقی ندارد، چون به هر حال طلوع فجر صادق و غروب آفتاب در آن جاها وجود دارد. اما به‌طور کلی اگر طول روز به قدری زیاد باشد که روزه حرج و مشقت داشت، نباید روزه بگیرید، لیکن واجب است در فرصتی مناسب آن را قضا کنید. تشخیص حرج و مشقت و ضرر با خود مکلف است.

### استفاده از دستگاه بخور در هنگام روزه داری

س ۹۷) آیا استفاده از دستگاه بخور جهت معالجه، روزه را باطل می‌کند؟

ج) اگر بخار غلیظ نباشد، مانعی ندارد؛ اما اگر غلیظ باشد، بنا بر احتیاط واجب نباید وارد حلق شود، ولی ورود آن به بینی و فضای دهان، منعی ندارد؛ لیکن اگر بخارها به صورت آب در دهان جمع شود، نباید فرو ببرد، چون آب بیرون از دهان محسوب شده و روزه را باطل می‌کند.

### غَوَاصی در حال روزه

س ۹۸) شغل این جانب غَوَاصی است و مجبورم برای انجام کار به زیر آب بروم، اما از ماسک‌هایی استفاده می‌کنم که چشم‌ها، ابرو و بینی را می‌پوشاند و آب به داخل حلق نمی‌رسد. روزه من چگونه است؟

ج) در فرض مذکور، روزه باطل است و ملاک، رسیدن و نرسیدن آب به حلق نیست؛ بلکه فرو بردن سر به زیر آب، مُبطل است.

س ۹۹) دستگاه‌های غَوَاصی به گونه‌ای طراحی شده که هوای فشرده را در زیر آب در اختیار غَوَاص قرار می‌دهد و هنگام غَوَاصی، تمام اعضای بدن، زیر آب قرار داشته و با آب در تماس مستقیم است به غیر از صورت - که زیر ماسک قرار می‌گیرد و شامل پیشانی، گونه‌ها و بینی غَوَاص می‌شود - و از آنجا که نظامی هستیم، بنا بر اوامر فرمانده مافوق، به صورت ضرورت یا عملیاتی و یا حالت عادی به رغم میل باطنی خود، سر به زیر آب برده و عملیات غَوَاصی را انجام می‌دهیم. در بعضی مواقع بسته به اوضاع (عمق آب و درگیری فیزیکی غَوَاص در زیر آب) مقداری آب، ناخواسته وارد دهان فضای ماسک غَوَاصی می‌گردد، بفرمایید:

۱ - آیا غَوَاصی در ماه رمضان، موجب ابطال روزه می‌شود؟

۲ - در صورت ابطال، آیا کفاره هم بر عهده انسان می‌باشد؟

۳ - حکم روزه‌های پیش - که مجبور به غَوَاصی بوده - در حالی که حکم شرعی آن را نمی‌دانسته، چیست؟

ج) اگر به صورت محفظه‌ای باشد که سر در آن قرار می‌گیرد، روزه

باطل نمی‌شود. روزه‌های قبلی حتی اگر غواصی در آن به گونه‌ای بوده که موجب بطلان روزه می‌شده، به خاطر اجبار و اکراه، ضرری برای روزه نداشته است.

س ۱۰۰) اگر کسی سر را با ظرفی که به سر چسبیده نیست در ماه رمضان به زیر آب برود، آیا موجب بطلان روزه می‌شود؟  
 ج) در امثال این موارد که سر، مستقیماً زیر آب نمی‌رود، روزه باطل نمی‌شود.

### روزه حائض

س ۱۰۱) چنانچه زن روزه دار، در ماه مبارک رمضان، اندکی پیش از غروب آفتاب، حیض شود، روزه‌اش چه حکمی دارد؟  
 ج) روزه‌اش باطل می‌شود، چون اگر پیش از افطار و غروب آفتاب - گرچه برای یک لحظه - عادت زنانه شود، روزه آن روز باطل است.

### روزه حاجیان

س ۱۰۲) روزه گرفتن حجاج در مدینه منوره در حالی که ده روز در آنجا نمی‌مانند، چه حکمی دارد؟  
 ج) مسافر می‌تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه منوره روزه مستحبی بگیرد.



---

## احکام خمس

---

### پرداخت حقوق شرعی

س ۱۰۳) آیا می‌توان سهم امام و سهم سادات را در کشورهای که حضرت عالی نماینده ندارید، به خانه‌های فرهنگی تحویل داد؟  
ج) نمی‌توان، و خمس «عون علی الدین» است. امروز، مصداق کامل و ظاهر آن، حفظ حوزه‌های علمیه، همانند قم، نجف و سایر مناطق است و با اجازه باید مصرف شود.

### خمس اموال افزون بر نیاز

س ۱۰۴) چند برادر با هم کار می‌کنند و از منفعت آن، یک میلیون روپیه به دست می‌آورند، و با آن که خانه هم داشته‌اند، برای سود بیشتر، خانه دیگری ساخته‌اند، آیا به خانه افزون بر احتیاج،

### خمس تعلق می‌گیرد؟

(ج) به منافعی که انسان از راه کسب به دست می‌آورد و افزون بر هزینه زندگی است، خمس تعلق می‌گیرد، اگر چه خانه باشد. بنابراین، خمس خانه مذکور را باید پردازند.

س ۱۰۵) در خارج از کشور به تحصیل اشتغال دارم و هر شش ماه، از طرف وزارت علوم، مبلغی به عنوان مقرری ارزی به حسابم واریز می‌شود. مقرری در مقابل تعهدی است که به وزارتخانه مربوط داده‌ام تا پس از فراغت از تحصیل، برای دو برابر مدت تحصیل در اختیار آنها باشم. آیا مبلغ اضافی این پول، متعلق خمس است؟ (ج) آنچه که به عنوان ارز به حساب شما واریز می‌شود، اگر به عنوان وام تحصیلی باشد، فعلاً خمس ندارد؛ ولی اگر به عنوان بورسیه باشد، چنانچه افزون بر هزینه باشد، خمس دارد.

### خمس جهیزیه و هزینه خرید خانه

س ۱۰۶) بنا به فتوای جناب عالی جهیزیه‌ای که برای دختران کنار گذاشته می‌شود، حتی اگر پول نقد باشد، مئونه محسوب می‌شود. با عنایت به این که فرزندان ذکور نیز - خصوصاً امروزه - در امر ازدواج و زندگی آتی خود نیاز به پشتوانه پدر دارند، آیا می‌توان از محل درآمد سالانه، مبلغی را جهت تهیه مسکن و مراسم ازدواجشان در نظر گرفت و کنار گذاشت؟

(ج) پول‌هایی که برای ازدواج و مقدمات آن در حد متعارف برای فرزندان، کنار گذاشته می‌شود، خمس ندارد، لیکن اگر پدر از

درآمد خود، پولی را برای تهیه منزل برای فرزند کنار بگذارد، متعلق خمس است؛ اما اگر کسی فاقد منزل مسکونی باشد و پولی برای خرید منزل مورد نیازش کنار بگذارد، گرچه سال بر آن بگذرد، متعلق خمس نیست.

### خمس وسایل نقلیه و دارایی

س ۱۰۷) اگر انسان وسیله نقلیه مورد نیاز خود را در بین سال بفروشد و یا پیش از رسیدن سال، وسیله نقلیه دیگری خریداری کند، صحیح است، یا باید خمس آن پول را بدهد و یا اصلاً خمس ندارد؟

ج) پولی که از فروش مئونه و نیازمندی‌های زندگی به دست می‌آید، تا شخص به ماشین احتیاج دارد و بنا را بر نداشتن آن وسیله گذاشته، خمس ندارد و درآمد محسوب نمی‌شود.

س ۱۰۸) آیا طلا یا لوازمی که با پول غیرمخمس<sup>۱</sup> خریداری شده و در حد شأن خانواده بوده و حال، فرد برای خرید خانه یا وسایل خانه در حد شأن خانواده، به فروش رسانده، خمس دارد؟

ج) خمس ندارد، گرچه از پول غیرمخمس تهیه شده؛ یعنی جزو مئونه بوده؛ به طور کلی، آنچه مئونه و مورد احتیاج انسان باشد، وقتی فروش می‌رود و صرف مئونه دیگر می‌شود، خمس ندارد.

### خمس هزینه زیارت

س ۱۰۹) شخصی برای عمره مفرده ثبت نام کرده - درحالی که رفتن او به

۱. خمس داده نشده.

عمره قطعی است و برای رفتن ناچار باید مقداری پول به حساب واریز کند، ولی نوبت او به سال بعد موکول شده - آیا در سر سال خمسی، به پولی که به حساب سازمان حج و زیارت واریز شده، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج) مخارج سفر عمره و سفرهای زیارتی دیگری که به طور متعارف انجام می‌گیرد، متعلق خمس نیست و جزو مئونه حساب می‌شود. س ۱۱۰) آیا کسی که برای پرداخت خمس، سال مالی دارد، جهت مشرف شدن به حج باید هنگام عزیمت نیز برای پرداخت خمس، دارایی خود را محاسبه نماید و یا موعد سال مالی اش کافی است؟

ج) پولی که انسان برای سفرهای زیارتی - مثل حج - کنار می‌گذارد، خمس ندارد. در فرض سؤال، درآمد کسب پس از این که سال بر آن گذشت، متعلق خمس است. محاسبه هنگام تشرّف برای کسی که در بین سال خمسی به حج مشرف می‌شود، لازم نیست؛ گرچه احتیاط در مراجعه است تا لباس احرام و پول هدیش (قربانی) مورد شبهه قرار نگیرد و مرجعی که به او مراجعه شده نیز رعایت احتیاط را بنماید.

**خمس مالی که به قناعت به دست آمد**

س ۱۱۱) در رساله توضیح المسائل جناب عالی در بحث خمس آمده: «اگر به واسطه قناعت کردن و سخت گرفتن، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، ادای خمس آن واجب نیست». مراد از «قناعت»

و حدّ آن چیست؟ مبلغ یکصد هزار تومان وام گرفتم و با قناعت، اقساط آن را پرداختم و پولش را صرف درختکاری کردم. آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

(ج) مراد از قناعت، سختگیری در زندگی و مخارج است. این امر را هر کس به فراخور حال خودش می‌تواند تشخیص دهد. به مبلغ مرقوم اگر اقساطش از راه قناعت پرداخت شده - یعنی اگر با صرفه جویی در هزینه‌های متعارف زندگی باشد - خمس تعلق نمی‌گیرد.

#### تأثیر کاهش ارزش پول در خمس

س ۱۱۲) آیا کاهش ارزش پول، در خمس تأثیری دارد؟

(ج) تا زمانی که جامعه و عرف، بالا رفتن قیمت چیزی را فایده می‌داند، کم ارزش شدن پول، مضرّ به تعلق خمس نیست و خمس به فایده تعلق می‌گیرد. معیار، صدق عرفی آن است.

#### زکات پول اعتباری (اسکناس)

س ۱۱۳) دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران، در

حال نوشتن پایان نامه خود با عنوان «مدل اقتصاد کلان در یک سیستم اسلامی» می‌باشم. در پایان نامه، ورود متغیر «زکات» به عنوان عاملی که می‌تواند توزیع درآمد را بهبود بخشد و همچنین در زمینه فقرزدایی، عامل بسزایی به حساب آید، نقش حیاتی را می‌تواند ایفا کند. در این پژوهش، زکات به موارد نه گانه

مذکور در رسالات عملیه تعلق نمی‌گیرد، بلکه مورد نظر، زکات بر پول اعتباری نظیر اسکناس است که در برخی جوامع امروزی، شامل پشتوانه طلا و نقره هم نیست و فقط بر اساس تولیدی جامعه (GNP تولید ناخالص ملی) چاپ و منتشر می‌شود. از طرفی با در نظر گرفتن این مسأله که شمول زکات بر موارد نه گانه مذکور در دنیای امروزی که حجم این اقلام درصد ناچیزی از تولید یک کشور را در بر می‌گیرد، نمی‌تواند احتیاجات مستمندان و فقیران را آن طور که مورد نظر شارع مقدس بوده، برآورده سازد. آیا باز در چنین وضعیتی بر اسکناس‌های امروزی زکات بسته نمی‌شود؟ با دلایل فقهی و اقتصادی مستدل، محرز است که اگر ماهیت پول‌های امروزی درک گردد و زکات بر آنها بسته نشود، به نظر می‌رسد هیچ‌گاه منظور شارع که فرموده است: «اگر زکات پرداخت شود، هیچ فقیری در جامعه وجود نخواهد داشت» برآورده نمی‌شود. این در حالی است که غالب فقهای اهل سنت بر این مسأله صحّه گذارده‌اند که پول اعتباری و پس‌اندازهای بانکی پس از یک سال، مشمول زکات می‌شوند و این مسأله به نظر ما اقتصاددانان کاملاً منطقی و قابل توجیه است، در حالی که عمده فقهای اهل تشیع - به جز شمار اندکی - این مسأله را منتفی دانسته‌اند. با دلایل مکفی و مستدل روشن شود که چرا از نظر فقه شیعه، به پول اعتباری زکات تعلق نمی‌گیرد؟ چرا فقهای اهل سنت بر عکس فقه شیعه عمل نموده‌اند؟ در صورت ردّ نظر اهل سنت، دلایل کافی گفته شود. این مسأله به قدری با

اهمیت است که ممکن است مسیر و نتیجه پژوهش را تحت تأثیر مستقیم خود قرار دهد.

در برخی از احادیث ما، این مطلب ذکر شده که اگر طلا و نقره به شکل پول رایج باشند، مشمول زکات و در غیر این صورت مشمول زکات نیستند. این مطلب با توجه به ماهیت پول‌های امروزی به حقیقت منظور شارع مقدس، نزدیک‌تر است که باید به پول‌های امروزی (اعتباری) نیز زکات بسته شود، در حالی که به اتفاق آرای فقهای اهل تشیع، مردود است. در صورت منتفی بودن تعلق زکات به پول اعتباری از نظر فقه اهل تشیع، می‌توان از عامل «خمس» بر پول اعتباری، برای اجرای هدف توزیع درآمد و عدالت اجتماعی استفاده کرد؟

ج) زکات و خمس، عبادت است و باید با قصد قربت دهنده و بلکه چه بهتر با دعا انجام بگیرد - چرا که خداوند متعال فرموده است: ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾<sup>۱</sup> نمی‌توان با اجبار و اکراه اخذ نمود. بنابر این اولاً: وجوب زکات بر اسکناس و عدم آن، تأثیری در غرض مذکور در سؤال ندارد. فقر جامعه را امروزه باید حکومت‌ها با نقشه‌ها و طرح‌های اقتصادی کلان و با ثروت‌های مادی و معنوی‌ای که در دست دارند، از بین ببرند. ثانیاً بر اسکناس‌ها و کارخانه‌ها خمس تعلق می‌گیرد که یک پنجم و زاید بر مقدار زکات است و اختیارش هم به دست امام

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۳. «و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی

خاطر آنها می‌شود.»

معصوم علیه السلام و یا فقیه عادل با تقوا و جامع الشرائط می‌باشد، که طبعاً فقر مردم را مورد توجه قرار می‌دهد. از جواب معلوم شد که محض قول به تعلّق زکات به اسکناس، راه حلّ مشکل نبوده، راه حلّ مشکل‌های اقتصادی را در این گونه امور و شعارها دانستن، موجب رفع قصور و یا تقصیر از حکومت‌ها می‌شود که امری ناپسند است. باید حکومت‌ها را وادار به رفع معضلات اقتصادی کلان با سرمایه‌های کلان مادی و معنوی ای کرد که در دست دارند.



---

## احکام امر به معروف و نهی از منکر و دفاع

---

### برخورد با خلافتکار

س ۱۱۴) آیا فقه شیعه، اجازه برخورد با فردی که یکی از نمادهای رفتار دینی - مانند حجاب را که از مسلمات قرآن است رعایت نکرده باشد - می‌دهد؟ آیا در سنت معصومان علیهم‌السلام، سیره‌ای که بیانگر برخورد با رفتارهای دینی که مورد غفلت واقع شود، وجود دارد؟ (ج) وظیفه مسلم مسلمانان در مقابله با ارتکاب معاصی و منکرها - که جنبه حق الله دارد و منکرهای دیگر؛ مثل پایمال کردن اموال مردم و بیت المال و یا خیانت به حقوق جامعه و افراد و... که جنبه حق الناس دارد - نهی از منکر است که وجوبش جای هیچ گونه بحث و شبهه‌ای ندارد. اسلام آن را واجب کرده تا محرّمات در جامعه ترک شود و خیانت به افراد و حقوق آنها تحقق پیدا

نکنند؛ لیکن بحثی بین فقها مطرح است، که: رفتار و برخوردهای فیزیکی، یعنی سیلی که موجب جرح نشود، جزو مراتب نهی از منکر است؟ شیخ الطائفه (قدس سره) در کتاب «نهایه» و بعضی از فقهای دیگر، جزو منکران آن هستند و به نظر این جانب هم اقوی است؛ اما بعضی از فقها و محققان قایل اند که جزو مراتب است؛ یعنی در مرتبه چهارم قرار دارد؛ ولی به هر حال، همه قایلان به جواز، آن را مشروط به عدم فساد، هرج و مرج، کریه شدن چهره اسلام و بدبین شدن به اسلام و مسلمانان می دانند. ظاهراً در جامعه باز امروز و ارتباطات وسیع، ضرب و برخورد فیزیکی اگر مستلزم همه‌ی آن پیامدها و مفاسد و یا بعضی از آنها نباشد، احتمالش وجود دارد. همین احتمال سبب عدم جواز و حرمت نهی از منکر به مرتبه ایذا، ضرب و هتک افراد است؛ برخورد فیزیکی با منکر به وسیله حکومت و قانون (یعنی قانون مصوب نمایندگان مجلس شورای اسلامی که حدود و ثغور و مجریان آن را معین نماید) به فتوای همه‌ی فقها جایز است. نمایندگان محترم قطعاً در تصویب قانون، رعایت همه‌ی جهات و جوانب را می نمایند. بنابراین، همه‌ی آنچه مرقوم شد، غیر از برخورد قانونی و مصوب مجلس شورای اسلامی است.

وظیفه شوهر نسبت به همسری که نماز نمی خواند

س ۱۱۵) تکلیف شوهری که زنش نماز نمی خواند و به تکالیف شرعی

اهمیت نمی دهد، چیست؟

ج) وظیفه شوهر مانند دیگران، امر به معروف با رعایت شرایط است. کانون خانوادگی در اسلام، از اهمیت بالایی برخوردار است. به نظر می‌رسد باید به نصیحت، ارشاد و هر چه که طرف را در ترک واجب، لجوج ننماید و باعث اختلاف نشود، بسنده کرد.

### توهین و آزار زن و شوهر به یکدیگر

س ۱۱۶) حکم توهین کردن زن به شوهر یا به عکس چیست؟

ج) توهین و اذیت کردن افراد، حرام و غیر جایز است. در حکم، فرقی بین زن و شوهر و غیر آنها نیست آنها به خصوص، مأمور به خوشرفتاری و خوبی کردن به یکدیگر هستند.

س ۱۱۷) خواهرم با فردی ازدواج کرده که اولاً واجبات خود را انجام

نمی‌دهد؛ ثانیاً هر آنچه که به دست می‌آورد، به پای قمار می‌گذارد؛ ثالثاً خواهرم را کتک می‌زند! کار به شکایت و دادگاه کشیده و با قید تعهد، آزاد شده است. رابعاً - به اختلال روانی مبتلاست. با این توصیفات، خواهرم می‌تواند از او طلاق بگیرد؟

ج) وظیفه زن در برابر شوهر در ترک واجبات و انجام محرمات، مانند دیگران، امر به معروف با رعایت شرایط است. کانون خانوادگی در اسلام، از اهمیت بالایی برخوردار است. به نظر می‌رسد که باید به نصیحت، ارشاد و هر چه طرف را در ترک واجب یا انجام محرمات، وادار به لجبازی نکند و باعث اختلاف نشود، بسنده کرد. اگر زندگی با چنین مردی برای زن، از جهات مختلف زندگی، مشقت فراوان و حرج شدید دارد، می‌تواند از

دادگاه، تقاضای طلاق کند. حاکم در صورت احراز عُسر و حَرَج بودن زندگی برای زن، می‌تواند حکم به طلاق بدهد یا شوهر را از باب ولایت بر ممتنع (کسی که از انجام حکم سر باز می‌زند) به طلاق وادار نماید.

### حرمت مال غیر مسلمان

س ۱۱۸) آیا اموال غیرمسلمانان مانند مسلمانان احترام دارد؟

ج) در احترام مال و جان انسان‌ها، تفاوتی بین مسلمان و غیرمسلمان نمی‌باشد. علاوه بر اینکه رعایت قوانین و مقررات هر کشوری برای ساکنان آنجا واجب و لازم است.

س ۱۱۹) چنانچه از اهل کتاب (مسیحی یا یهودی) مشروبات الکلی یا آلات قمار کشف شود، آیا شرعاً می‌توان حکم به نابود کردن آنها داد؟

ج) اگر برای استفاده خودشان که حلال می‌دانند نگهداری می‌کنند، از بین بردن آنها جائز نیست، چون با سلطه مردم بر مالشان مخالف می‌باشد؛ ولی اگر نگهداری، به این منظور است که آنها را به مسلمانان بفروشند و مسلمان‌ها را به حرام وادار نمایند و با نهی از منکر دست بردار نیستند، از باب از بین بردن زمینه فساد، به حکم قانون و تصویب آن می‌توان از بین برد.

س ۱۲۰) آیا اموال کافران که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند - صرف نظر از عناوین ثانوی؛ همانند بدنامی و آتّهام - احترام دارد؟  
ج) نمی‌توان به جان و مال کفّاری که در مملکت اسلامی زندگی

می‌کنند و دولت اسلامی به آنها امانت داده است، دست درازی و تعرض کرد.

#### محافظت از شخصیت‌ها

س ۱۲۱) اشخاصی که از جان افراد مملکتی محافظت می‌کنند (بادی گارد)، مأمورند در صورتی که گلوله‌ای به جانب شخص مورد نظر شلیک شد، خود را در برابر مسیر گلوله قرار دهند تا به وی آسیبی نرسد. آیا این عمل از دیدگاه اسلام بی‌اشکال است؟

ج) دفاع از نفس و جلوگیری از حمله به جان انسان، چه برای شخصی که مورد حمله قرار گرفته و چه برای دیگران، مشروع است؛ لیکن نسبت به خودش واجب و نسبت به دیگران جایز است، مگر با فرض عدم قدرت فردی که مورد حمله قرار گرفته و نرسیدن ضرر به دفاع کننده، که در این صورت، به حکم حفظ نفس دیگری، بر او واجب است.



---

## احکام معاملات و بعضی از کارهای حلال و حرام

---

### موسیقی

س ۱۲۲) چه نوع موسیقی ای حرام است و معیار و ملاک تشخیص موسیقی حلال از حرام چیست؟ چه نوع از آلات و وسایل موسیقی حرام است؟

ج) هر گونه موسیقی، غنا، اصوات و سخنان لهُو که موجب گمراهی انسان از راه خدا و سعادت گردد، اجرا، شنیدن، تهیه ابزار و وسایل آنها و یا درست کردن به قصد چنین استفاده‌ای، حرام و معصیت است. ترویج و تشویق بی عفتی، بی بند و باری، گناهان فکری و بدنی، تنبلی، سربرار جامعه شدن، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و دیگر معاصی، گمراه شدن از سیل الله است و از همه‌ی راه‌های منجر به آنها باید جلوگیری شود. هر موسیقی ای که

موجب و سبب آنها باشد، حرام است و هیچ تفاوتی بین انواع و ابزار و ادوات آنها نیست. آری، موسیقی‌هایی را که دارای این نحو از گمراه کننده گی نباشند و همراه با هیچ حرامی مانند اختلاط زن و مرد و ابتذال در مجلس نباشند، نمی‌توان گفت حرام است و ظاهراً جایز و مباح است.

س ۱۲۳) آیا اجرای کنسرت‌های موسیقی (سنّتی و...) مجاز است؟  
برگزاری کلاس‌های موسیقی چه طور؟

ج) در صورت انجام نگرفتن کار حرامی همراه آن، همانند محتوای باطل، مانعی ندارد. هر موسیقی که حرام باشد - یعنی دارای محتوای باطل و برای شب نشینی‌های ویرانگر و فسادآور باشد - تعلیم و تربیت آنها حرام است؛ اما برگزاری کلاس برای یادگیری، که هم می‌شود در راه مشروع از آن استفاده کرد و هم غیر مشروع و هدف، آن باشد که در راه مشروع استفاده گردد، جایز است.

#### رقص و دست زدن

س ۱۲۴) تعریف رقص از نظر شرعی چیست و حکم آن چه می‌باشد؟  
ج) تعریف شرعی ندارد. رقص، موضوعی است که مثل سایر موضوع‌ها به نظر عرف واکگذار شده؛ اما از نظر حکم شرعی، ظاهراً به خودی خود اگر همراه حرام‌های دیگری نباشد، حرام نیست.

س ۱۲۵) رقص در اسلام چه حکمی دارد؟ آیا زن می‌تواند برای زن، یا

مرد برای مرد در مجلس عروسی برقصد؟ رقص عروس و داماد در جمع زنان چگونه است؟ در مجلس عروسی ای که زن و مرد با هم هستند، اگر رقص باشد، چه حکمی دارد؟

(ج) رقص را به خودی خود، مانند دست زدن در مجالس عروسی، چنانچه حرام دیگری مانند ترویج باطل، و طاغوت و اختلاط مرد و زن را در پی نداشته باشد، نمی توان گفت حرام است؛ اما در مجالسی که زن و مرد، باشند، چه عروس برقصد، چه داماد، رقص حرام است، چنان که رقص دیگران در مجالسی که زن و مرد هستند، ترویج بی عفتی و حرام است.

س ۱۲۶) دایره زدن و کف زدنی که تحریک کننده و مفسده انگیز باشد، همچنین رقصیدن مرد در جمع زنان و مردان، چه حکمی دارد؟

(ج) همه‌ی موارد ذکر شده حرام است.

### بازی با آلات قمار

س ۱۲۷) بازی با آلات قمار چه حکمی دارد؟

(ج) بازی با آلات قمار، همانند غیر آلات قمار، برای سرگرمی و بدون برد و باخت حرام نیست؛ اما اگر برای غیر سرگرمی و همراه با برد و باخت باشد، حرام است.

### ریش تراشی

س ۱۲۸) آیا تراشیدن ریش با تیغ و یا ماشین‌های ریش تراشی که محاسن را از ته می تراشد، جایز است؟

ج) حرمتش معلوم نیست و آثار حرمت بر آن بار نمی‌شود، هرچند احتیاط و ترک، خوب است.

### فرهنگ پوشش

س ۱۲۹) با توجه به اینکه پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای همه مسلمانان، اسوه نیکو است، آیا شکل و نوع لباس پوشیدن حضرت می‌تواند مصداق این معنا باشد؟ آیا مسلمان از نظر لباس و پوشاک، بهتر است تابع ملیت خودش باشد؟

ج) مطلوب، آن است که در پوشیدن لباس و مسکن، تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار نگیرد و در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، انگشت‌نما نشود.

### اخراج از کشور

س ۱۳۰) اگر تمام کشورهای اسلامی، یک کشور به حساب بیایند، آیا بعض کشورهای اسلامی می‌توانند مهاجران مسلمان کشورهای اسلامی دیگر را به زور و اجبار از کشورشان خارج کنند؟

ج) اگر چه تمامی انسان‌ها در حقوق با هم مساوی هستند؛ اما هر کس در هر کشوری زندگی می‌کند، باید به قوانین آن کشور احترام بگذارد.

### رعایت قوانین کشورها

س ۱۳۱) افراد مسلمان که ویزای کشورهای غیر اسلامی می‌گیرند تا مدتی

را در آن کشور ساکن باشند، همچنین افرادی که تابعیت کشوری را برمی‌گزینند، آیا باید به تمامی مقررات آن کشور احترام گزارده و بدان پایبند باشند؟ اگر مسلمانی در آن مناطق، جرایم مالی مرتکب شد، شرعاً ضمان دارد یا چنانچه جرم نسبت به غیرمسلمان، واقع شده باشد، ضمانتی ندارد گرچه حکومت آن کشور بازخواست ننماید؟

ج) باید به تمام مقررات آن کشورها که در ضدیت آشکار با اصول و ضروریات اسلام نباشند، عمل کرد. آن مقررات به حکم حفظ نظم جامعه - که واجب شرعی و عقلی است - لازم الرعایه می‌باشند. نتیجتاً مقررات همان مملکت نسبت به ضمان و ضمانت، لازم الرعایه است.

#### اقامت در کشورهای غیرمسلمان

س ۱۳۲) عده‌ای از ایرانی‌های شیعه به آمریکا و یا کانادا مهاجرت کرده و برخی تبعه آن کشورها می‌شوند تا بتوانند از مزایای آنها استفاده نمایند. آیا تبعه شدن مسلمان از نظر اسلام، جایز است؟

ج) در صورتی که موجب از بین رفتن عقائد دینی نشود، اقامت مانعی ندارد. رعایت قوانین و مقررات کشورها - اگر منع شرعی نداشته باشد و برای حفظ نظم جامعه باشد - بر همه‌ی مهاجران لازم است.

### خدمت در کشورهای لائیک (بی‌دین)

س ۱۳۳) به خدمت درآمدن یک مسلمان در کشورهای لائیک، مخصوصاً در بخش‌های فرهنگی چه حکمی دارد؟ پرداخت مالیات و فرستادن فرزندان به مدارس دولتی که شئونات غیراسلامی بر آنها حاکم است، چه؟

ج) محض لائیک بودن یک کشور موجب حرمت به خدمت درآمدن - حتی در کارهای فرهنگی و علمی که در آن ترویج فرهنگ ضد اسلام نباشد - نیست و نمی‌توان گفت حرام است، بلکه جایز می‌باشد. آری اگر به خدمت درآمدن به قصد ظلم و اذیت مردم باشد، چون یاری ظلم و ظالم است، حرام و از معاصی بزرگ است. فرستادن فرزندان به مدارس در آن کشورها مانعی ندارد و جایز است. چگونه می‌توان به بهانه عدم رعایت شئون اسلامی در مدارس، فرزندان را از فراگیری سواد و علم و دانش ممنوع کرد و زمینه ساز جهل و بی‌سوادی و ذلت آنان شد؟! اما مالیات، (که برای اجرای عدالت و حفظ حقوق مردم و جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج است) با رعایت شرایط لازم و مقررات و قوانین آن، بحثی است که به اسلامی بودن مملکت اختصاص ندارد.

### خدمت در ارتش کشورهای غیرمسلمان

س ۱۳۴) زاده پدر آمریکایی و مادر ایرانی، شیعه مذهب و ساکن و تبعه ایالات متحده می‌باشم و به محرمان و واجبات اسلامی پایبندم،

ولی به خاطر امتیازات اشتغال در ارتش، به تفنگداران دریایی ایالات متحده پیوستم. مدتی است که در ارتش ایالات متحده به عنوان سرباز اشتغال دارم و احتمالاً عازم افغانستان بشویم. هدف از مأموریت مبارزه با طالبان عنوان شده، بغیر از کسب امتیازات و مبارزه با طالبان، هدف و غرض دیگری ندارم. مدتی است که عده‌ای از دوستان مسلمانم به من فشار می‌آورند که خدمت من در ارتش آمریکا حتی با نیتی که دارم، به معنی خدمت به شیطان است. برای من شک و ترس زیادی پیش آمده، آیا اشتغال من در ارتش ایالات متحده و اعزامم به افغانستان به نیت مبارزه با طالبان، از نظر شرعی مشکل دارد؟

ج) اگر حضور انسان در هر نظامی (شرقی و غربی و غیر آن) برای جلوگیری از ظلم و به نیت نهی از فساد، منکر، آدم‌کشی، ناامنی و ترور باشد، مانعی ندارد بلکه مطلوب است. اما هر نظامی که برای مقاصد غیر الهی، یعنی مقاصد شیطانی و ظلم کردن، اذیت نمودن و کمک به آدم‌کشی، خشونت و ترور باشد، حضور انسان در آن نظام، حرام و معصیت است و مجوزی برای آن تصور نمی‌شود. اگر انسان به نیت صلاح در نظامی وارد شد و فکر نمی‌کرد که روزی گرفتار کار نادرستی همانند ظلم و یا ترویج و تبلیغ باطل و فساد گردد اما به چنین امری مجبور شد، باید به حداقل اکتفا کند. چنانچه مأموریتش برای گناهی با مفسده زیاد است، همانند آدم‌کشی یا ایجاد ناامنی و یا ترویج ظلم، باید استعفا دهد. اگر اموری که به آن مأموریت یافته، دارای گناه و

معصیت ناچیز باشد و دارای اهمیت چندانی نباشد، بر فرض توانایی اگر استعفا بدهد مطلوب است، لیکن لزومی ندارد؛ چون اهمیت آن چه نیت کرده، بیش از چیزی است که دچار شده است. ظاهراً مورد سؤال، نوع اول است.

### شرکت در مسابقات و دریافت جوایز

س ۱۳۵) سازمان‌هایی - اعم از اسلامی و غیر اسلامی - مسابقاتی را تدارک می‌بینند و آن‌گاه شرط شرکت در مسابقه و پاسخ دادن به سؤالات را این می‌دانند که مبلغی به حساب آن نهاد واریز شود تا در صورت برنده شدن، جایزه نفیسی، مثلاً ماشین یا خانه و... عاید آنان گردد. آیا دریافت چنین جوایزی صحیح است؟

ج) اگر کار اعانه‌ملی و یا غیر آن، واقعاً برای خدمت به محرومان و رفع نیاز نیازمندان، مانند سالخورده‌گان و جذامیان باشد و شرکت کننده پول را می‌دهد که برای آنها صرف شود - گرچه انگیزه بردن و برنده شدن دارد - ظاهراً شرکت و برنده شدن، مانعی ندارد، چون در حقیقت، هبه هدفمند است و صحیح می‌باشد.

### هنرهای قلمی و تجسمی

س ۱۳۶) با توجه به گسترده‌گی و سائل ارتباط جمعی و استفاده‌های مختلف از انواع سمعی و بصری جهت برقراری ارتباط با مخاطبان، تقاضا داریم دیدگاه اسلام را در مورد هنر بیان فرمائید.

ج) اقسام هنرهای قلمی، صوتی، تجسمی و غیر آنها، از رادیو و تلویزیون گرفته تا بقیه هنرها، حلال و جایز است؛ بلکه سخن گفتن همانند آنها نعمتی الهی است. وقتی در مسیر و برای هدفی عقلایی و مفید برای جامعه، استفاده شود، مانند حکم هدف است؛ یعنی ممکن است واجب و یا مستحب گردد. چگونه می‌توان به اسلام عزیز نسبت داد که هنر را حرام بداند، با این که برای حضرت سلیمان، مثال‌ها و صورت‌ها می‌ساخته؛ یعنی هنر نقاشی و یا تجسمی به کار می‌برده‌اند؟! از خط زیبا در فرهنگ اسلام ستایش شده و خدا به قلم و سطرها سوگند یاد کرده است. آری، هر چه وسیله فساد و تباهی جامعه باشد، عقلاً و شرعاً حرام است، بدون تفاوت بین هنر یا غیر آن، پس مناط حرمت، فساد و تباهی، و مناط جواز، عدم آنهاست.

### کاریکاتور

س ۱۳۷) نظر حضرت عالی در مورد کاریکاتور و طنز چیست؟ آیا کاریکاتور فردی خاص به صورت نقاشی یا عروسکی، موجب هتک حرمت است؟

ج) ایجاد نشاط و سرور در قلب و زندگی بندگان خدا، خصوصاً مؤمنان، مطلوب و چه بسا عبادت است. این معنا باید با روش‌های پیشرفته علمی و هنری انجام گیرد؛ اما در هر حال باید شخصیت، عرض و آبروی افراد مؤمن، حفظ شود. تعرض به آبرو و هتک

حرمت افراد، خصوصاً مؤمنان، حرام است؛ چون بنای اسلام بر شخصیت و رشد دادن افراد است، نه خوار کردن و بازیچه ساختن آنها. آری، اگر این کار برای رشد سیاسی باشد و از نظر قوانین مطبوعات و هنر، جرم نباشد - مانند کاریکاتور و طنزهایی که بدون نام است که خود به خود، با فرد و یا افراد مورد نظر منطبق می شود - مانعی ندارد؛ بلکه در موارد شخصیه به عنوان نهی از منکر مانعی ندارد.

#### استفاده از وسائل ارتباط جمعی

س ۱۳۸) نظر خود را در خصوص راه اندازی و استفاده کاربران نسل سوم تلفن همراه که علاوه بر قابلیت های نسل اول و دوم، قابلیت های جدید دیگری مانند ارتباط تصویری بین کاربران خود را فراهم می نماید مرقوم فرمایید.

ج) اگر استفاده از ابزارهای اطلاع رسانی، ارتباطی، سمعی و بصری نظیر ماهواره، اینترنت و تلفن همراه باعث آلوده شدن انسان به گناه و انحراف شود، حرام و غیر جایز است، ولی استفاده صحیح برای اهداف عقلایی و شرعی منعی ندارد. با توجه به اینکه چنین ابزارهایی در سطح گسترده و بسیار آسان در دسترس عموم مردم قرار می گیرد، بسیار شایسته و نیکو است که جامعه شناسان و آگاهان به مسائل اجتماعی، فرهنگ استفاده صحیح از چنین ابزارهایی را در جامعه ترویج نمایند تا به بهترین شیوه در مسیر رشد و کمال جامعه استفاده شود.

### حقوق معنوی (حق التالیف و کپی رایت)

س ۱۳۹) آیا حق التالیف، مشروع است؟ اگر مشروع است، قابل واگذاری و انتقال به غیر است؟

ج) گرفتن حق الزحمه یا حق التالیف برای در اختیار قرار دادن کتاب و نسخه اصل و یا اثر هنری، مانعی ندارد. شخص می تواند برای همیشه از چاپ، منع نماید یا به غیر، واگذار کند؛ چون انسان بر مال خود مسلط است. تصرف دیگران در مال او - که چاپ، مستلزم چنین تصرفی است - بدون رضایت، حرام می باشد. عمل انسان ها، محترم و باارزش است. چه بسا افراد حقیقی و یا حقوقی ای که برای ارزشمند بودن اثر یا کتابی مایل اند منحصر به فرد باشد.

س ۱۴۰) آیا شرعاً جایز است کسی مطالب سخنرانی فردی را ضبط یا یادداشت نماید، یا مطالب خطبه ها و موعظه ها و یا دروسی را که استاد تدریس می کند، جمع آوری نماید و بدون ذکر مأخذ و منبع و بدون اجازه سخنران، واعظ و استاد انتشار دهد؟ اموالی که از این راه به دست می آورد، چه حکمی دارند؟

ج) به نظر نمی رسد که این گونه اعمال، حرام باشد، چون هدف گوینده، استاد و واعظ که سخن خود را برای دیگران می گوید، این است که افراد یاد بگیرند و در اختیارشان باشد و به دیگران انتقال دهند. آری، گوینده مطالب پس از نشر کتاب - که دربردارنده سخنان اوست و مؤلف به نام خود چاپ کرده - می تواند اعلام نماید که سخنان و حرف های من بوده، ولی حق

منع از نشر و یا تألیف ندارد، مگر آن که موقع سخنرانی و تدریس، قیودی را برای آموزندگان و شاگردان ذکر نماید که در این صورت، بدون اجازه او و یا بدون ذکر مأخذ، جایز نیست.

س ۱۴۱) ۱. آیا نقض حقوق مؤلفان و پدیدآوردن نرم افزارهای رایانه‌ای

(شکستن و واگذاری نسخه تقلبی) خلاف شرع می باشد؟

۲. آیا نقض حقوق پدیدآوردن نرم افزارهای رایانه‌ای، از مصادیق دزدی محسوب می گردد؟ از نظر شرعی، حکم متخلفان و ناقضان حقوق پدیدآوردن نرم افزارهای رایانه‌ای چیست؟

۳. حکم کسانی که مبادرت به پایمال کردن حق دیگران با شکستن قفل، عرضه محصول قفل شکسته و استفاده از نسخه قفل شکسته می نمایند، چیست؟

۴. آیا عادی شدن یک موضوع که منجر به پایمال کردن حق دیگران می گردد، می تواند ملاک تعدی و نقض حقوق پدیدآوردن نرم افزارهای رایانه قرار گیرد؟ حکم کسانی که با این ملاک، به نقض حقوق مؤلفان نرم افزارهای رایانه‌ای مبادرت می نمایند چیست؟

ج ۱) تصرّف و دخالت در همه‌ی اموری که به افراد ارتباط دارد؛ چه ارتباط تولیدی و فکری و نظری و یا اختراع خارجی و مادی و یا نشر و چاپ کتاب و امثال آن، همه جزء حقوقی است که به حکم «عدم جواز تصرّف در مال دیگران» محکوم به عدم جواز دخالت و تصرف است.

ج ۲) در صورت داشتن قفل و یا منع از کپی، کپی کردن جایز نیست.

کپی کننده ضامن خسارت‌های وارد شده می‌باشد.

ج ۳) شکننده قفل و عرضه کننده، در صورت علم به کپی غیر مجاز، ضامن خسارت‌های وارد شده به صاحب حق می‌باشند.

ج ۴) عادی شدن تعدی به حقوق دیگران، مجوزی برای تعدی و پایمال کردن حقوق دیگران نمی‌باشد. متعدی، ضامن خسارت‌های وارد شده می‌باشد.

#### دخانیات و مواد مخدر

س ۱۴۲) در صورتی که کشیدن سیگار، موجب آزار و اذیت دیگران باشد یا هوای سالم را آلوده کند، آیا می‌توان در حضور دیگران اقدام به کشیدن سیگار کرد؟ انجام این کار، موجب ضمان می‌شود؟

ج) اذیت و آزارهای غیر قابل تحملی که ممنوع عقلایی و اجتماعی باشند، به گونه‌ای که مرتکبش مستحق مجازات، گرچه در حد توبیخ باشد، حرام و غیرجایز و موجب ضمان است.

س ۱۴۳) استعمال مواد مخدر - به طور مشخص تریاک، هروئین و حشیش - یا مواد محرک، نظیر کوکائین، قرص‌های شادی آور و قرص‌های توهم زاء، مثل LSD چه حکمی دارد؟

ج) استعمال مواد مخدر که موجب مفاسدهی همانند به هم خوردن کانون‌های خانوادگی، بی‌سری‌ست شدن کودکان و محروم شدن آنها از حقوق شان شود، مانند انفاق، تهیه مخارج و مسکن، تربیت و حضانت، نیز عاقل و باطل و سربار جامعه گشتن معتادان و دها مفسده دیگر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ترک واجبات،

ارتکاب محرّمات، دست زدن به هر عملی برای تهیّه مواد از راه حرام و به وجود آمدن اختلال در نظام اقتصادی جامعه، حرام می‌باشد؛ چنان که استفاده از مواد محرّک و همانند آنها چون مانع از رشد استعدادها، باعث کفران نعمت های الهی، بی بهره شدن انسان از تزکیه نفس، از بین رفتن وجدان نیز مانع از تکامل انسان؛ صبر در مقابل مصیبت‌های سازنده و پیدا کردن راه علاج و پیشگیری آنها می‌گردد، حرام می‌باشد. به علاوه، دلالت آیه ﴿قد أفلح من زكّیها و قد خاب من دسیها﴾<sup>۱</sup> که خدا پس از یازده سوگند، آن را بیان داشته و بی بهره شدن و در خسران و زیان قرار گرفتن کسی را که تزکیه ننماید و استعدادها را رشد ندهد، مؤید مطلب است. به هر حال مذاق شرع، به تنهایی برای حرمت، کفایت می‌کند. از آن گذشته، زیان‌های اقتصادی و اجتماعی و خطر جانی که بر استفاده از آنها مترتب است نیز گویای حرمت می‌باشد.

س ۱۴۴) الف - نظر حضرت عالی در خصوص تولید و مصرف دخانیات -

به خصوص سیگار - چیست؟

ب - با توجه به این که تمام مراجع علمی، به زیان دخانیات حکم صادر کرده‌اند، آیا تاکنون مراجع تقلید، حکم شرعی قاطعی بر عدم مصرف دخانیات صادر فرموده‌اند؟

ج) مصرف سیگار گرچه نکوهیده است و نباید انسان خود را آلوده

۱. سوره شمس، آیه ۹ و ۱۰. «هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار گردیده و آن

کس که نفس خویش را با گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.»

به آن نماید و گفته می‌شود ضررهایی دارد؛ اما نمی‌توان فعلاً به حرمت آن فتوی داد، لیکن اگر موجب اذیت و آزارهای غیر قابل تحمّلی که ممنوع عقلائی و اجتماعی باشد، به طوری که مرتکبش مستحق مجازات، گرچه در حدّ توییح باشد؛ حرام و غیرجایز است. اگر به دیگران ضرر وارد کند، موجب ضمان می‌باشد.

#### تجارت با غیر مسلمان و فروش مشروب و گراز

س ۱۴۵) تصمیم گرفته‌ام که با یکی از دوستان اقدام به دایر کردن رستوران سنتی با گوشت حلالی که ذبح می‌کنیم، بنماییم. یکی از مشکلات در اروپا استفاده از مشروبات الکلی می‌باشد، که به آن فکر نمی‌کنیم؛ از طرفی بدون آن کسب و کار رونقی ندارد. اگر کسی حاضر باشد مشروبات را از پول خود بخرد و در رستوران بفروشد و حساب فروش این‌ها را در صندوقی جدا نگه دارد و اصلاً به صندوق ما کاری نداشته باشد - صرفاً جهت جلب مشتری - آیا مجاز هستیم؟

ج) فروش مسکرات و شراب به مسلمان، حرام و غیرجایز بوده و ترکش واجب است. سود و عدم جذب مشتری مجوّزی برای ارتکاب آن نمی‌باشد. آری، حرمت فروش آن به غیر مسلمانانی که آن را حلال می‌دانند، با علم به اینکه ندانند فروشنده مسلمان است، ثابت نیست بلکه ظاهراً جایز است؛ اگر چه احتیاط در ترک، مطلوب است.

س ۱۴۶) هر ساله، تعداد زیادی حیوان حرام گوشت مانند گراز، به علت وارد آوردن خسارت به مزارع کشاورزان مسلمان، به دست آنان شکار می شوند. تحویل لاشه این حیوانات به اقلیت‌های مذهبی از قبیل ارامنه و دریافت حقّ الزحمه در برابر شکار و هزینه حمل، حلال و مطابق با دستور اسلام است؟

ج) نه تنها گرفتن حقّ الزحمه و هزینه حمل، مانعی ندارد و حلال است، بلکه فروش به آنها اگر مفسده سیاسی نداشته باشد، جایز است؛ چون جنس فروشی دارای منافی برای آنهاست و معامله عقلایی است. حرمت انتفاع نسبت به غالب و متعارف آنها فعلیت و تنجّز ندارد.

### خرید و فروش الکترونیکی

س ۱۴۷) آیا خرید و فروش ارزهای خارجی و کالاهای مجاز شرعی در خارج از کشور، از طریق رایانه (تجارت الکترونیک)، با دریافت اعتبار از طریق پرداخت ودیعه دلاری به مؤسسات و شرکت‌های مالی و اعتباری خارجی، برای معامله در بازار جهانی ارز و کالا جایز است؟

ج) تجارت و قرارداد و عقود با هر وسیله ای که ایران، اظهار و انشا شود - چه با لفظ، چه معاطات، چه با نوشتن، چه با رایانه و اینترنت و یا هر وسیله دیگر که نزد مردم و عقلا و بازار تجارت برای عقد قرارداد، کافی باشد - صحیح و نافذ است و مشمول ادله صحّت عقود و شروط و «تجارة عن تراض» می باشد.

## فروش خوک و شراب

س ۱۴۸) تأسیس پرواربندی خوک برای مصرف اقلیت‌های دینی و فروش به کسانی که آن را حلال می‌دانند، به لحاظ شرعی مجاز می‌باشد؟

ج) برای استفاده کسانی است که آن را حلال می‌دانند، مانعی ندارد؛ اما تأسیس چنین واحدی تابع قوانین و مقررات بهداشتی و حکومتی می‌باشد.

س ۱۴۹) خوک وحشی (گراز) حیوانی است که به سرعت تولید مثل می‌کند. کثرت وجود این حیوان خرابکار در بعضی مناطق، باعث نابودی باغ‌ها و مزارع کشاورزان و وارد آمدن ضرر و زیان بسیار به زارعان می‌شود بنابراین اظهار مسئولان اداره حفاظت محیط زیست، تنها در یک منطقه، پانزده هزار رأس از این حیوان زندگی می‌کنند که اگر پنج هزار رأس آنها شکار و نابود نشوند، زندگی را برای ساکنان و کشاورزان سخت می‌کنند. شرکتی اعلام آمادگی نموده با همکاری مسئولان اداره حفاظت محیط زیست و اکیپ‌هایی از اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان برای شکار، آماده‌سازی و صدور گوشت این حیوان به کشورهای غیرمسلمان، به منظور استحصال ارز - به صورتی که افراد مسلمان هیچ دخالت و دسترسی به آن نداشته باشند - اقدام نماید. فتوای خویش را بیان بفرمایید.

ج) شکار و تولید فرآورده‌ها از گوشت گراز و امثال آن برای فروش به غیرمسلمانان، با فرض قابل استفاده بودن برای آنها جایز است و

منع شرعی ندارد؛ چون جنس فروشی برای آنها دارای منافع است و معامله عقلایی است. حرمت انتفاع برای غالب و متعارف آنها - اگر نگوییم همه آنها - به خاطر عدم آگاهی و قصورشان، فعلیت و تنجّز ندارد؛ پس حرام فعلی نیست و حرام انشایی و صوری است؛ چون تنجّز و فعلیت، مستلزم عذاب بر غیرمقدور و عقاب بلابیان است که عقلاً ممنوع است. پس جنس فروشی برای آنان دارای منافع غیر حرام بوده و عقلایی است. چنین بیعی، مشمول اطلاقات و عموماً صحت عقود است. بنابراین، حتی شکار امثال حیوانات ذکر شده به وسیله مسلمانان و فروش به غیرمسلمانان جایز است، چه رسد به اینکه شکار کننده غیر مسلمان باشد. آری، حفظ محیط زیست و سیاست کلی نظام، لازم‌الرعایه است. نتیجتاً اگر منع قانونی به جهت محیط زیست و یا سیاست و یا جهات دیگر در کار نباشد، شکار و فروش آنها - گرچه زیانبار هم نباشند، یا سود اقتصادی نداشته باشد و مسئولان لازم ندانند - شرعاً جایز و مباح و فروش آن صحیح است.

س ۱۵۰) بعضی از افراد مسلمان در باغ انگور، کار می‌کنند و اطلاع دارند که انگورها برای شراب‌سازی، استفاده می‌شود و اگر از کار خود استعفا دهند، به عُسْر و حَرَج می‌افتند. وظیفه آنان چیست؟

ج) هر چند اجتناب از این گونه اعمال، مطلوب و پسندیده است؛ لیکن اگر شراب‌هایی که به دست می‌آید، مورد استفاده کفّاری است که آن را حلال می‌دانند، یا شک داریم که مورد استفاده

آنهاست یا مورد استفاده مسلمانان، حرمت کار کردن در باغ معلوم نیست و اصل بر براءت است؛ اما اگر مورد استفاده مسلمانان قرار می‌گیرد، کار کردن در آن باغ‌ها حرام بوده، عُسر و حَرَج و مشقَّتی بر طرف کننده حرمت آن است که قابل تحمّل نباشد و راه معاش و اداره زندگی، منحصر به آن باشد.

### خرید و فروش صلیب

س ۱۵۱) آیا خریدن گردن‌بند صلیب اشکال دارد؟

ج) خرید و فروش صلیب، حرام، باطل و ترویج دین منسوخ می‌باشد. بر همگان لازم است که شکل آن را به هر گونه ممکن برای جلوگیری از انحراف فکری، از بین ببرند. ناپسند بودن شکل صلیب و بد بودن آن در شرع مقدّس تا جایی است که فروش مادّه خام به خریداری که احتمال می‌رود بخواهد با آن صلیب بسازد، حرام است. بنابراین، استفاده از صلیب حرام است.

### واسطه فروش محصولات دریایی

س ۱۵۲) در خرید و فروش محصولات دریایی خصوصاً ماهی، اشخاصی به نام یزاف (عامل فروش یا واسطه‌ها) مبلغی را به عنوان ودیعه به صیاد می‌دهند و صیاد و مالک شناور را متعهد می‌نمایند که محصولات خود را فقط به آنها بفروشند. سود حاصل از معامله، عاید واسطه یا یزاف می‌گردد. این عمل چه حکمی دارد؟

ج) به خودی خود مانعی ندارد.

### ورزش

س ۱۵۳) ۱- دیدگاه شرع مقدّس اسلام در باره ورزش چیست؟  
 ۲- نظر اسلام در باره ورزش حرفه‌ای چیست؟ ۳- نظر اسلام در مورد کسی که شغل و کسب خود را ورزش قرار می‌دهد، چیست؟ ۴- نظر شرع درباره ورزش قهرمانی چیست؟  
 (ج) ورزش اگر حرام دیگری را موجب نشود، از نظر اسلام منعی ندارد. اسلام بعضی از ورزش‌ها مثل اسب‌سواری، شنا و غیره را تشویق کرده است، و فرقی بین انتخاب ورزش به عنوان شغل و یا قهرمانی نمی‌باشد.

### خرید و فروش بازیکن

س ۱۵۴) خرید و فروش بازیکنان توسط باشگاه‌ها چه حکمی دارد؟  
 (ج) اجیر شدن برای بازی در باشگاه یا تیم مخصوص، مانعی ندارد و عموماً اجاره بر جوازش دلالت دارد.

### جایزه

س ۱۵۵) مسابقات در ورزش با تعیین عوض (پولی که برای برنده در نظر می‌گیرند)، به صورت عین یا دین، چه حکمی دارد؟  
 (ج) در ورزش‌های متداول، چنانچه شخص ثالث و یا مؤسسه‌ای که از هیچ طرف مسابقه نمی‌باشد، جایزه طرف برنده را پردازد، مانعی ندارد، بلکه بعید نیست که اگر خودشان هم جایزه را قرار دهند، باز مانعی نداشته باشد.

## آسیب در ورزش

س ۱۵۶) جرح و غیر آن در مسابقات ورزشی چه حکمی دارد؟ چنانچه هنگام ورزش، یکی از طرفین، دچار نقص عضو یا فوت شود، ضمانت از آن چه شخصی است؟

ج) ورزشکاران چون خودشان متوجه هستند که در ورزش، ممکن است چنین حوادثی پیش بیاید و می‌دانند که از نظر قانون و مقررات، حوادث اتفاقی در ورزش، ضمان ندارد، کسی ضامن نیست. ورزشکاران عملاً صدمه زنده را بریء الذمه کرده‌اند، و برای عملی به منزلهٔ ابرای قولی است.

## شرط بندی و پیش بینی نتیجه

س ۱۵۷) شرط بندی پیش از انجام مسابقات ورزشی به منظور پیش بینی نتیجه توسط بازیکنان یا شخص ثالث چه حکمی دارد؟

ج) اگر شرط بندی توسط ورزشکاران باشد - به این صورت که اگر یک طرف در پیش بینی، برنده شد، طرف دیگر به آنها چیزی بدهد - ترکش احوط است، گرچه قمار و حرام نمی‌باشد، ولی اگر فرد ثالثی یا تمام یا بعضی ورزشکاران، پیش از بازی، پولی را تعیین نمایند که به افراد برنده در پیش بینی بپردازند، هیچ مانعی ندارد.

## ورزش بانوان

س ۱۵۸) نظر شما درباره ورزش زنان چیست؟

ج) هر نوع ورزشی که برای مردان، جائز و حلال است، برای بانوان هم به خودی خود حلال و جایز می‌باشد. آری، احترام و شخصیتی که اسلام، تحت عنوان عفت و حجاب زنان و مستور بودنشان برای آنان قرار داده، باید مورد نظر قرار گیرد.

س ۱۵۹) پخش مسابقات ورزش زنان با رعایت حجاب شرعی چه حکمی دارد؟

ج) اگر مفسده نداشته باشد، مانعی ندارد.

س ۱۶۰) چه ورزش‌هایی برای بانوان ایرانی جایز است؟ آنها تحت چه شرایطی می‌توانند به ورزش‌های مختلف بپردازند؟

ج) هر نوع ورزشی که برای مردان جایز و حلال است، برای بانوان هم به خودی خود، حلال و جایز است. آری، احترام و شخصیتی که اسلام تحت عنوان عفت و حجاب زنان و مستور بودنشان برای آنان قرار داده، باید مورد نظر قرار گیرد.

### دین و قرض

س ۱۶۱) آیا داشتن یک باب منزل مسکونی در حدّ متعارف، جزء مستثنیات دین است؟

ج) منزل مسکونی که از دین و بدهکاری به مردم تهیه نشده باشد و بدهکار حسب متعارف، بدهکار شده، نه به خاطر افراط و تفریط در کسب و کار، ظاهراً جزء مستثنیات دین است. این جواب برای بدهکار، بین خود و خدا مفید است، و گرنه تشخیص در حدّ متعارف بودن و یا نبودن با فرض اختلاف، از مسائل قضایی است

نه فقہی، چنان که تشخیص همه خصوصیات موارد استثنا با اختلاف نیز از مسائل قضایی است.

#### مضاربه

س ۱۶۲) اگر شخصی مقداری پول داشته و آن را به کسی داده باشد که با آن کار کند، به شرط این که ماهیانه مبلغی به عنوان سود کار به او بدهد، ربا محسوب می شود؟ در صورت داشتن اشکال، راه حل شرعی چیست؟

ج) اگر طرفی که پول می گیرد، با آن کار و فعالیت انجام می دهد و سود می برد و پول را به او داده اند تا به وسیله کار و فعالیت، سودی به دست آورد و مقداری از سود را به صاحب پول بپردازد و بقیه را برای خودش بردارد، این قرارداد، هر چند مضاربه نیست؛ اما قرارداد عقلایی و صحیح است و مشمول اطلاقات عقود و تجارت می باشد؛ لیکن باید شرایط صحت عقود - از جمله: تعیین مدت قرارداد و تعیین مقدار سودی که بناست به صاحب پول داده شود - مراعات گردد. اگر گیرنده پول، از باب فقر، ناچاری و گرفتاری اقتصادی بخواهد پول را با این حيله بگیرد، قرارداد، غیر جایز و حرام است و عقوبت ربا را دارد.

#### بهره بانکی

س ۱۶۳) آیا دریافت بهره از بانک‌های خارجی برای ایرانیانی که در خارج از کشور زندگی می کنند، حرام است؟

ج) با توجه به این که بانک در بهره‌دهی، ضرر نمی‌کند، بهره‌دهی سبب فقر و بیچارگی بهره‌دهنده نمی‌شود. این گونه بهره‌ها برای طرفین، سود دارد و معامله عقلایی محسوب می‌شود. اقتصاددانان و عرف بازار، این بهره گرفتن را نزولخواری سرمایه‌دار و استثمارگر نمی‌بینند. بهره‌ای که بهره‌گیرنده می‌گیرد و بانکی که بهره‌ای می‌دهد، مورد ترحم اقتصادی و انفاق نیست. در آیات قرآن، حرمت ربا برای رباگیرنده در کنار آیات انفاق آمده - یعنی در حقیقت، قرآن به رباخوار و بهره‌گیر می‌گوید: «چگونه از کسی که باید به او کمک کنی و انفاق نمایی بهره می‌گیری؟» و این، بدترین رذیله اخلاقی است که شخصی از کسی بهره بگیرد که مستحق کمک بوده و باید به او یاری می‌کرد تا فقرش از بین برود، اما رباخوار و بهره‌گیر در عوض این کار، فقر او را اضافه می‌نماید - بنابراین، گرفتن بهره از بانک‌های خارجی که مشارکت و قراردادهای مضاربه‌ای است و معامله عقلایی اقتصادی برای طرفین به شمار می‌رود، حرام و مشمول آیات حرمت ربا نیست؛ به علاوه که ربا گرفتن مسلمان از غیرمسلمان در بعضی از موارد مطرح است.

### دیرکرد

س ۱۶۴) آیا می‌توان از افرادی که در پرداخت به موقع اقساط خود کوتاهی می‌کنند، مبلغی را به عنوان دیرکرد یا خسارت، دریافت نمود؟

ج) هر بدهکار اگر بدهی خود را در موعد مقرر نپردازد، ضامن قدرت خرید بدهی از زمان تخلف تا زمان اداست - یعنی مثلاً کسی ده هزار تومان در تاریخ مقرر، بدهکار بوده و طلبکار هم مطالبه نموده، اما بدهکار نپرداخته است. در این فرض باید دید که ده هزار تومان از روز بدهی تا زمان ادا در بازار، دارای چه قدرتی از خرید بوده، همان مقدار را باید بپردازد، نه ده هزار تومان را. شبیه این مسئله در باب مهر و صداق هم وجود دارد. برای درک و علم به قدرت خرید، به نظر می‌رسد که اگر با موازنه با چیزی مثل طلا و دلار، محاسبه شود، ظلمی به کسی نشده؛ راه بهتر آن است که از وقتی بدهکار، به وسیله عقدی - بدهکار می‌شود، در ضمن عقد، مقدار معینی به عنوان خسارت تأخیر پرداخت معلوم گردد؛ کاری که بانک‌های جمهوری اسلامی انجام می‌دهند. خسارت تأخیر با شرط، قطعاً مانعی ندارد.



---

## احکام زناشویی

---

### ازدواج موقت با زنان غیرمسلمان

س ۱۶۵) ازدواج موقت با زنان غیرمسلمان مثل کاتولیک یا فرقه‌های خاصی که مذهبشان معلوم نیست و نیز با چینی‌ها که معمولاً بودایی هستند، چه حکمی دارد؟

ج) با فرض ضرورت و احتیاج مرد مسلمان در آن سرزمین‌ها و نبود زن مسلمان و اهل کتاب برای عقد موقت و اطمینان فرد به حامله نشدن آنها و کوتاه بودن مدت، به گونه‌ای که تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های غیرالهی آنها - که باعث خسران و آتش و عذاب است - قرار نگیرد، ظاهراً مانعی ندارد و جایز است. عقد موقت در اسلام برای ضرورت است، نه عیاشی و هم سنگ ازدواج دائم قرار گرفتن. بنابراین، برای کسانی که همسرشان در اختیار

آنهاست و می‌توانند غریزه جنسی را به وسیله همسر برآورده نمایند، عقد موقت، گرچه با زن مسلمان، اشکال داشته، بلکه محکوم به منع و عدم جواز است و وسیله خراب شدن و از بین رفتن کانون زندگی و آرامش و صدها ضرر دیگر می‌باشد.

### اجازه پدر در ازدواج

س ۱۶۶) دختری که به حدّ بلوغ رسیده، آیا واجب است برای ازدواج دایم یا موقت، از پدر یا جدّ پدری خود اجازه بگیرد؟

ج) اجازه پدر و ولیّ در عقد موقت و صیغه، معتبر است و بدون اجازه او خواندن و نخواندن صیغه ازدواج، همانند است. در عقد دایم - مانند سایر مقرّرات - ثبت ازدواج در محضرها به عنوان قانون نظام، لازم و واجب است. باید برای ثبت و اجرای صیغه عقد، به محضر مراجعه شود. عدم مراجعه، معصیت و موجب پشیمانی است و پیامدهای خطرناکی دارد.

### اساس و فلسفه ازدواج موقت

س ۱۶۷) ازدواج موقت در اسلام چه حکمی دارد؟

ج) مشروعیت کلی آن؛ یعنی برای مواقع اضطرار همانند جنگ‌های طولانی، جزو مسلمات مذهب شیعه است. مشروعیت آن برای موارد اضطرار است و عامل جلوگیری از فساد در همان زمینه می‌باشد. جلوگیری از منکرات و فحشا به وسیله نماز است که

قرآن می فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾<sup>۱</sup> همین طور تربیت صحیح و گسترش ازدواج دایم، از عوامل بازدارنده می باشد. نه تنها متعه نمی تواند مانع فساد باشد، بلکه اگر از موردش خارج شود و در عرض ازدواج دایم قرار گیرد، اساس زندگی و کانون گرم خانواده را به خطر و نابودی انداخته، بی بندوباری ناشی از آن، جامعه را از جهات بسیار به سقوط می کشاند. اگر مشکلات و مفسدات از ناحیه عدم عمل به شرایط، احکام و فرهنگ ازدواج در اسلام باشد، می توان با عمل به فرهنگ صحیح ازدواج و آگاه کردن اذهان به قوانین، جلو مفسدات را گرفت؛ اما اگر مفسدات از ناحیه دیگری مثل نبود کار و درآمد باشد که مرد با آن، مخارج زندگی را تأمین نماید - گرچه فرهنگ ازدواج درست باشد و صحیح عمل شود - باز نمی توان مفسدات را ریشه کن کرد. باید فکری برای موانع نمود. این کار برعهده دولت به معنای عام آن است. برای تسهیل ازدواج باید سخت گیری غیرعقلانی را کنار گذاشت. خانواده ها اگر تمکن مالی دارند، وسیله ازدواج جوانان را فراهم آورند و در مدتی که تحصیل می کنند، هزینه زندگی آنها را تأمین نمایند تا آنها هم بتوانند خوب درس بخوانند.

#### مهریه

س ۱۶۸) آیا در اسلام و احادیث و روایات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵. «نماز انسان را از زشتی ها و اعمال ناپسند باز می دارد».

ائمه معصومین علیهم السلام بر زیاد یا کم بودن مقدار مهریه تأکید شده؟  
 آیا جایز است که مهریه دختر را مهریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام  
 قرار داد؟ در فرض جواز، آیا مستحب است؟

ج) معیار در مهر، رضایت طرفین است. باید به مشکلاتی که ممکن است بعداً به دنبال کمی مهر به وجود بیاید، توجه داشت تا مبادا دختر پشیمان شود که چرا مهریه را کم قرار دادم. وضع زمان و مکان و جامعه و فرد، باید مورد توجه قرار گیرد. استجاب کمی مهر ثابت نیست و مهم رضایت دختر و پسر و توجه به اوضاع است.

#### ترمیم بکارت

س ۱۶۹) اگر مراد از باکره بودن، عدم ازاله بکارت یا وجود آن باشد، زنی که با ازدواج یا از راه خلاف شرع، ازاله بکارت گردیده و سابقه آمیزش با مرد دارد، در صورتی که به طریق پزشکی بتواند پرده بکارت را ترمیم یا برای خود ایجاد کند، آیا از نظر ازدواج، طلاق و مهریه، حکم باکره را دارد؟

ج) ترمیم بکارت مانعی ندارد و جایز است، بلکه برای جلوگیری از پامال شدن آبرو و فساد، لازم بوده و ترکش غیر جایز است؛ اما نسبت به عقد و مهر و فسخ، تابع شرط و قرارداد قولی و عملی است؛ یعنی اگر شرط بکارت اولیه شده باشد، چون بکارت ترمیمی، ترمیمیه و ثانویه است، تخلف شرط، حاصل شده و حق فسخ برای مرد ثابت می‌باشد؛ اما اگر بکارت ترمیمی شرط شده

و با علم زوج به ترمیمی بودن، اقدام به ازدواج نمود، تخلف شرط نشده و مرد حق فسخ ندارد. طبق معمول، عنایت و نظر به بکارت اولیه است، نه ترمیمیه و نه اعم از آن.

### عقد ازدواج با زناکار

س ۱۷۰) شخصی زنی فاسد و زناکار را عقد می کند، آیا عقد، باطل است؟  
 (ج) عقد، درست است و فاسد بودن شخص، مانع از صحّت عقد نیست. به طور کلی، ازدواج با زناکار مکروه است و ازدواج زانی پیش از توبه خود و زن زناکار، حرام است.

### ازدواج فامیلی

س ۱۷۱) آیا ازدواج فامیلی را صحیح می دانید؟  
 (ج) اگر از لحاظ آزمایش های پزشکی و ژنتیکی منعی وجود نداشته باشد، ازدواج های فامیلی از نظر شرعی مانعی ندارد.

### ارتباط دختر و پسر

س ۱۷۲) گردش جوان های فامیل (پسر و دختر با یکدیگر) که ممیز هستند، چگونه است؟ اگر موجب جلب توجه دیگران و سوء ظن گردد و آنها را مورد تهمت قرار دهد، چه طور؟ آیا این موضوع در مورد افراد مکلف حرمتش بیشتر است؟

(ج) بر پدر و مادر و مربیان ممیزهای غیربالغ است که آنان را از این گونه اعمال و رفتار که غالباً منشأ فسادهای اخلاقی می گردد، منع

نمایند. اگر این امر از شئون مراقبت در بُعد روحی و تربیتی است، بر مکلفان هم به همان ملاک، اجتناب لازم می‌باشد. نسبت به مواضع تهمت، حضور یا رفت و آمد به آن جا و یا هر امری که انسان را در موضع تهمت قرار بدهد، حرام و معصیت است، چون حفظ آبرو و شخصیت و عزت مسلمان، واجب و از بین بردن آن حرام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَذَلَّ نَفْسَهُ»<sup>۱</sup>.

#### دست دادن نامحرمان

س ۱۷۳) این جانب با خانواده در ایالات متحده زندگی می‌کنیم. در برخی مناسبات اجتماعی، دست دادن زن و مرد پیش می‌آید، فتوای حضرت عالی در این مورد چیست؟ دست دادن در اینجا، در آشنایی اولیه، بخشی از آداب اجتماعی است.

ج) دست دادن مرد با زن بیگانه گرچه به خودی خود و از روی اختیار، حرام است، اما در موارد ضرورت و گرفتاری‌ها و اجتماعی، به حکم لاجرح و ضرورت، حرام نمی‌باشد. تشخیص ضرورت و مشکل با مکلف است.

س ۱۷۴) دست دادن زن با مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

ج) دست دادن اجنبی با اجنبیه همراه با دستکش که تماس از روی حایل باشد، هر چند به خودی خود حرام نیست، اما در مواردی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۷. «أبواب الامر والنهی وما یناسبهما، باب ۱۲، حدیث ۲. «خدا همه امور مؤمن را به وی واگذار کرده، ولی به او اجازه نداده که خودش را خوار و زبون سازد».

که منشأ فساد و سنت سیئه و خلاف عفت و حیا باشد - مانند دست دادن دختر و پسر جوان که زمینه ساز عادت بد و انحراف اخلاقی است - حرام می باشد.

#### بوسیدن نامحرمان

س ۱۷۵) بوسیدن زنان بیگانه (لا مذهب و یا اهل کتاب) در مراسم تشریفاتی، چه حکمی دارد؟  
(ج) حرام است.

#### پوشاندن موهای جلوی سر

س ۱۷۶) موهایی در قسمت پیشانی بعضی خانمها رویده می شود که دنباله موهای سر است و پوشاندن آنها مشکل می باشد. آیا مشخص بودن این موها اشکال دارد و در حکم موی سر است؟  
(ج) چون ظاهراً جزو صورت است، مانعی ندارد و پوشاندنش - مخصوصاً با زحمت - معلوم نیست لازم باشد. اسلام دین سهولت است.

#### تماشای مسابقات

س ۱۷۷) پخش مستقیم مسابقات ورزشی با لباس مخصوص و نگاه آن برای عموم (زن و مرد) چه حکمی دارد؟  
(ج) نگاه مرد به بدن مرد هنگام پخش فیلم، هر چند مستقیم، به غیر از عورتین و بدون لذت، مانعی ندارد؛ اما نگاه و تماشای زنان اگر

موجب فساد در جامعه و ترویج بی بندوباری و باطل و حرام نگردد، نمی توان گفت حرام است. اگر منجر به یکی از آنها شود، حرام می باشد. همین طور اگر احتمال فساد داده شود، احتیاط در نگاه نکردن، لازم می باشد.

س ۱۷۸) نگاه بدون شهوت به زنان، با پوشش غیراسلامی و در کشورهای اسلامی غیر از ایران، چه حکمی دارد؟

ج) با فرض مسلمان بودن فرد، نگاه به بدن آنها و هر چه موجب فساد می گردد، حرام است؛ ولی نگاه عادی به صورت، بدون قصد لذت را نمی توان گفت حرام است.

#### حضور زنان در مسابقات

س ۱۷۹) حضور زنان ورزشکار با رعایت حدود اسلامی به منظور شرکت

در مسابقات باشگاه های خارج کشور، چه حکمی دارد؟

ج) اگر در باشگاه هایی است که در منظر و دید مردان نامحرم هستند، حرام می باشد، ولی اگر در جایی باشد که مردان نیستند و یا حدود اسلامی و شرعی رعایت شده، مانعی ندارد.

#### نگاه به زنان غیرمسلمان، عکس یا فیلم آنان

س ۱۸۰) حکم نگاه کردن به زنان غیرمسلمان یا عکس و فیلم آنان

چیست؟

ج) نگاه به زنان نامحرم غیرمسلمان، اگر از روی شهوت و ریه نباشد، و نگاه به مقداری از مو و بدن باشد که برهنه بودن

متعارف است، نمی‌توان گفت حرام است.

### مشکلات رعایت حجاب در آمریکا

س ۱۸۱) مسلمانانی که ساکن آمریکا می‌باشند و به منظور رعایت حجاب، روسری بر سر می‌کنند، پس از حادثه انفجار ۱۱ سپتامبر با دو مشکل مواجه شدند: ۱- اتهام تروریست بودن ۲- بر سر داشتن روسری با توجه به وضعیت عمومی و غالب در آمریکا موجب جلب توجه هوای نفسانی و رفتارهای منفی شده است. تکلیف شرعی مقلدان را معین فرماید.

ج) اگر داشتن حجاب به نحو متعارف، موجب مشقت و حرج شدید برای زنانی امثال شما می‌باشد، فعلاً می‌توانید از نوعی پوشش مثل کلاه گیس استفاده نمایید که هم از مشکلات مذکور رهایی یابد و هم پوشش واجب را رعایت کرده باشید. ممکن است این کار مشکلاتی داشته باشد که انسان باید برای رضایت خالق و سعادت خود آنها را تحمل نماید.

### کتک زدن همسر

س ۱۸۲) جناب عالی که زن و مرد را دارای حقوق مساوی می‌دانید، تفاوت زن و مرد را در حکم نشوز چگونه تفسیر می‌کنید که قرآن کریم از مرد می‌خواهد پس از طی دو مرحله نصیحت و کناره‌گیری از خوابگاه، زن را کتک بزند - هرچند با شدت نباشد؛ اما بسیار تحقیرآمیز است -، ولی به زن توصیه می‌کند در

برابر نشوز شوهر، کوتاه بیاید و راه صلح را در پیش گیرد؟  
 (ج) اولاً در روایات امام باقر علیه السلام به ضرب با چوب مسواک تفسیر شده که معلوم می‌شود جنبه شوخی و مزاح و جلب نظر زوجه با ملاحظه دارد؛ ثانیاً اگر ضرب به معنای خودش باشد، چون از باب نهی از منکر است - که ترتیب بین موعظه، هجر و ضرب، گویای آن است - نمی‌تواند مختص به مرد باشد. به حکم اشتراک در تکلیف، بر زن هم، ضرب زوج از باب نهی از منکر با شرایطش جایز است. آیه ۱۲۸ سوره نساء بر فرض قبول دلالت - گرچه قبول دلالتش دارای اشکال و منع است - بیش از ایما و اشعار نمی‌باشد، که ایما و اشعار به خودی خود حجّت شرعی نیست؛ چه رسد قابل مخالفت با ظهور آیه ۳۴ سوره نساء و قواعد مسلم باشد.

### پوشش زنان

س ۱۸۳) نحوه پوشش برای جلوگیری از جلب نظر نامحرم چه مقدار است؟

(ج) فقه و شرع برای رنگ و کیفیت لباس، نه برای مردان و نه برای زنان حکم و نظر خاص ندارد. اصل در همه‌ی اعمال، بر حلیت است. آری، عوارض جانبی مانند به انحراف کشیدن جوانان و ترویج فرهنگ مبتدل و یا خلاف حیای عمومی و از بین رفتن عفت و رواج بی‌بندوباری جهات دیگری است که می‌تواند موجب منع عقلی یا عقلایی و یا شرعی گردد و فقیه به حرمت آنها حکم بدهد. تشخیص این موارد با مکلف است، هر چند

گفته می‌شود چادر به طور کلی ممکن است از نظر اجتماعی، دارای اولویت باشد.

### عیوب موجب فسخ نکاح

س ۱۸۴) ۱- آیا بیماری‌های جدید مانند ایدز و هیپاتیت B، شرعاً از علل موجب فسخ نکاح محسوب می‌گردد؟ ۲- در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا مبنای حق فسخ در بیماری‌های جدید، عمومات روایات و ادله است یا امر دیگری؟ ۳- اگر بیماری موجب فسخ نکاح، به تشخیص پزشک، قابل درمان باشد یا در آینده قابل علاج گردد، در نکاح چه تأثیری دارد؟

ج ۱) چون مخفی کردن هر عیب و نقص در عقد نکاح، موجب تدلیس است - نه تنها در امثال عیب‌ها و مرض‌های خانمان سوز- موجب و سبب فسخ نکاح است، بلکه تدلیس در فقدان صفت کمال هم موجب فسخ نکاح می‌شود. معیار در فسخ، تدلیس و تخلف از شرط است، گرچه شرط بنایی باشد که عقد، بنابراین واقع شده است.

ج ۲) مبنای حق فسخ، اطلاق و عموم ادله تدلیس و سببیتش برای فسخ نکاح است.

ج ۳) از جواب ۱ و ۲ روشن است؛ یعنی اگر بهبود یافتن و قابل معالجه بودن، سبب گردد که بیماری، عیب و نقص محسوب نشود، حق فسخ وجود ندارد. دلیلش عدم شرط و عدم تدلیس می‌باشد، و گرنه مانند مَرَضی است که معالجه نمی‌شود و سبب

فسخ است.

س ۱۸۵) معتقد به حصری بودن عیوب فسخ نکاح هستید یا تمثیلی بودن؟

ج) باب تدلیس و باب فسخ به سبب عیوب تفاوت دارند؛ یعنی در باب فسخ، عیوب سبب فسخ می‌باشند مطلقاً، ولی در باب تدلیس، فسخ منوط به این است که مدگس (تدلیس کننده) عالم باشد و مدگس (تدلیس شونده) جاهل ملاک صدق عنوان تدلیس است.

#### فریکاری در ازدواج

س ۱۸۶) زنی قبلاً به موجب سند رسمی، به مدت یک سال و نیم با مردی ازدواج کرده و مدت چند ماه با اجازه همسر خود، به تنهایی در خارج از کشور به سر برده، پس از مدتی با توجه به این که در سند ازدواج آنها آمده که معقوده غیرمدخوله بوده، از مرد مذکور طلاق گرفته است. زن با تعویض شناسنامه‌اش به بهانه حذف پسوند، اقدام به کتمان ازدواج اولش کرده، با مرد دیگری ازدواج نموده تا مدتی نیز به بهانه‌های مختلف، از انجام عمل زناشویی و دخول توسط همسر دوم جلوگیری نموده، نهایتاً به موجب اقرار صریح، مدعی شده که بکارت وی از طریق طبی و به وسیله جراح متخصص زنان برداشته شده است. همچنین قبول دارد که همسر دومش با وی آمیزش ننموده و مرد هم از ابتدا منکر دخول و نزدیکی بوده است. حال با توجه به ازدواج اول و کتمان آن از همسر دوم و عاقد و ارائه شناسنامه‌ای که وقایع

ازدواج اول و طلاق در آن ثبت نشده، آیا زن برای ازدواج دوم، مرتکب تدلیس شده؟ آیا مرد بلافاصله پس از اطلاع از جریان و در مهلت شرعی و قانونی فوریت فسخ نکاح، حق فسخ نکاح را دارد؟

ج) تدلیس، اظهار عملی و یا قولی به داشتن صفت کمالی مانند بکارت، یا مدخوله نبودن و یا مطلقه نبودن است، در حالتی که فاقد آن بوده، به شرط آن که بنای عقد قولاً یا عملاً و یا عرفاً و عادتاً بر وجود شرط باشد، تدلیس تحقق پیدا می‌کند. حق فسخ نکاح برای مدّلس علیه گرچه فوری است، لیکن اگر به موضوع یا حکم شرعی جاهل باشد، تا زمان علم، باقی است.

#### سقط جنین

س ۱۸۷) بنا به گفته پزشک معالج، جنین به صورت طفل معلول مادام العمر به دنیا خواهد آمد. در این صورت، سقط جنین جایز است؟

ج) پدر و مادر، اگر از گفته پزشک نسبت به آینده و سرنوشت فرزندشان نگران شدند و نگرانی در حدّی باشد که باعث فشار روحی و غیر قابل تحمل شود، از موارد عُسر و حَرَج است. سقط تا پیش از چهار ماهگی را نمی‌توان گفت حرام است؛ ولی پس از چهارماهگی حرام و حکم آن مانند کشتن انسان معلول است که به هیچ قیمت و به هیچ وجه، جایز نیست.

## سقط جنین نامشروع

س ۱۸۸) اگر خانمی به طور نامشروع حامله شده باشد، خواه پدر طفل معلوم باشد یا نه، فرزند وی در آینده در اجتماع مشکلات عاطفی و اجتماعی بسیار خواهد داشت، همچنین حیثیت اجتماعی خانواده وی به شدت لکه‌دار خواهد شد. در این مورد آیا با تقاضای وی، اقدام به سقط جنین از سوی پزشک مجاز است؟ آیا جواز در تمام دوران حاملگی وجود دارد؟

ج) اگر از زنا آبتن شود، جایز نیست بچه‌اش را سقط کند؛ لیکن اگر پیش از چهارماهگی برای جلوگیری از آبروریزی سقط کند، نمی‌توان گفت حرام است؛ بلکه به جهت رفع حَرَج و مشکل آبروریزی - به خصوص با فرض توبه - جایز است.

## سقط جنین در بین نامسلمانان

س ۱۸۹) در بین اقلیت‌های مذهبی، برای انجام عمل سقط جنین، منعی وجود ندارد. تکلیف ما در برخورد با این گونه بیماران چگونه است؟

ج) پزشک مسلمان نباید خود را در معرض کمک به سقط جنینی که از نظر اسلام حرام است، قرار دهد.

## بیرون رفتن از خانه

س ۱۹۰) در کتاب «من لایحضره الفقیه» آمده که سکونتی از حضرت صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:

«هر زنی که بدون اذن همسرش از منزل بیرون برود، نفقه و مخارج او با شوهر نیست تا زمانی که باز گردد»<sup>۱</sup>. دستور رسول خدا ﷺ امروزه که زنان در کنفرانس‌های علمی و امور اجتماعی دیگر در جامعه حضور پیدا می‌کنند، چگونه اجرا می‌شود؟ برای زنانی که امروز در دنیای تبادل اطلاعات زندگی می‌کنند، این دستور چگونه لازم الاجراست؟

ج) خروج زن بدون اجازه شوهر، منحصرأ در صورتی که منافی شئون خانوادگی مرد باشد و یا به صورت اعتراض و بیرون رفتن از خانه، یا مزاحم حقوق واجب زوج باشد، حرام است. بیرون رفتن‌های دیگر، به خودی خود حرام نیست، چون ازدواج، زندگی مشترک و وسیله آرامش است. شوهر مأمور به خوش رفتاری شده و ازدواج، بردگی، قیمومت و محجور شدن زن نیست. روایت نقل شده در سؤال، ناظر به خارج شدن به انگیزه اعتراض است، نه بیرون رفتن از خانه برای امور جایز؛ به علاوه که حجیت حدیث از نظر متن و دلالت بر حرمت، جای بحث است.

س (۱۹۱) چرا در اسلام، از بیرون رفتن زن بدون اجازه شوهرش منع شده، در حالی که زن هیچ قصد و نیت بدی ندارد؛ مثلاً برای شرکت در جلسات مذهبی باید از شوهر اجازه بگیرد و ممکن است مورد مخالفت قرار بگیرد، ولی مرد به هر کجا که می‌خواهد می‌رود، بدون این که به نظر زن اهمیت بدهد؟!!

۱. من لایحضر الفقیه، ج ۵، کتاب النکاح، ص ۸۷

ج) خروج زن از منزل، تنها در مواردی که مانع کامجویی، یا خلاف شئون مرد و یا خلاف آرامش او باشد، جایز نیست و نیاز به اجازه شوهر دارد. در غیر این موارد، مانعی ندارد. حفظ کانون خانواده و ارزش قایل شدن به زندگی مشترک، امری است که هم زن و هم مرد باید دقت زیادی در آن بنمایند. شوهر نیز حق ندارد در همان موارد بدون اجازه و رضایت زن از خانه و زندگی بیرون برود، چون بر مرد واجب است که با همسرش خوش رفتار باشد. زن و مرد در حقوق، مساوی هستند و قرآن می‌گوید:

﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ﴾<sup>۱</sup>.

#### چند همسری

س ۱۹۲) دکتر شریعتی در قسمتی از کتاب «اسلام شناسی» در باب تعدّد زوجات می‌نویسد: «بی‌شک، وجدان عصر ما از چنین توهینی به زن خدشه‌دار می‌شود». دکتر شریعتی یکی از آیات قرآن را نسخ کرده است. مایلیم نظر شما را در این باره و درستی یا نادرستی عقیده‌ی ایشان از نظر شرع بدانم.

ج) تعدّد زوجات استحباب ندارد و دلیلی بر استحبابش نداریم و فقط جایز و مباح و مشروع است، آن هم به شرطی که باعث صدمه، اذیت، ظلم، فشار روحی و جسمی برای زن قبلی نشود. ازدواج بعدی وقتی مشروع و جایز است که نسبت به زن قبل،

۱. سوره بقره، آیه ۲۲۸. «و برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش مردان است، حقوق شایسته‌ای

ناپسند و ظلم نباشد، بلکه باید ازدواج بعدی پسندیده باشد. چگونه می‌توان گفت ازدواج بعدی و تعدد زوجات با فرض پسندیده نبودن نسبت به زن قبلی، جایز است در حالتی که قرآن رسماً و به روشنی دستور خوش رفتاری با زنان را داده: ﴿وَعَايِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾<sup>۱</sup>. به قول علامه طباطبایی، صاحب تفسیر ارزشمند «المیزان»: قرآن و وحی آسمانی در باره‌ی حقوق زنان، کلمه «معروف» را دوازده مرتبه تکرار کرده است.

#### حضانة و هزینه‌های زن‌زاده

س ۱۹۳) حضانة و نفقه ولد زنا با توجه به این که ملحق به زانی نیست، به عهده کیست؟

ج) حقوق فرزند - مانند حضانة و نفقه - که برای والدین، زحمت و ضرر دارد، به عهده آنهاست؛ اما آنچه به نفع والدین است، مانند عدم قتل والد به وکد و یا وجوب نفقه والدین بر وکد، بر والدین جاری نمی‌شود و اطلاقات آن احکام از آنها انصراف دارد. قانونگذار و شرع مقدس هیچ‌گاه از قانون شکن و عاصی، این گونه حمایت‌ها را نمی‌نماید.

۱. سوره نساء، آیه ۱۹. «و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید».



---

## احکام طلاق

---

### طلاق قانونی در کشورهای بیگانه

س ۱۹۴) از شش ماه پیش از همسرماً قانوناً، در دادگاه فنلاند جدا شدم و دو فرزند دارم که آنها را به پدرشان دادم و مهرم را هم به او بخشیدم. مجدداً ازدواج کرده و حاضر نیست من را طلاق شرعی بدهد. من را در خیابان به سختی کتک زد، به گونه‌ای که به بیمارستان منتقل شدم و در دادگاه فنلاند به او حکم تجنب و دوری دادند؛ یعنی اگر از صد متری به من نزدیک تر شود، به یک سال زندان محکوم می‌شود. می‌خواهد من را اذیت کند تا نتوانم ازدواج کنم. مقداری پول از من خواسته، ولی توان پرداختش را ندارم؛ علاوه‌براین، کار می‌کردم و تمامی مخارجم را خودم می‌پرداختم، اما در تمام هشت سالی که با هم بودیم،

کار نکرد! وقتی از او جدا شدم، از من سه هزار یورو قرض کرد و برنگرداند. می‌خواهم ازدواج کنم و طلاق شرعی لازم دارم، از سوی دیگر نمی‌خواهم در حرام بیفتم.

(ج) با توجه به اینکه مرد، زن خود را مطلقه می‌داند - گرچه مطلقه بودنش از باب قانون مملکتی باشد که مرد به آن، ملتزم است - و زندگی با وی برای زن مشکل و حَرَجی بوده، زن به حکم قاعده «الزام» و همچنین حسب قاعده «لا تترك المرأة بغير زوج ولا تجعل معلقة»؛ (زن نباید از طرف شوهر معلق و بدون شوهر بماند) زن مطلقه می‌باشد و ازدواجش با مرد دیگر، ازدواج زن بدون شوهر است و آثار ازدواج بر آن مترتب می‌باشد؛ چون آن طلاق، به حکم طلاق شرعی می‌باشد. ازدواج مجدد باید پس از پایان عده باشد.

### طلاق ولایی

س ۱۹۵) در بعضی کشورها مردان، زنان خود را بدون طلاق رها کرده‌اند و حاکم شرع در دسترس نیست که حکم طلاق را صادر کند. این عده از زنان، در عُسْر و حَرَج گرفتارند؛ وظیفه یک روحانی در این گونه موارد چیست؟

(ج) اگر مردان، حسب عقیده و مرام خود این گونه رها کردن را طلاق بدانند، زن حسب قاعده الزام، مطلقه به‌شمار می‌رود و ازدواجش پس از پایان عده، جایز است؛ اما اگر چنین نباشد، روحانیان مجاز در امور حسیه، پس از نصیحت و ارشاد شوهر و

الزام او به طلاق - اگر ممکن باشد - و با فرض عدم طلاق، ولایه<sup>۱</sup> بر ممتنع<sup>۱</sup> به خاطر عُسر و حَرَج، می‌تواند زن را طلاق ولایه<sup>۱</sup> بدهند و پس از عده، زن حق ازدواج دارد؛ چنانکه اگر از اول، ارشاد و الزام غیرمقدور باشد، می‌تواند طلاق ولایه<sup>۱</sup> را انجام دهند.

### طلاق خلع

س ۱۹۶) اگر زنی از شوهر خود کراهت دارد و حاضر است همه مهریه‌اش را که گرفته به او برگردانده یا به وی ببخشد و یا اگر مهر، دینی است که بر ذمه شوهر دارد، ابرا نماید تا شوهر او را طلاق خلع دهد؛ آیا بر زوج واجب است او را طلاق خلع بدهد؟

ج) واجب است، چون قول به جواز و عدم وجوب آن بر زوج، با فرض آن که همه مهر به زوج برگردانده می‌شود و زوجه از همه آن می‌گذرد؛ نیز با توجه به آن که اختیار طلاق به دست زوج است و هر وقت بخواهد، می‌تواند و مجاز است زوجه را مطلقه نماید، مستلزم ظلم و تبعیض و بی‌عدالت عقلاً و عُقلاناً و عرفاً می‌باشد. پس قول به جواز، نادرست است و باید قایل به وجوب شد، تا این گونه امور - که همه آنها عقلاً، نقلاً، کتاباً و سنتاً منفی و مردود است - لازم نیاید ﴿وَمَنْتَ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾<sup>۱</sup>.

۱. ولایه<sup>۱</sup> که روحانی بر شخص عصیانگر دارد.

۲. سوره انعام، آیه ۱۱۵. «و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام حاصل شد».

چگونه می‌توان گفت دینی که همه‌ی احکامش بر عدل و نفی ظلم است، در یک قرارداد به نام نکاح داریم، که عقدی لازم است، به زوج حق داده و او می‌تواند هر وقت بخواهد، عقد را به هم بزند، اما بر وی واجب نکرده باشد که با کراهت زوجه‌اش و این که حاضر است همه‌ی مهر را که از زوج در مقابل بُضعش گرفته، به او برگرداند و راضی شده نه شوهر داشته باشد و نه مهر، طلاق خلع بدهد؟ اگر اسلام بگوید که شوهر در این مورد می‌تواند طلاق خلع ندهد و اختیار انتخاب، به علاوه طلاق به دست او باشد، آیا چنین حکمی تبعیض، ظلم و خلاف عدل نیست؟! با توجه به این پیامدهای باطله - که بطلانش ضروری و خلاف کتاب، سنت و عقل است - می‌توان قایل به عدم وجوب شد، یا آن که به طور مسلم و قطعی باید قایل به وجوب گردید. شیخ الطائفه، قاضی ابن برّاج و گروهی قایل به وجوب خلع بر زوج در موردی شده‌اند که خوف و احتمال وقوع زن در معصیت - گرچه معصیت عدم تمکین و یا عدم اطاعت در موارد وجوب آن، و یا معاصی دیگر - وجود داشته باشد با تحقق خوف و احتمال، وجوب خلع از این جهت نیز ثابت می‌شود. بنا بر وجوب، با امتناع زوج، محکمه از باب ولایت بر ممتنع از طرف زوج، زوجه را طلاق خلع می‌دهد، چنانکه در مفروض سؤال، مسئله حکمین و بقیه امور مربوط به طلاق خلع، باید مراعات شود و در این جهت با بقیه فرقی ندارد.

## طلاق توسط حاکم شرع

س ۱۹۷) شخصی پنج سال پیش و بدون سند رسمی، عقد دایمی را برای پسر و دختری جاری کرده، پس از مدت کوتاهی، دختر از پسر متنفر شده، دیگر به خانه او نرفته و نمی‌رود، و حاضر شده تمام حق و حقوقش را به پسر ببخشد. اکنون پسر ازدواج مجدد کرده و پس از ازدواج، حاضر به طلاق دختر نیست. آیا از نظر شرعی، حاکم شرع از راه ولایت می‌تواند دختر را طلاق دهد؟

ج) در مواردی که بقای ازدواج برای زن حرجی باشد و عسر و حرج وی برای حاکم ثابت شود - هر چند از این راه که زوجه بگوید: «مهرم حلال و جانم آزاد»؛ یعنی همه‌ی حقوق خود را می‌بخشد تا زوج او را طلاق دهد - حاکم شرع زوج را نصیحت و تشویق به طلاق می‌کند. اگر نصیحت فایده‌ای نداشت، الزام به طلاق می‌نماید، و اگر الزام هم ممکن نبود - چه به خاطر عدم قدرت حاکم و چه به خاطر ملزم نشدن زوج - حاکم شرع می‌تواند ولایت زوجه را مطلقه نماید. وی با فرض اینکه زوجه مهریه را می‌بخشد، ولایت قبول بذل نموده و زوجه را طلاق خلع می‌دهد. پس از طلاق توسط حاکم، زوجه نمی‌تواند در بذل رجوع نماید تا طلاق خلع به رجعی برگردد.

## عده نگه داشتن

س ۱۹۸) زنی که رجمش با عمل جراحی برداشته شده و لوله‌هایش را بسته‌اند و از نظر پزشکی، یقیناً و قطعاً باردار نمی‌شود و یا از

وسایل پیشگیری استفاده نموده باشد و طلاق بگیرد، آیا واجب است که عده نگه دارد، یا حکم زن یائسه و زیر نه سال را دارد؟ (ج) زنی که رَحْمَش را در آورده‌اند، ولی در سن کسی است که حیض می‌بیند، باید پس از طلاق، عده نگه دارد، گرچه یقین دارد که حامله نمی‌شود.

#### تفاوت بین طلاق خلع و مبارات

س ۱۹۹) با توجه به اینکه فلسفه و مبنای مهر، ناشی از الزام قانونی است، ولی در طلاق خلع و مبارات، مهریه حذف می‌گردد؛ بدین ترتیب که در طلاق خلع، زن به واسطه اکراهی که دارد، باید چیزی معادل یا کم‌تر و یا بیشتر از مهر، و در مبارات هم به واسطه اکراه طرفین، چیزی معادل یا کم‌تر از مهر تحت عنوان «فدیه» به مرد پردازد، این تضاد چگونه قابل حل است؟

(ج) در اسلام، به ازدواج و تشکیل بنای مستحکم خانواده، اهمیت زیادی داده شده، تا جایی که جدایی زن و مرد از ناخشنودترین حلال‌ها (أبغض الحلال إلى الله الطلاق) دانسته شده؛ اسلام، برای زنی که خودش را در اختیار شوهر قرار می‌دهد، مهر و نفقه تعیین کرده که مرد باید آن را پرداخت نماید. شاید مهر، علاوه بر ارزش دادن به زن، کمک به استحکام خانوادگی باشد تا مرد نخواهد هر روز از روی هوی و هوس، همسرش را رها کند و دیگری را بگیرد. در مقابل، طلاق را در اختیار مرد - که مهر و نفقه می‌دهد - قرار داده تا زن نتواند هرگاه خواست، طلاق گرفته

با مرد دیگری ازدواج کند و از او مهر درخواست نماید. با توجه به این مطالب، اگر در موردی، زن به دلیلی که به خودش مربوط است، خواست از شوهر جدا شود و از او تمکین نکرد یا وی را به آبروریزی و امثال آن تهدید کرد، اسلام، زن را تحت فشار بذل «فدیه» قرار داده تا هم جلوی سودجویی او و هم جلوی ضرر مرد را بگیرد که باید پس از آن همه هزینه برای زن و دادن مهر، دوباره هزینه‌های سابق را برای زن دوم بنماید. اسلام، زن را در صورتی که مشکل از ناحیه خودش باشد و از مرد بخواهد که او را طلاق دهد، ملزم به بذل فدیه کرده تا بدین وسیله، جلو از هم پاشیدن کانون گرم خانواده را بگیرد؛ نیز نگذارد حقی از مرد پامال شود. بنابراین، هیچ گونه تضادی بین الزام قانونی مهر و بخشش یا بذل فدیه دیده نمی‌شود.

#### طلاق شرعی و قانونی مسلمانان در کشورهای غیرمسلمان

س ۲۰۰) تا آنجایی که مقبول عام است، حق طلاق در اسلام با مرد بوده و اولین مسئله طلاق در رساله‌های عملیه علما متذکر است که: چنانچه مرد، مجبور به طلاق دادن زن خود شود، طلاق باطل است. در کشورهای غربی و جوامع غیرمسلمان، از قبیل اروپا حق طلاق با طرفین بوده و برای طلاق نیازی به مراجعه به دادگاه‌های مدنی نیست. برای مثال در کشور فنلاند، هر یک از طرفین می‌توانند با پر کردن فرم طلاق و ارسال آن به دفتر مربوطه، پس از مدت شش ماه، چنانچه طرفین راضی به طلاق باشند مطلقه

اعلام شوند. چنانچه فقط یکی از طرفین، راضی به طلاق باشد، پس از تحمّل مدت شش ماه، اضافه (یعنی مجموعاً یکسال) طرفین مطلقه اعلام می‌شوند. گرفتن طلاق هیچ دلیلی نمی‌طلبد و فقط عدم رضایت هریک از طرفین به ادامه زندگی مشترک، کافی است.

با توجه به مسایل ذکر شده، اکنون طبق قانون مدنی، زن و مرد های بسیاری از هم طلاق گرفته، حتی طلاق‌هایی مشاهده شده که زن و مرد برای مدت بیست سال از هم جدا زندگی کرده؛ اما با توجه به این که مرد به دادن طلاق راضی نبوده، از دادن نفقه و... سر باز زده و از رعایت دیگر مسایل شرعی به دلیل عدم تمکین زن خودداری کرده است، هر چند عرفاً و قانوناً چنین زن و شوهرهایی مطلقه محسوب می‌شوند. طبق مشاهدات مراکز اسلامی در اروپا، چنانچه این وضع بدین منوال ادامه یابد و مرد ها، زن های مطلقه قانونی خود را طلاق شرعی ندهند، وجهه دین در بین زنان مطلقه از بین می‌رود، حتی زن ها ازدواج مجدد نموده و بچه های دیگری از آنان متولد می‌شود. چنانچه این وضع به وسایل ارتباط جمعی برسد، بهانه ای برای حمله به دین خواهد شد. با در نظر گرفتن کلیه توضیحات تقدیم شده، لطفاً اعلام فرمایید تکلیف مراکز اسلامی - که عمدتاً زنان برای طلاق شرعی به آنها مراجعه می‌کنند و طلاق قانونی خود را نیز از مراجع ذی صلاح گرفته‌اند - در این باره چیست؟ آیا طلاق دادن شرعی زنانی که مدت هاست از شوهران خود به صورت قانونی جدا شده‌اند، جایز است؟ در بسیاری از

موارد ارجاع زن و شوهر به محاکم و دادگاه‌های ایران، ممکن نیست، چون بسیاری از کسانی که درگیر این مسایل هستند، دارای ملیت‌های افغانی، عراقی و حتی مسلمان شدگان اروپایی می‌باشند.

**سؤال دیگر:** اکثر تقاضاهای طلاق از طرف خانم‌ها به علت ارتباط مرد با زن دیگر می‌باشد، تا آن‌جا که برمی‌آید مرد حق گرفتن زن‌های متعدّد را از نظر شرع دارد، ولی طبق قوانین کشورهای غربی، حق مرد برای داشتن همسر فقط یکی است. چنانچه دلیل تقاضای زن برای طلاق، اختیار همسر دوم از طرف مرد باشد و زن اوّل، طلاق قانونی خود را گرفته باشد، تکلیف مراکز اسلامی اروپا برای طلاق شرعی دادن چنین همسرانی چیست؟

(ج) چون مرد باعث حَرَج و مشقّت و مشکلات روحی و جسمی (همانند موارد ذکر شده در سؤال اوّل و دوم) شده، زن می‌تواند برای رعایت احتیاط مستحبی، طلاق شرعی بگیرد و خود را مطلقه نماید؛ یعنی پس از حکم دادگاه به طلاق و رسمی شدن آن - همان‌گونه که در سؤال آمده - می‌تواند با مراجعه به روحانی، درخواست طلاق خود را با شرایطش بنماید. پس از اجرای صیغه طلاق، زن، مطلقه شرعی و همانند بقیه مطلقه‌ها می‌باشد، و همه‌ی احکام و آثار طلاق درست و صحیح مترتب است. به دلیل نفی حَرَج و ضرر در اسلام، عدم رضایت زوج به چنین طلاقی مضرّ به صحّت آن نمی‌باشد. آنچه در رساله‌های عملیه فقها آمده؛ مربوط به جریان عادی طلاق می‌باشد، نه مربوط

به امثال موارد ذکر شده که مورد «قاعده لاجرح و لاضرر» و «سهولت در دین» است.

ظاهراً زن با مشکل هایی که در موارد سؤال به آنها اشاره شده، حق فسخ نکاح دارد. می تواند نکاح را همانند موارد فسخ نکاح در عیوب، فسخ کند تا احتیاجی هم به طلاق نباشد. قاعده نبود حرج و ضرر و مشقت، مجوز چنین فسخی می باشد. فسخ با عدم رضایت زن به چنین زندگی ای و درخواست طلاق از محاکم و عدم رضایتش به ادامه زندگی با چنین مردی، پس از حکم محکمه و اراده فسخ نکاح، محقق می شود. بعد از تمام شدن عدّه که عدّه معتبر در طلاق است، می تواند شوهر نماید.

با توجه به این نظر - که نظر فقهی این جانب است - مشکلات شرعی برای زنان مسلمانی که پس از طلاق محکمه، شوهر کرده اند، حل می شود، چون عدم رضایتشان به ادامه زندگی، فسخ نکاح محسوب می شود. زنانی که بعد از طلاق محکمه، به علت نظرشان به شرعی نبودن طلاق، هنوز شوهر نکرده اند، می توانند ازدواج کنند. با گذشت یک سال - مثلاً - از زمان آن طلاق، عدّه آنان سپری گشته و مانعی برای ازدواجشان وجود ندارد.

اگر ترس از بعضی از پیامدها نبود، راه دیگری را که برای رهایی زنان مورد سؤال، از قید زوجیت مردان آنچنانی وجود دارد، بیان می داشتم. به امید روزی که این ملاحظات و ترس ها به دنبال رشد فرهنگ اسلام حقیقی؛ یعنی اسلام اهل بیت

(صلوات الله عليهم اجمعين) زدوده شود و حق به دور حضرت  
علی (علیه الصلوٰة و السلام) بچرخد؛ قال رسول الله ﷺ: «الحق مع  
علی و علی مع الحق، یدور الحق معه حیثما دار»<sup>۱</sup>.

---

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۳۷۶. «حق با علی و علی  
با حق است. حق به گردد علی است تا زمانی که او حیات دارد.»



---

## احکام لقطه و ردّ مظالم

---

### صدقه دادن پول پیدا شده

س ۲۰۱) شخصی مبلغی پول خارجی (دلار و پوند) پیدا کرده و از پیدا شدن صاحب پول، ناامید است و یا طبق موازین شرع، آن را تعریف کرده، لیکن صاحب پول، پیدا نشده، پول پیدا شده، زیاد و مورد توجه است و می‌خواهد آن را از طرف صاحب پول به چند نفر، صدقه بدهد. پول دو نوع قیمت و ارزش دارد، قیمت دولتی و قیمت آزاد. آیا شرعاً مجاز است پول را برای این منظور به پول ایرانی تبدیل کند؟ در صورت جواز، قیمت قانونی و دولتی آن را صدقه بدهد یا قیمت آزاد را؟

ج) انواع پول و مانند آن، از اشیا بی‌ارزش را که نشانه ندارند، پس از یأس از پیدا شدن صاحبش باید با اجازه از مجتهد، برای صاحبش

صدقه داد. چون مال مردم است، لازم است به بالاترین قیمتی که خریداری می‌شود، بفروشند. هر زمان که صاحبش پیدا شد، اگر مطالبه نمود، صدقه‌دهنده ضامن است و ثواب به خودش برمی‌گردد. در کیفیت صدقه دادن باید توجه داشت که صدقه، از مصادیق خیر باشد، نه از مصادیق شرّ؛ مانند صدقه‌ای که سبب تنبلی، گداپروری و کوبیدن شخصیت افراد می‌گردد.

#### اجازه مجتهد در لقطه، مجهول المالک و مظالم عباد

س ۲۰۲) آیا در لقطه<sup>۱</sup>، اذن مجتهد شرط است؟ در مورد مجهول المالک و ردّ مظالم چطور؟

ج) احتیاط در مجهول المالک، لقطه و مظالم عباد، اخذ اجازه از مجتهد برای صدقه دادن به نیت صاحبانش می‌باشد.

#### اموال پیدا شده در دریا

س ۲۰۳) گاهی که صیادان در دریا، تور می‌اندازند و مشغول صیادی‌اند، اشیا و یا بسته‌هایی که بعضاً خیلی قیمتی‌اند، در تور آنها قرار می‌گیرد، در حالی که مالک هم معلوم نیست، حکمش چیست؟  
ج) با فرض مشخص نبودن مالکان، می‌توانند قیمت آن را از طرف صاحبش صدقه بدهند.

۱. مالی که گم شده و مالکش به آن دسترسی ندارد.



---

## احکام ذبح، خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و خرید و فروش آنها

---

خوردن جوجه تیغی، خرچنگ، مار و خرگوش

س ۲۰۴) نظر حضرت عالی در مورد جوجه تیغی که برخی افراد آن را می‌خورند، چیست و چه اثری در نماز و روزه افراد دارد؟  
(ج) خوردن گوشت جوجه تیغی، حرام است. خوردنش مانند خوردن حرام‌های دیگر، اثر وضعی در روح و قلب دارد و موجب عذاب است، لیکن در صحّت اعمالی مانند نماز و روزه، اثر خاصی ندارد.

س ۲۰۵) حکم خوردن خرچنگ چیست؟

(ج) خوردن خرچنگ که به آن «سرطان» هم گفته می‌شود، حرام است.

س ۲۰۶) خوردن گوشت مار چه حکمی دارد؟

ج) حرام است.

س ۲۰۷) گوشت خرگوش چه حکمی دارد؛ محکوم به حرمت است یا حلیت؟ در صورت حرام بودن، اگر خاصیت درمانی داشته باشد، آیا می توان به اندازه ضرورت و طبق عقیده عامه برای رفع پادرد، به خصوص برای افراد پیر، از آن استفاده کرد؟  
ج) خوردن گوشت خرگوش، حرام است و نمی توان از آن استفاده کرد، لیکن اگر پزشک تشخیص دهد که درمان، منحصر به آن است، به اندازه ضرورت، مانعی ندارد.

#### خوردن حرام گوشت

س ۲۰۸) گوشت بعضی از حیوانات حرام گوشت برای معالجه بعضی از امراض، مؤثر است، ولی سند معتبر علمی و فقهی در این زمینه وجود ندارد. شکار و استفاده از گوشت یا خون این گونه حیوانات، چه حکمی دارد؟

ج) خوردن گوشت حیوانات حرام گوشت، حرام است و نمی توان از آن استفاده کرد، ولی اگر پزشک تشخیص دهد که داروی درد، منحصر به خوردن گوشت حیوان حرام گوشت است، به اندازه ضرورت، مانعی ندارد، لیکن باید تذکیر شود تا لااقل پاک باشد، گرچه حرام گوشت است.

#### نوشیدن شراب برای درمان

س ۲۰۹) فردی به بیماری ای دچار است که طبق نظر پزشک، درمان آن

شراب است. آیا نوشیدن شراب در این فرض، جایز است؟  
 (ج) جایز نیست و معالجه با شراب ممنوع است. آری، اگر بیمار با تشخیص پزشکان با خطر مرگ روبه روست و راه معالجه، منحصر به نوشیدن شراب است، برای نجات جان، به قدر ضرورت، نوشیدن آن را نمی توان گفت که حرام است.

#### استفاده از شراب در پخت غذا

س ۲۱۰) در دستور غذایی بسیاری از رستوران های خارج از کشور، هنگام تهیه مواد خام، مقداری مشروبات الکلی به عنوان طعم دهنده به مواد اولیه اضافه می گردد. اگر هنگام پخت غذا، مشروبات الکلی طوری با دیگر مواد، مخلوط و پخته شود که خاصیت مست کنندگی آنها کاملاً از بین برود، آیا می توان آن غذا را خورد؟

(ج) غذای مذکور نجس است و خوردن آن حرام می باشد.

#### نوشیدنی های الکلی

س ۲۱۱) روی قوطی بعضی از نوشابه هایی که از خارج وارد می شوند نوشته شده که دو درصد الکل دارند. آیا نوشیدن آنها حلال است؟

(ج) اگر اطمینان به وجود الکل مست آور در آن باشد، نجس اند و نوشیدن آنها حرام است. اگر شک در مُسکریت الکل باشد، محکوم به طهارت اند و نوشیدن شان حلال است.

### سرو مشروبات الکلی در مجالس

س ۲۱۲) اگر به جلسه‌ای دعوت شویم و هنگام شرکت، متوجه شویم که در آن، مشروبات الکلی برای کسانی که مایل باشند، سرو می‌شود. با توجه به اینکه ترک فوری سخت است، حضور چه حکمی دارد؟ آیا تا فراهم شدن بهانه‌ای برای ترک مجلس، امکان ماندن هست؟

ج) آنچه حرام است، نشستن بر سر سفره‌ای است که در آن، شراب باشد و انسان یکی از اعضای آن سفره محسوب شود، ولی اگر عرفاً یک سفره به‌شمار نرود، مانعی ندارد، ولی به هر حال حتی الامکان باید از حضور در مجلس گناه دوری نمود.

### مصرف ژلاتین

س ۲۱۳) آیا مصرف ژلاتین (تهیه شده از مغز استخوان خوک یا گاوهایی که ذبح شرعی نشده‌اند) در خوراکی‌هایی مانند آب نبات، ماست و داروهای کپسولی (استفاده برای جلد کپسول) جایز است؟

ج) در صورتی که مواد مورد استفاده برای تهیه ژلاتین، از حیواناتی مثل خوک یا حیواناتی مثل گاو که ذبح شرعی نشده‌اند، در مراحل تهیه، به‌طور کلی، تغییر ماهیت داده و استحاله گردد - همانند تبدیل سگ به نمک در نمکزارها - این‌گونه ژلاتین‌ها پاک‌اند و مصرفشان مانعی ندارد، ولی در صورتی که تبدیل و تحوّل و تغییر ماهیت صورت نگیرد، این‌گونه ژلاتین‌ها پاک نیستند و مصرف آنها جایز نیست، مگر از بابِ معالجه و مصرف

دارو که در آن صورت حرام نیست، گرچه نجس است. تشخیص موضوع در مورد تغییر ماهیت مواد به عهده‌ی مکلف است.

#### مصرف میوه فرآورده شده

س ۲۱۴) آیا استفاده از میوه‌ها و مواد غذایی حاصل از تغییرات ژنتیکی جایز است؟

ج) جایز و حلال می‌باشد، چون باز میوه و غذای حلال است، مثل میوه و غذاهای بدون تغییر ژنتیکی.

#### فروش خرگوش، دنبلان و گربه ماهی

س ۲۱۵) برخی اهل سنت استفاده خوراکی از دنبلان، خرگوش و گربه ماهی را جایز می‌دانند و اقدام به پرورش یا خرید از دیگران می‌کنند. آیا برای شیعیان جایز است که این گونه اشیا را استحصال نموده یا پرورش داده و به اهل سنت یا غیرمسلمان بفروشند، یا مثلاً صادر کنند؟

ج) با فرض قابل استفاده بودن برای آنها و حلال بودن به نظرشان - آن طور که در سؤال آمده - جایز است و منع شرعی ندارد، چون منافع در نظر آنها که خریدارند، حلال است و در جهلشان معذور می‌باشند.

#### جواز فروش اسافل اعضای حیوانات به کشورهای غیرمسلمان

س ۲۱۶) با توجه به حرمت استفاده خوراکی از اسافل اعضا و جوارح

حیوانات حلال گوشت مانند گوسفند و گاو (عمدتاً بیضتین آنها) در مورد مشروع بودن استفاده از آن اعضا، جهت مصارف پژوهشی و صنعتی غیر خوراکی - مثلاً تولید کود شیمیایی - و یا صادرات آنها به کشورهای غیرمسلمان، اعلام نظر بفرمایید. با شرایط مشابه در مورد تولید الکل و صید ماهی های حرام گوشت، استفاده غیر خوراکی و مصارف طبی، صنعتی و صادراتی آنها مشروع و معمول می باشد.

ج) مشروع و جایز می باشد، چون آنچه حرام است، خوردن آنها و یا فروش به مسلمانانی می باشد که آن را که حرام می دانند، نه غیر آن.

#### مصرف گوشت از بازار کشورهای غیرمسلمان

س ۲۱۷) سؤالی دارم که پاسخ آن می تواند ضمن حل مشکلات افرادی مثل بنده و خانواده ام، مانع از وقوع بسیاری از دین گریزی ها بشود. در شهری که زندگی می کنم، گوشت ذبح اسلامی وجود ندارد. افرادی شیعه در این شهر هستند که چندتن از آنها قبلاً عضو انجمن اسلامی بوده و از ابتدا سعی در تهیه گوشت اسلامی می کرده اند، اما این کار را بنا به دلایل زیر دیگر انجام نمی دهند: کشتن حیوان در آمریکا غیرقانونی بوده و در صورت مشاهده، مشمول جریمه سنگین می باشد. در آمریکا گوسفند بسیار کم پرورش داده می شود و بیشتر، گاو پرورش داده می شود. بنابراین، در بیشتر ماه های سال، امکان تهیه گوسفند نیست و کسی هم

نمی‌تواند گاو بکشد. اگر گاو هم بخواهد بکشد اولاً بسیار گران است و در ثانی امکان نگهداری وجود ندارد. عدم اطمینان از سلامت گاو و گوسفند قاچاق نیز باعث شده که هیچ‌کس به فکر این کار نباشد؛ نیز وجود گوشت، بهداشتی گاو و گوساله در بسته‌بندی‌های مناسب که تمامی اطلاعات شامل نوع حیوان، قسمتی که گوشت، متعلق به آن جا است و تاریخ کشتار همراه با درصد چربی و پروتئین آن، ثبت شده است. حتی یک قطره خون در این بسته‌ها دیده نمی‌شود و تاریخ انقضای مصرف گوشت نیز روی آن موجود و در عین حال ارزان می‌باشد. برادران اهل سنت این بسته را خریداری کرده و فقط پیش از پخت یا خوردن آن، ذکر «بسم الله» می‌کنند. عده‌ای نیز با توجه به مشابهت ذبح گوشت اهل یهود با اسلام، گوشت آنها را خریداری کرده و فقط به ذکر نام خدا قبل از تناول آن اکتفا می‌کنند. در این مدت کوتاه، دو مرتبه گوسفند از نواحی دور تهیه کرده و سر بریده‌ام که اولاً، به دلیل انجام یک کار خلاف قانون کشور میزبان، احساس خوبی ندارم و در عین حال، این کار را اصلاً دوست ندارم. به همین دلیل دیگر این کار را نکردم. ثانیاً، در این دو بار چون در محلی دور از شهر آن کار انجام گرفت و قصابی بلد نبودم، باعث آلودگی گوشت و حیف و میل آن شدم. ثالثاً، هزینه این کار، با همه صرف وقت و استرس آن، فوق‌العاده زیاد شد. با توجه به وضع کنونی دنیا و اعتقاد ما به این که فقه شیعه توانایی پاسخ دادن به نیازمندی‌های افراد را داشته و مراجع عظام با توجه به اوضاع زمان حال، قوانین را

به هنگام می‌نمایند، آیا با ساده‌تر کردن چنین مواردی، بهتر نمی‌توان مردم را به انجام فرایض ترغیب نمود؟ فکر می‌کنم یکی از دلایلی که اهل سنت بیشتر به فرایض خود عمل می‌کنند، سعی علمای دینی آنها در تسهیل روند عبادت آنهاست. واقعاً اگر یکی از بزرگان دینی ما در کشوری مثل آمریکا برای چند سال زندگی و وضع این جا را تجربه می‌کرد، فتاوی‌اشان در امور دنیوی تغییر نمی‌یافت؟ ضمن پاسخ به سؤال در خصوص گوشت مصرفی، به این پرسش نیز پاسخ دهید: در مواردی که امکان تجربه مراجع محترم، به خصوص در مسایل روزمره و آن هم در دنیای سراسر در حال تغییر کنونی وجود ندارد، تکلیف افرادی نظیر بنده چیست؟ نمی‌دانم که با زندگی چنین دشواری، من و خانواده‌ام تا چه مدت همچنان بر انجام تکالیف شرعی پا بر جا خواهیم بود!

(ج) گفتن بسم الله هنگام ذبح حیوانات حلال گوشت، شرط حلیت آن است و با نگفتن آن، خوردن گوشت حرام می‌شود و قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ﴾<sup>۱</sup>؛ «از حیوانات ذبح شده که نام خدا هنگام ذبح بر آنها برده نشده نخورید». پس، از این گونه گوشت‌ها باید پرهیز نمود و از خوردن آنها اجتناب کرد، لیکن احتمال دارد که ترک بسم الله هنگام ذبح از کسانی که به آن معتقد نباشند و آن را قبول نداشته - نه آن که نگفتن از باب مخالفت با خدا و یا با اسلام و مسلمانان باشد - سبب حرمت نگردد. با قطع نظر از این احتمال، همه‌ی

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۱. «و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید که این کار گناه است».

آیات و روایات مربوط به حرمت بدون بسم الله، اختصاص یا انصراف به جاهایی دارد که هم گوشت ذبح شده با بسم الله وجود دارد و هم بدون بسم الله (یعنی جایی که هر دو قسم از گوشت، موجود باشد، نه مثل مورد سؤال که بیش از یک قسم (کشتار بدون بسم الله) وجود ندارد) چون عمومیت حکم به حرمت برای امثال مورد سؤال، دارای حرج و مشقت است - همان طرز که در سؤال به آن اشاره شده - و عمومیتش به واسطه ادله نفی حرج و این که اسلام دین سهولت است، برطرف می گردد؛ در نتیجه، گوشت های مورد سؤال، از این جهت، حلال می باشد و خوردنش در آن مکان ها به خاطر مشکلات مانعی ندارد و جایز است، گرچه همان گوشت در جای دیگری که نخوردنش مشکلات ندارد، حرام بوده و تناولش معصیت و گناه است.

س ۲۱۸) در شهر سیاتل آمریکا زندگی می کنم و در این جا دسترسی به گوشت اسلامی، کم است و اگر هم باشد، بسیار گران و کثیف است، آیا می توانیم از گوشت مغازه های آمریکایی استفاده کنیم؟ آیا می توانیم از گوشت های ذبح شده به وسیله یهودیان که به صورت ذبح اسلامی است - مانند مسلمانان از زیر گلو می بُرند و چهار رگ نیز بریده می شود - استفاده کنیم؟

ج) حیوانات حلال گوشتی که یهودیان یا مسیحیان و یا غیر مسلمانان دیگر هنگام سربریدن، نام خدا را بگویند و چهار رگ بریده شود، پاک و حلال است و خوردن آنها مانعی ندارد.

## فروش گوشت و شراب به اهل کتاب و غیرمسلمان

س ۲۱۹) شخصی که در کشورهای غیراسلامی از گوشتی که ذبح شرعی نشده، کباب تهیه می کند و به اهل کتاب و کسانی که ذبیحه اهل کتاب را حلال می دانند، می فروشد، چه حکمی دارد؟ همچنین کسی که شراب را، با قصد اینکه شیشه می فروشم، به اهل کتاب بفروشد، کار کردن و کسب درآمد با آنها چه حکمی دارد؟

ج) فروش ذبایح اهل کتاب به اهل کتاب و کسانی که ذبایح آنها را حلال می دانند، مانعی ندارد؛ اما فروش شراب به قصد شیشه، سبب جواز و صحّت معامله نمی گردد.

## مصرف ماهی صید شده توسط کافر

س ۲۲۰) اگر مسلمان ببیند که کافر ماهی را از آب بیرون آورد، یا ببیند موج دریا ماهی را در خشکی رها کرد، حلال است؟

ج) اگر بداند که کافر ماهی را زنده از آب، بیرون آورده، محکوم به تذکیه است. دیدن مسلمان، یکی از راه های علم به زنده بیرون آوردن است. در تذکیه ماهی، نه تسمیه شرط است و نه اسلام، بلکه همین که در آب زنده باشد و صید شود کفایت می کند؛ اما نسبت به موج دریا اگر بداند زنده از آب بیرون افتاده، خوردنش حلال است.

## ذبح با دستگاه و گیوتین

س ۲۲۱) ذبح حیواناتی مانند مرغ به وسیله دستگاه، شرعاً چگونه است؛ با

توجه به اینکه دستگاه، حیوان را گاهی پشت به قبله کرده و گاهی در یک لحظه، سر چند حیوان بریده می‌شود؛ نیز گاهی سر، بالاتر یا پایین‌تر از محل تعیین شده بریده می‌شود؟ (ج) شرایط تذکیر هر کجا مراعات شود، موجب حلیت و تذکیر است. در این حکم، بین دستگاه و غیر آن، فرقی نیست. سربریدن چندین حیوان با یک دستگاه در یک زمان، باعث حرمت نمی‌شود؛ چون در تذکیر شرط نیست که حیوان‌ها تنها تذکیر شوند. نسبت به بریده شدن بالاتر یا پایین‌تر، اگر اطمینان و یقین حاصل شد که چهار رگ بریده شده، حلال است و گرنه حرام. بازار مسلمانان همچون یدشان حجّت بر تذکیر است و نباید به آن چه در آنجا به فروش می‌رسد و موجود است، با نگاه تردید نگریست.

س ۲۲۲) ذبح با «گیوتین» و ماشین‌های اتوماتیک برقی هر گاه رو به قبله صورت بگیرد و کسی که تلمبه را فشار می‌دهد، مسلمان باشد، بسم الله بگوید و سایر شرایط را رعایت کند، آیا موجب حلیت حیوان می‌شود؟

(ج) حرمت ذبح با «گیوتین» که به یک باره سر از بدن حیوان قطع می‌کند، بی دلیل نیست، اگر چه گوشت ذبیحه حرام نمی‌باشد؛ اما ذبح با ماشین‌های اتوماتیک با رعایت شرایط آن (گفتن نام خدا هنگام ذبح و رو به قبله خواباندن و بریدن چهار رگ اصلی) مانعی ندارد.

س ۲۲۳) اگر با فشار یک کلید بتوان در یک لحظه ده‌ها گوسفند و گاو و

مرغ را ذبح کرد، آیا گفتن فقط يك «بسم الله» کافی است؟  
 (ج) در صورتی که اتصال در کشتن آنها باشد و طول نکشد، اشکالی ندارد، و گرنه باید به طور مرتب «بسم الله» بگوید تا همه با ذکر «بسم الله» ذبح شوند.

### علت تحریم ذبح‌های اهل کتاب

س ۲۲۴) علت تحریم گوشت در آمریکا و کشورهای غیر مسلمان چیست؟

(ج) هر حیوان حلال گوشتی ذبح شرعی شود و هنگام ذبح نام خدا برده شود - چه ذبح کننده مسلمان باشد و چه کافر - پاک و خوردنش حلال می‌باشد. در غیر این صورت، خوردن آن حرام می‌باشد. حرمت استفاده از گوشت در کشورهای غیر مسلمان به خاطر شک در گفتن بسم الله و نام خدا هنگام ذبح گاو و گوسفند و بقیه حیوانات حلال گوشت می‌باشد. حیوان حلال گوشت ذبح شده در ممالک غیر اسلامی گرچه از جهات ظاهر با ذبح شده در ممالک اسلامی همانند است، لیکن به خاطر آن که بردن نام خدا محرز نشده و یقین نیست، بلکه غالباً یقین بر خلاف آن است، به حکم نص قرآن و وحی ﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾<sup>۱</sup>، حرام می‌باشد و خوردنش معصیت و گناه است. در ممالک غیر اسلامی علاوه بر ذبح، باید احراز شود که با نام خدا ذبح شده، با شک در آن - چه رسد به یقین به ذکر نشدن - به

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۱. «و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید».

حکم کتاب و سنت، حرام می‌باشد.

### حلیت کوسه و گوشت صدف و آبزبان و گراز

س ۲۲۵) کوسه حلال است؟ فروش کوسه یا بعضی اعضای آن مثل باله برای استفاده‌هایی غیر از خوردن به کشورهای خارجی چه حکمی دارد؟

ج) اگر دارای فلس نباشد، خوردن آن حرام است؛ اما فروش آن برای غیر خوردن مانعی ندارد.

س ۲۲۶) خوردن گوشت داخل صدف، حلال است؟ اگر برای علاج بعضی امراض، مفید باشد چه حکمی دارد؟

ج) خوردن صدف حرام است؛ اما استفاده برای معالجه و هنگام ضرورت، در حد ضرورت، به عنوان دارو مانعی ندارد.

س ۲۲۷) فروش آبزبان حرام گوشت به مسلمانان و غیرمسلمانان، برای خوردن یا استفاده‌های غیرخوردن چه حکمی دارد؟

ج) فروش آنها برای غیرخوردن و فروش به کسانی که آنها را حلال می‌دانند، مانعی ندارد.

### فروش و خوردن ماهی مرکب و آبزبان

س ۲۲۸) حکم ماهی مرکب چیست؟

ج) اگر دارای فلس باشد، حلال و گرنه خوردن آن حرام است.

س ۲۲۹) مرجع صدور مجوز صید یا خرید و فروش انواع آبزبان صادراتی، شیلات می‌باشد. در خصوص آبزبان حرام گوشت،

- معصیتی متوجه مرجع صادرکننده مجوز می‌باشد؟
- (ج) برای استفاده‌های غیرخوراکی و جهت فروش به کسانی که خوردن آنها را حلال می‌دانند، مانعی ندارد.
- س ۲۳۰) برخی آبزینان حرام گوشت برای طعمه صید آبزینان حلال گوشت استفاده می‌شود، صید این آبزینان چه حکمی دارد؟
- (ج) مانعی ندارد.
- س ۲۳۱) خرید و فروش آبزین فاسد شده‌ای که بعضاً کلرزی شده و به صورت ظاهراً سالم و تازه قلمداد، می‌شود چه حکمی دارد؟
- (ج) اگر ضرر داشته باشد؛ خرید و فروش آن برای استفاده خوراکی حرام است.
- س ۲۳۲) فروش آبزین حرام گوشت با انجام فرآوری (مانند فیله کردن) به جای ماهیان حلال گوشت چه حکمی دارد؟
- (ج) با فرض حرام گوشت بودن، برای استفاده خوراکی، جایز نیست و حرام است.
- س ۲۳۳) شرط حلیت ماهیان حلال گوشت صرف صید است، گرچه در تور صید شوند و در حالی که در دریا است بمیرند، یا باید ماهی در خارج از آب، جان دهد تا حلال باشد؟
- (ج) ملاک حلیت، صید است، گرچه در تور در دریا بمیرند.
- س ۲۳۴) آیا فروش گوشت نپخته گراز به اقلیت‌های مذهبی که کتاب مقدسشان هیچ گونه منعی برای مصرف گوشت مذکور را ندارد، و برای مصرف روزانه و تولید سوسیس و کالباس جایز است؟
- (ج) ساختن فرآورده‌های گوشتی، مثل سوسیس و کالباس، از

گوشت گراز و فروش آن به اقلیت‌های مذهبی، که حلال می‌دانند، اگر مفسده سیاسی نداشته باشد جایز می‌باشد، چون برای آنها منافی دارد و معامله نیز عقلایی است؛ نیز حرمت انتفاع نسبت به غالب و متعارف آنها فعلیت و تنجّز ندارد.



---

## احکام وصیت

---

### وصیت مسیحی

س ۲۳۵) کسی که پدرش مسیحی است و خودش مسلمان، در صورتی که پدرش با آیین مسیحیت وصیت کند، آیا فرزندش می‌تواند به وصیت پدر طبق آیین مسیحیت عمل نکند و مانند مسلمانان به وصیت پدرش عمل نماید؟

ج) اگر وصیت به چیزی باشد که از نظر شرع مقدّس اسلام، حرام است، عمل به آن جایز نیست؛ چون وصیت، حرام را حلال نمی‌کند. اگر وصیت پدر افزون بر ثلث باشد، وارث مسلمان نسبت به افزوده ثلث، بین قبول و ردّ آن مخیر است. اگر وصیت کرده که طبق آیین مسیحیت، چیزی را به مسلمان بدهند، گرفتن آن برای مسلمان هر چند افزون بر ثلث باشد، حسب قاعده الزام،

جایز است.

### نوشتن وصیت نامه

س ۲۳۶) آیا نوشتن وصیت نامه الزامی و واجب شرعی است؟

ج) وصیت مستحب است؛ ولی اگر کسی نشانه‌های مرگ را در خود دید، اگر به کسی بدهکار است و موقع پرداخت آن رسیده، یا خمس، زکات و ردّ مظالم بدهکار است، یا امانتی نزد او می‌باشد، یا نزد کسی امانتی دارد و حقوق الناس و حقوق الله دیگری برگردن دارد که نمی‌تواند فوراً ادا کند و برگرداند، یا قضا نماید، یا امانت را بگیرد، واجب است وصیت کند.



---

## احکام ارث

---

### وارثان کافر

س ۲۳۷) اگر مسلمانی از دنیا برود و بعضی از ورثه او کافر باشند، آیا کسانی که کافر هستند، از فرد مسلمان ارث می‌برند؟

ج) مسلمان از غیر مسلمان ارث می‌برد؛ غیر مسلمان نیز از مسلمان ارث می‌برد؛ ولی کافر معاند دینی اگرچه پدر یا پسر میت مسلمان باشد، از او ارث نمی‌برد.

### ارث زن

س ۲۳۸) در باب ارث، مشهور است که زوجه از اموال غیر منقول شوهرش، و از زمین، ارث نمی‌برد، نظر حضرت عالی چیست؟

ج) اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، یک چهارم عین مال او را

(منقول و غیر منقول) زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند. چنانچه از آن زن یا زن دیگر، اولاد داشته باشد، یک هشتم عین مال را زن، و بقیه را ورثه دیگر می‌برند.

### ارث حرام زاده

س ۲۳۹) آیا ولد زنا پس از عقد زانی و زانیه، حلال زاده محسوب می‌شود و از مزایای ارث نسبت به یکدیگر برخوردار می‌شوند؟

ج) اگر زنا بودن ولد، ثابت شود، حکم ولد زنا بر او جاری است، هر چند زانی و زانیه بعداً با یکدیگر ازدواج شرعی نمایند. متولد شده از زنا، از هر دوی آنها و از بقیه ارحامش، به وسیله آنها ارث می‌برد، چون همه عناوین ارحام بر او و آنها صادق است و مشمول ادله ارث می‌باشد: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ﴾<sup>۱</sup>. اخبار منع ارث در ولد الزنا، مربوط به عکس مسئله است؛ یعنی ارث نبردن پدر و مادر از او.

۱. سوره احزاب، آیه ۶. «و خویشتاوندان نسبت به یکدیگر در آنچه خدا مقرر داشته اولی هستند».



---

## احکام قضا، شهادات و حدود

---

### قضاوت زنان

س ۲۴۰) نظر خود را در مورد قضاوت زنان و ورود آنان به دستگاه قضا - برای رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری و امور حسبیّه از بدو تشکیل پرونده، مرحله تحقیقات، ختم رسیدگی و صدور و اجرای حکم - مرقوم فرمایید.

ج) شرط ذکوریت<sup>۱</sup> در قضاوت، همان گونه که در مرجعیّت و ولایت شرط نیست، در قضاوت هم شرط نیست. معیار در جواز قضا، علم و معرفت به موازین اسلامی قضا و قوانین است و مرد بودن، خصوصیت ندارد. اگر کلمه «رَجُل»<sup>۲</sup> در روایتی آمده،

---

۱. مرد بودن.

۲. مرد.

حَسَب متعارف در مکالمات است و آن روایت، همانند بقیه روایات و مکالمات که در آنها تعبیر به «رَجُل» می‌شود، قطعاً خصوصیت ندارد. چنانکه مردان از طرف ائمه معصوم (صلوات الله علیهم أجمعین) در تصدّی قضا مجاز هستند، زنان هم از طرف آنان مجازند.

س ۲۴۱) نظر به اینکه حسب الامر ریاست محترم قوه قضائیه، دفتر امور زنان عهده‌دار تحقیق در خصوص استفاده از زنان در کارهای قضایی و استخراج مسایل و ارائه طرح می‌باشد، نظر خود را بیان فرمایید.

ج) ذکوریت و مرد بودن در قاضی، شرط نیست. معیار در قضاوت، اعتدال قاضی، بر طریق مستقیم بودن او در قضا و علم و معرفت به موازین اسلامی قضا و قوانین است. هیچ دلیل معتبری بر شرطیت مرد بودن نداریم. مقتضای اطلاق مقبوله و الغای خصوصیت از تقيید به «رجل» در روایت ابی خدیجه، عدم شرطیت و صحت قضای زن، مانند قضای مرد است. همه‌ی عالمان به موازین قضا که دارای عدالت و بقیه شرایط باشند، مشمول ادگه جواز قضا بوده و هستند. عرف و عقلا هیچ خصوصیت و تفاوتی بین قضای مرد و زن ندیده و نمی‌بیند. مناط را علم به قوانین و عدالت و بقیه شرایط می‌داند، نه علم و عدالت مرد و رجل به خاطر مرد بودنش. شارح و قانونگذار اگر بخواهد چنین تعبّدی را اِعمال نماید، نیاز به روایات کثیر و ادگه واضح تر و تبیین آن به گونه‌ای دارد که الغای خصوصیت نشود؛ یعنی

همان طور که شارع برای جلوگیری از عمل به قیاس - که مطابق با اعتبار بوده - به شیوه‌ای عمل کرده که يُعَرَفُ الشَّيْعَةُ بترکه العمل بالقیاس<sup>۱</sup>، در امثال مورد سؤال باید به همان گونه عمل نماید، و دون اثبات ذلك العمل خرط الفتاد<sup>۲</sup>.

### قضاوت شورایی

س ۲۴۲) قضاوت شورایی یا تعدّد قاضی در رسیدگی به دعاوی و صدور رأی، شرعاً چه حکمی دارد؟ آیا مأذون بودن قضات در سیستم قضاوت قانونی، در حکم قضیه مؤثر است؟  
 (ج) مانعی ندارد و سیستم قضایی، تأثیری در جواز یا عدم آن ندارد و مسأله در کتب فقهی، مطرح شده است.

---

## شهادت

---

### شهادت (گواهی) بانوان

س ۲۴۳) مورد شهادت زنان در ابواب مختلف فقه از نظر کمی، نسبت به مردان بسیار کمتر و مختلف است؛ یعنی در بعضی موارد به صورت یک دوم و در مواردی حتی شهادت هشت نفر زن در باب زنا پذیرفته نیست و باید بین آنان یک نفر مرد باشد. لطفاً فلسفه ایجاد آن را بیان فرمایید.

---

۱. نشانه شیعه، ترک عمل به قیاس است.

۲. اثبات صورتی دیگر بسیار مشکل است.

ج) فرقی بین شهادت زن‌ها و مردها از جهت کمیت و موارد آن نیست، مگر در مثل موردی که در آیه آمده و علت آن هم بیان شده. آری، اصولاً چون باب حدود بر تخفیف به شبهه است، شهادت دو مرد عادل در مورد زنا که در سؤال نیز آمده بی فایده است، بر همین منوال مصلحت حفظ اعراض<sup>۱</sup>، مقتضی عدم قبولی شهادت زنان است. شارع هم بدین جهت شهادت آنها را در باب زنا معتبر ندانسته، طرق و امارات (راه‌ها و نشانه‌ها) را هم معتبر ندانسته، از باب ناچاری برای موارد بسیار نادر، شهادت مردان را آن هم با خصوصیتی، معتبر دانسته. این جملات، اجمالی از بحث تفصیلی است، و گرنه بحث روشن و مفصل است و هیچ خلاف عقلی و تبعیض و تفاوتی دیده نمی‌شود.

### شهادت (گواهی) کافر

س ۲۴۴) در خصومت و دعوای میان دو مسلمان، آیا شهادت کافر می‌تواند در دادگاه عدل اسلامی قبول شود؟ کافر به چه کسی گفته می‌شود؟ آیا شهادت چنین شخص یا اشخاصی در دعوای و مسایل حقوقی پذیرفته می‌شود؟

ج) شهادت اگر به عنوان اماره و قرینه باشد، تابع قرینه بودن و اماریت آن و دایر مدار اماریت است، نه چیز دیگر؛ اما شهادت از باب حجّت شرعی دایر مدار مورد اطمینان و وثاقت به راستگویی شاهد و اعتدال او و متهم به دشمن دینی نبودن است.

۱. آبرو و حیثیت افراد.

### اقرار به جرایم

س ۲۴۵) فاصله اقرارها از یکدیگر در اثبات جرایم حدی باید چقدر باشد؟

ج) حدّ معین و مشخصی ندارد، بلکه همان مقدار که گفته شود اقرار کننده، از روی اختیار و توجّه و بدون فشار، اقرار نموده، کفایت می‌کند.

---

## حدود

---

### اجرای حدود در زمان غیبت

س ۲۴۶) آیا اجرای حدود الهی اختصاص به زمان معصوم دارد، چرا؟

ج) برخی از فقها عقیده دارند که به زمان معصوم علیه السلام اختصاص دارد و دلیلشان شک در شرطیت حضور و لزوم اجرا به دست امام علیه السلام است. اصل با فرض شک، بر عدم جواز است و آنان ظاهراً معتقدند که در زمان غیبت گرچه در موارد حدود، با تعزیر باید جلو مفساد گرفته شود. البته به نظر این جانب - به پیروی از مشهور - اختصاص به زمان حضور ندارد و اطلاق ادله‌اش دلیل بر عمومیت است. با توجه به محدود بودن موارد حدود و با توجه به نظر این جانب - به پیروی از عالمانی بسیار - در امور عرضیه، بیش از دو راه اثبات، وجود ندارد: یکی چهار مرتبه اقرار ناشی از وجدان دینی و با کمال رضایت و اختیار؛ دوم با شهادت چهار شاهد عادل، آن هم به گونه خاص که غالباً، بلکه دائماً در

زمان‌های مختلف، به خصوص امروزه، غیر قابل تحقیق است. به نظر می‌رسد که اسلام بیشتر مایل به ثابت نشدن سبب حدّ در امور عرضیه بوده. می‌خواسته امور عرضیه مستور بماند و بر فرض معلوم شدن هم به گونه‌ای آشکار شود که به تعزیر اکتفا گردد.

### قتل خودسرانه مهدورالدم

س ۲۴۷) «مهدورالدم» کیست و ملاک در مهدورالدم چه چیزهایی است؟ چه گروه‌ها و یا اشخاصی مهدورالدم هستند؟ آیا ریختن خون اشخاص مهدورالدم، در هر شرایطی بدون اذن حاکم شرع جایز است؟ آیا شخص مستوجب حدّ قتل را می‌توان در هر شرایطی - حتی بدون حکم محاکم - کشت؟ اگر شخصی یقین کامل دارد فردی گناهی را مرتکب شده که مستوجب حدّ قتل است و توبه هم نکرده، آیا می‌تواند بدون مراجعه به محاکم و اذن حاکم شرع، او را به قتل برساند و حکم اسلامی را اجرا کند؟

ج) مهدورالدم مسلّم، کسانی هستند که در جنگ دفاعی و یا جهاد ابتدایی، به دست مسلمانان کشته می‌شوند؛ اما افراد دیگری که حدّ یا قصاص آنان قتل است، بدون محاکمه و محکمه شرعی، آن هم با رعایت کمال احتیاط و رعایت درء حدود با شبهه و احتیاط در دما و نفوس (خون و جان‌ها) قطعاً جایز نیست. به نظر این جانب و تحقیقی که محققانی همانند صاحب جواهر (قدس سره) در فقه داشته و اشکال و شبهه‌ای که امام خمینی (سلام الله علیه) در مسئله دارند، قاتل آن افراد، قتلشان عمد می‌باشد و مانند

بقیه قتل‌های عمد، موجب قصاص است.

### مجازات مُحارب و مفسد فی الارض

س ۲۴۸) در نوع کتب فقهی، تعریف جامع و مانعی که ارکان و عناصر تشکیل دهنده موضوع (مُحاربه و اِفساد فی الارض) را مشخص نماید ذکر نشده است. ابهام در این مورد به قوانین مصوّب جمهوری اسلامی سرایت کرده، شمول و عدم شمول این موضوع نسبت به برخی مصادیق مورد ابهام است. از طرفی بسیاری از فقها در مورد تعریف رایج «من شهر السیف لإخافة الناس»<sup>۱</sup> در خصوص تشهیر سیف الغای خصوصیت نموده و ملاک را «إخافة الناس» یا «سلب امنیت عمومی» دانسته‌اند. با توجه به این نکته استدعا می‌شود نظر خود را در مورد شمول عنوان مُحاربه و اِفساد فی الارض در خصوص اشخاص یا باندهایی که با ارتکاب اعمالی نظیر هواپیماربایی، شرارت، دزدیدن کودکان خردسال، اسیدپاشی و... موجب ایجاد ناامنی و اضطراب در جامعه می‌شوند بیان فرمایید. آیا شخص یا گروهی که با ارتکاب هر یک از اعمال فوق الذکر و نظایر آن موجب ترس و ناامنی عمومی می‌شوند، به عنوان «مُحارب» قابل مجازات می‌باشند؟

ج) در مواردی که صدق محاربه، به خاطر عدم تعریف جامع و مانع مشکوک باشد، و تشخیص مصداق برای فقیه هم مشکل باشد، حسب قاعده کلیه لزوم تعزیر برای ارتکاب حرام، حکم در آن

۱. «کسی که برای ترساندن مردم شمشیر و قَدّاره می‌کشد».

موارد تعزیر می‌باشد؛ لیکن باید توجه داشت که تعزیر مجازاتی است مناسب با گناه که باعث تنبیه مجرم و ردع گردد، هر چند ردع فقط مربوط به دیگران باشد؛ مانند تعزیر به قتل که در موارد عدیده در روایات آمده، به نظر می‌رسد که تعزیر مناسب با اکثر انواع اعمال ذکر شده در سؤال، اگر نگوییم همه‌ی آنها، قتل است؛ اما مثل شرارت و پاشیدن اسید که دارای مراتبی است، باید در نظر قاضی در حدّ بالایی باشد که برایش مسلم شود مجازات اعدام مناسب با آن است و مطابق با عدل اسلامی می‌باشد، و چگونه جزای آنها اعدام نباشد با اینکه در مورد آتش زدن خانه دیگران و سوختن متاعشان در موثقه سکونی، به‌علاوه از غرامت مالی، قتل به‌عنوان کیفر مقرر گشته و چون باب تعزیر است، حکم به قتل، شامل همه‌ی کسانی که در مثل پاشیدن اسید و یا هواپیماربایی دست قوی داشته‌اند، می‌باشد.

### مجازات مخالفان سیاسی

س ۲۴۹) آیا مخالف سیاسی که از راه‌های مسالمت‌آمیز و قانونی در اندیشه اصلاح مفاسد جامعه، امر به معروف و نهی از منکر بوده، بدون اینکه به شیوه‌های مسلحانه و خشونت‌بار متوسل شود و انتقاد را تنها از طریق نوشتن و گفتن و مانند آن ابراز داشته، مجازات برانداز و محارب را دارد؟

ج) محارب در موازین شرعی به کسانی اطلاق می‌شود که به قصد ایجاد ناامنی دست به مثل اسلحه ببرند تا مردم را بترسانند؛ اما

حرکت‌های سیاسی که دارای انگیزه خدمت به جامعه است، گرچه خلاف سیاست‌های کلی مسئولان باشد، گرچه غلط و خلاف، محسوب گردد، لیکن محاربه نبوده و حسب منطق علی علیه السلام و نظر فقهی مثل شیخ الطائفه در کتاب «مبسوط»، این گونه افراد از همه‌ی حقوق اجتماعی حتی حضور در مساجد، مانند دیگران برخوردار می‌باشند. باید با منطق و استدلال با آنها روبرو شد و پس از آن اگر باز در اشتباهشان باقی بودند، تا دست به اسلحه نبرده‌اند نباید با آنها جنگید و نباید آنان را کشت.

### برگردان اموال دزدی

س ۲۵۰) چنانچه اموال به‌دست آمده از سارق، اقلامی باشد که مالیت دارد، لیکن شخص مالباخته از نظر قانونی، صلاحیت استفاده از آن را نداشته باشد - مثلاً سارق، اسلحه و مهمات و یا تجهیزات دریافت از ماهواره را دزدیده باشد - آیا مورد، سرقت شرعی محسوب می‌گردد؟ آیا اگر سرقت محسوب می‌گردد، می‌توان به ردّ مال حکم نمود؟ منظور این است که سارق، محکوم به ردّ مال شده و آنگاه شاکی، محکوم به ردّ آن به مقامات صالحه طبق قانون گردد؛ ضمن این که بنابر نظر برخی همکاران محترم قضایی، چون مورد سرقت شده برای فرد، مالیت نداشته و نمی‌توانسته مورد تملک او درآید، سرقت محسوب نشده است.

ج) اموال و کالاهای قاچاق و خلاف قانون، ملک خریدار آنها می‌گردد و برای او ملکیت می‌آورد، گرچه از نظر قانون،

گناهکار بوده و حق استفاده از آنها را نداشته باشند. کسی که آن اموال را سرقت نماید، سارق محسوب می‌شود که با فرض وجود شرایط، مستحق حدّ سارق است، و گرنه مستحق تعزیر.

#### اجرای حدود در باره غیرمسلمانان

س ۲۵۱) آیا حکم حدود الهی فقط در خصوص مسلمانان، جاری می‌گردد و اگر یک مسیحی شرب خمر نمود یا زنا کرد و یا جرم دیگری مرتکب شد، حکم ایشان با مسلمانان متفاوت بوده و می‌بایست طبق احکام مسیحیت یا هر دین دیگری که دین متهم است، به صدور حکم مبادرت نمود؟

ج) در حدود، آنچه که در نظر همه، حرام و موجب مجازات است، فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست و باید مجازات شوند و مجازات، نسبت به آن گناهان برای همه است. آری، در مثل شرب خمر که آنها حرام نمی‌دانند، اگر در جای پنهان و دور از دید مردم بنوشند حدّ ندارد، ولی اگر در ملاء عام، شرب کنند حدّ شرب خمر بر آنها جاری می‌شود.



---

## احکام قصاص و دیات

---

کشتن خودسرانه غیرمسلمان

س ۲۵۲) اگر شخصی به یکی از کشورهای کمونیستی مسافرت کند که خدا را قبول ندارند، و قادر است بدون هیچ گونه ضرر جانی و مالی، اشخاصی را بکشد و مال آنان را تصاحب کند، آیا جایز است این کار را بکند؟

ج) مطلقاً جایز نیست، چون جان و مال همه‌ی ملل و انسان‌ها در تمام ممالک، محترم است؛ زیرا اسلام جان و مال همه را محترم می‌داند و در این جهت، فرقی بین ملل آسمانی و غیر آن نیست. خطاب آیه ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾<sup>۱</sup>؛ «در قصاص، حیات جامعه است» که از آیات کم نظیر است، به همه‌ی انسان‌ها و صاحبان

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۹.

عقل است «یا اولی الألباب»، چنانکه مناط حرمت تصرف در اموال دیگران، باطل بودن راه است؛ ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾<sup>۱</sup>. تصرف به باطل و ناحق در اموال همه‌ی انسان‌ها باطل است. در صدق باطل، فرقی بین مالکان نیست؛ به علاوه که خطاب در قرآن، ظاهراً عام است. اموال کافر حربی را فقط در حال جنگ می‌توان از آنان گرفت و در غیر این صورت، جایز نیست.

#### قصاص نشدن مادر

س ۲۵۳) چرا مادر به خاطر قتل فرزندش قصاص می‌شود، در صورتی که اگر پدری فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود؟  
 ج) به نظر این جانب، فرقی بین پدر و مادر نمی‌باشد و هر دو در قصاص نشدن، مساوی هستند.

---

## دیات

---

#### فلسفه دیه

س ۲۵۴) فلسفه دیه از دیدگاه اسلام چیست؟  
 ج) فلسفه آن، جبران خسارتی است که در نتیجه کشته شدن یک انسان، به خویشان مقتول، بلکه به همه جامعه رسیده که در موارد ثبوت آن مانند جراحات‌های عمدی و غیرعمدی و قتل‌های

---

۱. سوره نساء، آیه ۲۹. «اموال یکدیگر را در میان خود به باطل نخورید».

غیر عمدی و یا عمدی - که قصاص در آن ممنوع شده - تنها راه مقدور، عادلانه، عقلایی و شرعی، جبران خسارت است، همان گونه که در قتل‌های عمدی مقابله به مثل با حق عفو برای اولیای دم در نصّ قرآن، تثبیت شده و از احکام والای اسلام است.

### دیه زن

س ۲۵۵) چرا دیه زن، نصف دیه مرد است؟

ج) این که چرا دیه زن نصف دیه مرد است، به نظر این جانب - که به برابری و مساوات دیه زن و مرد قایل می‌باشم - دلیلی ندارد؛ به علاوه که در روایات و آیات، قطع نظر از آن که فقیهی محقق و ژرف اندیشی همانند مقدس اردبیلی (قدس سره) در حدود پانصد سال پیش در نجف اشرف و کنار قبر باب العلم حضرت امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) در کتاب گران قدر و سنگین و ارزشمند خود «مجمع الفائدة و البرهان»، اصل وجود روایت بر نصف بودن دیه را ردّ کرده و فرموده است: «فما اعرفه فکأنه إجماع أو نصّ ما اطلعت علیه»<sup>۱</sup>. اصولاً فلسفه و علّت آن در روایاتی که مورد استناد دیگران قرار گرفته، ذکر نشده، بلکه اشاره‌ای هم به آن به نظر نمی‌رسد. راه تشخیص علل و فلسفه احکام، منحصر به نقل و عقل است، نه اعتبارات و یافته‌های غیرمستند به نبی ظاهر (کتاب و سنت) و نبی باطن (عقل)؛ چون

۱. «دلیلی (بر نصف بودن دیه زن) برای ما روشن نشده است. شاید که اجماع یا نصی بوده که ما بر آن اطلاع پیدا نکردیم».

اعتبارات بر فرض تمام بودنش اعتبار است و با قاعده عقلی و شرعی «لا اعتبار بالاعتبار»<sup>۱</sup> از ارزش استناد و اعتماد و ترتیب اثر، ساقط است.

س ۲۵۶) آیا امکان تغییر دیه زن در قانون مجازات اسلامی، با توجه به مقتضیات و شرایط زمان و مکان، وجود دارد؟

ج) پس از وجود فتوا بر تساوی دیه، قانون گذاران حسب قانون اساسی می توانند تساوی را تصویب نمایند. با توجه به اصل چهار قانون اساسی هم، با بودن فتوا از فقهای شیعه گرچه فتوای محدود و معدود، قانون، بر موازین اسلامی منطبق می گردد و از جهت اصل چهار که بیمه کننده اسلامیت قوانین است، معتبر و قابل اجرا است. تصویب نابرابری و نامساوی بودن دیه زن - که انسان است - با مرد که او هم انسان است، چون باز موافق با فتوای معروف است، منطبق با اصل چهار می باشد؛ هر چند از نظر اشکالات وارده به آن باید تصویب کنندگان، فکری بنمایند تا چهره اسلام در دنیای امروز که دنیای آگاهی و ارتباط است، ناخوشایند نشان داده نشود و یا قانون در جمهوری اسلامی با این که راه داشته باشد تا موجب جلب افراد به اسلام گردد، وسیله فاصله گرفتن از اسلام نشود و به نظام جمهوری اسلامی - که حفظش از اوجب واجبات است - صدمه ای نخورد و همگان در پیشگاه خدا و اولیا و شهدا و امام و ملت بزرگوار و آگاه و شریف، شرمسار و مسؤول نباشیم. زمان و مکان، گرچه شهید اول (قدس سره) در

۱. «هیچ اعتباری به اعتبار نیست».

کتاب «القواعد والفوائد» خود، و امام امت (سلام الله علیه) روی آن تکیه فقهی و استنباطی داشته و بلکه باید گفت به عنوان قرینه حالیه متصل به کلام، همیشه در سیره فقها، مورد توجه بوده؛ لیکن در تساوی دیه با وجود اطلاقات دیه و عدم دلیل برتقیید و تفاوت، نیازی به بررسی آن دیده نمی‌شود و مسأله پیش از آن، حل شده است.

#### دیه اهل کتاب

س ۲۵۷) دیه اهل کتاب که در نظام جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند، چقدر است؟

ج) دیه یهودی، مسیحی، مجوس و هر غیرمسلمانی که در بلاد اسلامی به حکم قوانین و مقررات آن، محترم شمرده شده و یا در غیر مناطق اسلامی، حسب قراردادهای بین‌المللی مورد قبول حکومت اسلامی، از احترام متقابل برخوردار هستند، جانشان همانند مالشان به حکم میثاق، محترم است. اظهر آن است که دیه آنان در خطا و شبه عمد با مسلمان، مساوی می‌باشد.

#### دیه تنبیه کودک

س ۲۵۸) اگر پدر یا مادر، فرزند خود را برای تربیت یا از روی غضب تنبیه کنند و جای آن سیاه یا کبود و یا قرمز شود، آیا دیه دارد؟  
در صورت مثبت بودن پاسخ، دیه آن چقدر است؟  
ج) اگر از روی غضب باشد، دیه دارد. دیه صورت اگر سیاه شود

شش مثقال طلا؛ اگر کبود گردد سه مثقال؛ اگر قرمز شود یک و نیم مثقال شرعی طلا می باشد. اگر محل ضرب، سایر اعضای بدن باشد، دیه آنها نصف دیه صورت می باشد. مقدار مثقال شرعی، هیچده نخود است که سه چهارم مثقال صیرفی می باشد.



---

## احکام شبیه‌سازی، تلقیح، پیوند و تغییر جنسیت

---

### شبیه‌سازی (کلوناسیون)

با پیشرفت‌های علمی در سه دهه اخیر و دستیابی به دانش زیست فناوری این امکان برای بشر فراهم شده که با دستکاری در ساختار مولکولی موجودات زنده، از قبیل گیاهان و جانوران، فرآورده‌هایی را با خواص و کیفیات جدید و مورد دلخواه، تولید و شیوه‌های نوینی را برای درمان یا پیشگیری از بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج ابداع نماید.

با استفاده از این دانش می‌توان گیاهان مقاوم در برابر آفت‌ها یا گیاهانی با خواص دارویی تولید کرد و میزان ثمردهی گیاهان را افزایش داد. همچنین می‌توان حیواناتی با گوشت، پشم و شیر بیشتر و مغذی‌تر یا حاوی پروتئین‌های سودمند دارویی تولید کرد. نیز از نظر علمی این امکان فراهم شده است که با استفاده از سلول‌های بنیادین حیوان و انسان، برخی از

بیماری‌ها را درمان کرد یا بافت‌ها و اندام‌هایی برای پیوند به انسان تولید کرد، یا با وارد ساختن ژن‌های جدید به بدن، برخی از بیماری‌های وراثتی و غیر وراثتی، نظیر سرطان‌ها و دیابت را درمان و یا از بروز آنها پیشگیری نمود. کاربردهای این فناوری آن قدر متنوع و گسترده است که همه روزه ابداعات جدیدتری از این نوع، در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد؛ اما این فناوری در کنار این دستاوردها دارای مخاطرات بالقوه‌ای است که پرسش‌ها و ابهام‌هایی را از لحاظ اخلاقی، حقوقی و مذهبی در تمام نقاط جهان برانگیخته است. پاسخگویی دقیق و همه‌جانبه به این پرسش‌ها بی‌تردید می‌تواند کمک مؤثری به جهت‌دهی صحیح و استفاده مناسب از این فناوری بنماید. در این راستا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با هدف بررسی ابعاد اخلاقی زیست فناوری، همایشی را با عنوان «کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی» با همکاری سازمان تربیتی، علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو) برگزار خواهد کرد.

به پیوست، اهم مسایلی که در این زمینه تاکنون مطرح شده به محضر حضرت مستطاب عالی ایفاد می‌گردد. استدعا دارد جهت مزید استفاده از فتاوی حضرت عالی در این کنگره، ضمن اعلام نظر گرامی، در هر مورد به مبانی و ادله مربوط نیز اشاره بفرمایید.

- س ۲۵۹) ۱. آیا اصولاً دست‌ورزی ژنتیکی و تغییر ساختار مولکولی موجودات زنده؛ اعم از جانوران و گیاهان، با توجه به مخاطرات احتمالی آن برای طبیعت و محیط زیست، جایز است؟
۲. آیا استفاده از میوه‌ها و مواد غذایی حاصله از تغییرات ژنتیکی، جایز است؟

۳. در صورت انتقال ژن حیوان حرام گوشت به گیاه، خوردن محصول آن چه حکمی دارد؟

۴. آیا اساساً انسان مجاز است برای مقاصد پژوهشی خود، از حیوانات به گونه‌ای استفاده کند که برای سلامتی آنها زیانبار باشد؟

۵. آیا تغییر ژنتیکی در حیوانات و استفاده از آنها به‌عنوان مدل آزمایشگاهی، جهت مطالعه و بررسی مراحل بیماری‌های انسانی و نحوه اثرگذاری داروها بر آنها جایز است؟ به‌عنوان مثال برخی از مراکز تحقیقاتی در کشورهای غربی، با تغییر ساختار ژنتیکی موش، این حیوان را نسبت به ابتلا به بیماری سرطان حساس کرده و از آن به‌عنوان مدلی جهت بررسی این بیماری در انسان استفاده می‌کنند. آیا این کار با توجه به آسیب و زیان وارده به حیوان و مخاطرات احتمالی آن برای محیط زیست، جایز است؟

۶. آیا تولید و پیوند اندام و بافت حیوانی به انسان، جایز است؟

۷. آیا استفاده از سلول‌های بنیادین استخراج شده از جنین انسان پیش از لانه‌گزینی در رحم برای مقاصد درمانی، جایز است؟ مراکز تحقیقاتی معمولاً نمونه‌های خود را از جنین‌های دور ریخته شده در مؤسسه‌های باروری (IVF) به‌دست می‌آورند.

۸. آیا تغییر ژنتیکی جنین انسان به‌منظور اصلاح نژاد و ایجاد اوصاف دلخواه در آن، مانند انتخاب رنگ پوست، افزایش ضریب هوشی و غیره، جایز است؟

۹. آیا کلونینگ (شبیه‌سازی) حیوانات، جایز است؟

۱۰. شبیه‌سازی (کلوناسیون) تحت چه شرایطی جایز است؟ به‌عنوان نمونه، اگر از طریق موادی از پوست خود زن، باعث ایجاد جنینی در او شویم که از هر جهت شبیه به خود او باشد - مانند کاری که بر روی حیوانات برای اولین مرتبه در انگلستان انجام شده - آیا این عمل جایز است؟

۱۱. آیا در صورت تشخیص مولکولی بیماری‌های ژنتیکی لاعلاج در جنین؛ مانند تالاسمی، می‌توان برای جلوگیری از ولادت نوزاد بیمار، اقدام به سقط جنین کرد؟

۱۲. آیا می‌توان از نمونه‌های بیولوژیکی افراد؛ مانند نمونه خون، سلول و بافت، که معمولاً جهت آزمایش گرفته می‌شود، بدون کسب رضایت آنها برای مقاصد علمی یا درمانی بهره‌برداری کرد؟ (ج ۱) به‌طور کلی هرگونه پیشرفت علمی که موجب ضرر و زیان به فرد و جامعه نگردد، جایز است و اصل بر اباحه است. و مخاطرات احتمالی اگر مورد اعتنا نزد طبیعت پژوهان و محیط زیست باشد، چون احتمال خطر و ضرر برای دیگران و تصرف در حقوق آنها از محیط است، حرام و غیر جایز می‌باشد. آری، ضررهای جزئی که مورد اعتنا نبوده، سبب حرمت نمی‌گردد.

(ج ۲) جایز و حلال می‌باشد؛ چون باز میوه و غذای حلال است، مثل میوه و غذاهای بدون تغییر ژنتیکی.

(ج ۳) مانعی ندارد و حکم آن گیاه، با گیاه بدون انتقال مورد سؤال مساوی است و حلال می‌باشد. خوردن آن، خوردن گیاه است، نه خوردن اجزای حیوان حرام گوشت، تا حرام باشد.

ج ۴) برای پیشرفت علمی و دست یافتن به علل و اسباب بیماری‌ها و مقاصد پژوهشی، مانعی ندارد. همه‌ی جهان طبیعت برای استفاده مشروع انسان از آنها، آفریده شده و قرآن می‌فرماید: همه‌ی جهان برای نفع بشر آفریده شده: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا!». حرمت یا کراهت ابدای حیوانات مربوط به خود ایذا است که ظلم به آنها محسوب می‌شود.

ج ۵) خود عمل، جایز است و مسئله مخاطره‌ها هم در جواب «۱» حکمش بیان شد. آزار و آسیب حیوانات هم در جواب «۴» بیان شد و معلوم گشت.

ج ۶) جایز است و این مسئله در فقه از دیر زمانی قبل، مطرح و جوازش مسلم بوده. شیخ الطائفه در مبسوط درباره پیوند استخوانی از سگ به بدن انسان فرموده: با ملحق شدن به بدن انسان پاک می‌گردد. نسبت به اصل جوازش آن قدر مسلم بوده که آن را مطرح نفرموده و راجع به پاک بودن آن پس از پیوند سخن گفته است.

ج ۷) اگر استفاده از نمونه‌های دور ریخته شده برای مقاصد درمانی کافی نباشد، به خاطر پیشرفت علمی و استفاده‌های درمانی و درمان بیماری‌ها که در سؤال آمده، واجب الهی و انسانی و وجدانی و اخلاقی است، مانعی ندارد. حرمت و نهی از نابود کردن نطفه در رَجِم که منشأ انسان است، بر فرض آن که شامل مثل مورد سؤال موضوعاً بشود و انصراف از این گونه استخراج‌ها

۱. سوره بقره، آیه ۲۹. «او کسی است که هرآنچه در زمین است را برای شما آفریده است».

که برای استفاده درمانی است نداشته باشد، به حکم اهمّیت مسئله استفاده درمانی بی اثر خواهد بود و معصیت و گناه نمی باشد. استفاده مورد سؤال، باید با رضایت صاحب نطفه؛ یعنی زوج، و صاحب رَحِم؛ یعنی زوجه باشد. استفاده مورد سؤال در جنین، تصرف و دخالت در حقوق و حدود و شئون دیگران است که بدون رضایتشان حرام است.

ج ۸) مانعی ندارد و جایز می باشد. اصل شرعی و عقلی در همه ی افعال و اعمال حلیت آنهاست، مگر خلاف آن ثابت شود.

ج ۹) جایز است و منعی ندارد.

ج ۱۰) عمل به هرگونه پیشرفت علمی و به عینیت رساندن آن در تولید انسان (همانندسازی) که ارتباط به زن و شوهر پیدا کند و یا تنها به زن، برای موارد ضرورت و شرایط خاص، نمی توان گفت حرام است؛ اما استفاده نمودن از آن، به طور کلی و عادی شدن و جنبه رسمی پیدا کردن، قطعاً با مذاق شرع و فقه اسلامی نمی سازد و حرام است؛ به علاوه که به جهت مفاسد حقوقی و اجتماعی و اخلاقی و تکوینی و غیر آنها، از مفاسد عظیم و به جهت ترتب فساد، دفع و جلوگیری و منع و تعزیر کردن عاملان و تلاشگران، بر همه ی انسان ها به خصوص قدرتمندان قانونی و اجرایی و تبلیغی، واجب عقلی و شرعی می باشد.

ج ۱۱) سقط جنین مورد سؤال، پیش از چهار ماهگی به خاطر حَرَج و مشقّتی که این گونه جنین ها برای پدر و مادر و خودش، بلکه برای جامعه و نظام دارد، حرمتش برطرف می گردد و مانعی

ندارد؛ اما حکم به جواز سقط آن پس از گذشتن چهار ماه که قتل نفس محسوب می‌شود، مشکل، بلکه ممنوع است و حرام می‌باشد و هیچ‌گونه حَرَج و مشقَّتی برطرف کننده حرمت این‌گونه سقط جنین‌ها که شرعاً قتل نفس است، نیست.

ج ۱۲) مانعی ندارد، چون بعد از آن‌که برای آزمایش گرفته شده، دیگر از جهت عقل و نقل به او ارتباط ندارد و امر زاید و فضولات بدن او محسوب می‌شود. از این رو هرگونه تصرف و دخالت در آن، مانعی ندارد.

س ۲۶۰) آیا اصولاً دست‌ورزی ژنتیکی و تغییر ساختار مولکولی موجودات زنده - اعم از جانوران و گیاهان - با توجه به مخاطرات احتمالی آن برای طبیعت و محیط زیست، جایز است؟

ج) هر گونه پیشرفت علمی که موجب ضرر و زیان به فرد و جامعه نگردد، جایز است و در آن، اصل بر اباحه می‌باشد. مخاطرات احتمالی اگر نزد طبیعت پژوهان و متخصصان محیط زیست، مورد اعتنا باشد، چون احتمال خطر و ضرر برای دیگران و تصرف در حقوق آنها از محیط است، حرام و غیرجایز می‌باشد. آری، ضررهای جزئی که مورد اعتنا نباشد، سبب حرمت نمی‌گردد.

### تلقیح و باروری

س ۲۶۱) مرد و زنی که خویشاوند بوده، با هم ازدواج کرده؛ اما فرزندان متولد شده از آنها ناسالم‌اند. پزشکان می‌گویند در صورتی که نطفه مرد را با تخمک زن دیگری در خارج از رحم، مخلوط

کنند و در رَجِم همسر او قرار دهند، فرزندان، سالم متولد خواهند شد. بفرمایید:

۱- آیا اصل عمل، اشکال دارد؟ ۲- در صورت اشکال نداشتن، همسر مرد که نطفه دیگری در رَجِم او قرار گرفته، حکم مادر را پیدا می کند؟ ۳- زنی که از او تخمک گرفته شده، فرزند متولد یافته، چه حالتی خواهد داشت؟ ۴- آیا این فرزند، از مادری که به صورت نطفه در رَجِمش قرار گرفته، ارث می برد؟ از زنی که از او تخمک گرفته شده چه طور؟ ۵- چنانچه زنی که تخمک از او گرفته می شود، غیرمسلمان باشد، چه صورتی دارد؟ ۶- آیا گرفتن تخمک از زن نامحرم، مانعی دارد؟

ج ۱) امتزاج اسپرم زوج با تخمک زن دیگر در خارج و تلقیح آن به زوجه، یا زن مذکور یا زن ثالث، ظاهراً مانعی ندارد؛ چون نه زناست و نه وارد نمودن منی در رَجِم زن بیگانه.

ج ۲) زن صاحب رَجِم که تخمک (منشأ نطفه امشاج) متعلق به او نیست، مادر محسوب نمی شود. آری، با شیر دادن و تحقق بقیه شرایط رضاع، مادر رضاعی می شود.

ج ۳) اگر صاحب نطفه اعراض ننموده و عرفاً آن زن را صاحب تخمک می دانند، مادر محسوب می شود.

ج ۴) فرزند به دنیا آمده، از شوهری که صاحب اسپرم است، ارث می برد. مادر بودن زنی که تخمک به او تعلق دارد، در صورتی که اختلاط نطفه و تخمک با خواست آن زن بوده و اعراض ننموده (مانند قرار دادن در بانک اسپرم تا هر شخصی که

خواست از آن استفاده کند)، ظاهراً ثابت است و ارث می‌برد.

ج ۵) مانعی ندارد و فرزند، تابع اشرف ابویین است.

ج ۶) گرفتن تخمک از محارم مردی را که صاحب اسپرم است، نمی‌توان گفت جایز است، بلکه حرام می‌باشد. باید از این گونه اعمال که برخلاف اصول اخلاقی توالد و تناسل است، جداً پرهیز نمود، و در مفروض سؤال، نسبت به گرفتن تخمک از غیر محارم، به خودی خود مانعی وجود ندارد.

س ۲۶۲) آیا وارد نمودن اسپرم مرد اجنبی به رحم زن، در صورتی که شوهرش عقیم باشد، حرام است؟

ج) وارد نمودن اسپرم مرد اجنبی به رحم زن، حرام است. برای رفع مشکل نداشتن فرزند می‌توان اسپرم مرد اجنبی و تخمک همسر را در خارج (شرایط آزمایشگاه) مخلوط کرد. سپس جنین حاصل را به رحم زن انتقال داد که در این صورت، همسر که صاحب تخمک منشأ است، مادر محسوب می‌شود. صاحب اسپرم نیز در صورتی که از نطفه خود اعراض نکرده باشد، پدر محسوب می‌شود. آری، در صورتی که مرد اجنبی از نطفه خود اعراض کرده باشد - مثلاً نطفه را در بانک اسپرم قرار داده تا هر کس خواست از آن استفاده کند - پدر محسوب نمی‌شود؛ اما چنانچه صاحب اسپرم، شناخته شود، نسبت به امر ازدواج، احتیاط، امری لازم است، بلکه بی دلیل نیست. به هر حال، شوهر، پدر محسوب نمی‌شود، چون صاحب اسپرم نیست، اما همه‌ی آثار فرزند بودن آن بچه برای شوهر و اقوام، گرچه صاحب نطفه

نباشد، به دلیل حرج و مشقتی که در نداشتن فرزند و ترتیب آثار اجنبی بر فرزندخوانده در شرایط فعلی وجود دارد، مترتب است، به جز آثار ارث که در این جهت، حکم اجنبی را دارد که با هبه و تصرفات منجزه و یا وصیت به ثلث می‌توان او را در حکم وارث قرار داد.

علاوه بر حکم ذکر شده، بچه به حکم ربیبه بودنش نیز به آن شوهر محرم است؛ به شرط حصول آمیزش شوهر با همسر خودش، که در محرمیت مرد با ربیبه فقط صدق ربیبه و دختر زن بودن مناط است. بنابر این، تنها صورت تلقیح اسپرم مرد در خارج رحم و بعد وارد رحم نمودن، راه درستی است، لیکن اگر پیمودن این راه و راه‌های دیگر، دارای حرج و مشقت باشد، وارد کردن نطفه اجنبی به رحم زن از طریق تلقیح مصنوعی، به حکم لاحرج، مانعی ندارد. همانگونه که حرج، نافی و رافع بعضی از حرام‌ها است، رافع این گونه حرام‌ها نیز خواهد بود.

س ۲۶۳) آیا استفاده از سلول‌های بنیادین استخراج شده از جنین انسان، پیش از لانه‌گزینی در رحم، برای مقاصد درمانی جایز است؟ مراکز تحقیقاتی معمولاً نمونه‌های خود را از جنین‌های دور ریخته شده در مؤسسه‌های باروری (IVF) به دست می‌آورند.

ج) اگر استفاده از نمونه‌های دور ریخته شده، برای مقاصد درمانی، کافی نباشد، به خاطر پیشرفت علمی و استفاده‌های درمانی و درمان بیماری‌ها که در سؤال آمده و واجب الهی، انسانی، وجدانی و اخلاقی است، مانعی ندارد. حرمت و نهی از نابود

کردن نطفه در رحم که منشأ انسان است، بر فرض آن که موضوعاً شامل مثل مورد سؤال بشود و انصراف از این گونه استخراج‌ها - که برای استفاده درمانی است - نداشته باشد، به حکم اهمیت مسأله‌ی استفاده درمانی، بی‌اثر خواهد بود و معصیت و گناه نمی‌باشد، لیکن استفاده مورد سؤال باید با رضایت صاحب نطفه (زوج) و صاحب رحم (زوجه) باشد. استفاده مورد سؤال در جنین، تصرف و دخالت در حقوق، حدود و شؤون دیگران است که بدون رضایتشان حرام می‌باشد.

#### تغییر جنسیت

س ۲۶۴) برای زنان و مردان و اشخاص خنثی که تغییر جنسیت در عمل برای آنان ممکن است، تا آنان را به احدالجنسین ملحق کنند؛ همچنین زنان و مردانی که آثار مرد یا زن بودن به روشنی در آنها دیده می‌شود، لیکن تمایل به تغییر جنسیت و به عبارت روشن‌تر، تنقیص جنسیت دارند، - چون در خود، بعضی از آثار جنس مخالف، از جمله حرکات و رفتار و سکانات جنس مخالف را مشاهده می‌کنند - آیا تغییر جنسیت جایز است؟ آیا تنقیص جنسیت جایز است؟

ج) تغییر جنسیت، با قطع نظر از مفسد مترتب بر آن را نمی‌توان گفت که حرام است. یک تکامل علمی، مانند بقیه تکامل‌های علمی است و پس از تحقق و حصول تغییر، همه‌ی احکام، آثار، تکالیف و حقوق، تابع حالت بعدی است؛ یعنی اگر پیش از

تغییر، مرد بوده و بعداً واقعاً زن شده، آثار زن بودن بر او بار می‌شود، لیکن قبل از عمل و اجرای آن باید به سایر جهات مسئله (مسایل اخلاقی و شخصیت انسانی و حقوقی، چه حقوق خود شخص و چه حقوق دیگران و امور دیگر) توجه داشت. معمولاً - اگر نگوییم دائماً - تغییر جنسیت به جهت مسایل حقوقی و مفساد خارجی، حرام و موجب مشکلات و نابسامانی‌هایی از جهات مختلف است. به هر حال، حکم قضیه از حیث خود مسئله و از حیث جهات دیگر آن، باید مورد توجه قرار گیرد، که به حسب جهات و دلایل اولیه، هر چند جایز و تصرف در مخلوق است نه در خلقت، لیکن به دلیل پیامدها و مفساد عظیم آن نمی‌توان گفت جایز است؛ اما تغییر اثباتی، به این معنا که شخصی ویژگی‌های مرد را دارد، ولی طبق تشخیص پزشکان، واقعاً زن است و یا برعکس، مانعی ندارد و جایز است؛ بلکه برای حفظ حقوق، احکام و آثار، تغییر لازم و واجب است، که این کار را در حقیقت نمی‌توان دگرگونی نامید، که اثبات یک واقعیت و یک امر حقیقی است. این گونه تغییر جنسیت‌ها را که به مشخص شدن جنس واقعی برای ختنی منجر می‌شود، چون ظاهراً مفسده خارجی ندارد، نمی‌توان گفت حرام است.



---

## احکام مسایل متفرقه

---

### تحریف قرآن

س ۲۶۵) مسئله تحریف قرآن از دیدگاه حضرت عالی چگونه است؟ و آیا روایاتی که در این باره وجود دارد درست است؟

ج) چگونه می توان پذیرفت که قرآن تحریف شده و حال آن که محل استشهاد ائمه علیهم السلام بوده، و در خیلی جاها، ائمه علیهم السلام برای ردّ شبهات به آن استناد کرده اند؟ اگر تحریف شده بود، اصلاً قابل استناد و استشهاد نبود. آیات تحدّی و معجزه بودن قرآن، بر عدم تحریف آن دلالت محکم و یقینی دارد، چون اگر تحریف شده باشد، نمی تواند معجزه جاوید باشد، بدان جهت که معجزه بودن به علت عدم قدرت بر آوردن مثل آن می باشد. پس با فرض تحریف، اطمینان به این معنا حاصل نمی شود، چون شاید بتوان

مثل آنها که مثلاً حذف شده، آورد. روایات بیانگر تحریف، مخالف با قرآن است که حجّت نیست؛ به علاوه آن روایات در کتب شیعه، بحث شده و دلالت بر تحریف ندارد. حذف شده‌ها تأویل و تفسیر قرآن بوده، نه خود قرآن. پس هر چه بر تحریف قرآن عظیم دلالت نماید، دلیلی بی اساس و بی پایه است.

#### لمس اسما خداوند

س ۲۶۶) در کلماتی مانند «بسمه تعالی»، «یا هُو»، «خدا» و... و آیا اجتناب از لمس بدون وضوی آنها، لازم است؟  
(ج) نام خدا به هر زبانی که نوشته شود، مسح کردن آن، بدون طهارت جایز نیست و در هاء بسمه، احتیاط در ترک است.

#### فروش قرآن به غیرمسلمان

س ۲۶۷) فروش قرآن کریم به هندوها و سایر کفار که با انگیزه مطالعه، آن را خریداری می کنند و قرآن را لمس می کنند، چه حکمی دارد؟  
(ج) مانعی ندارد.

#### بهترین ذکر

س ۲۶۸) بهترین ذکر چیست؟  
(ج) افضل اذکار، به استناد بعضی روایات «لااله الاالله» است.

## کم و زیادی در دعاها

س ۲۶۹) آیا تکرار کردن بعضی از کلمات در دعاهای گوناگون مثل: «ظلمت نفسی، یا غیاث المستغیثین، یا ربّ و...» در دعای کمیل و ذکر «یا وجیهاً عندالله اشفع لنا عندالله» در دعای توسل، از لحاظ شرعی اشکال دارد؟

ج) به قصد ورود، جایز نیست. باید دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده، به همان گونه که به ما رسیده، خوانده شود.

عصمت ائمه اطهار علیهم السلام

س ۲۷۰) معصومیت امامان شیعی از چه راهی ثابت می شود؟

ج) چون وظیفه امام هدایت مردم به مصالح واقعی و تزکیه آنان و نیز حفظ شرع از تحریف و زیاده و نقصان است و حافظان شرع و به پادارندگان واقعی احکام شرع هستند، اگر معصوم نباشند وجودشان کالعدم و بی فایده خواهد بود، چون احتمال اشتباه و گناه، مانع از رسیدن مردم به سعادت خواهد بود و هیچ گاه به درستی عمل و قول آنها اطمینان حاصل نمی شود. پس باید از ارتکاب گناهان و معصیت‌ها مصون و معصوم باشند تا اطمینان حاصل شود که پیروی از آنان انسان را به سرحدّ کمال می رساند. آن چه مرقوم شد، کلمه‌ای از هزاران کلمات گویای عصمت آنان است. برای تفصیل می توانید به کتاب ارزشمند تفسیر المیزان در تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب: «لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ

الْبَيْتِ<sup>۱</sup>؛ همچنین کتاب امامت شهید بزرگوار مطهری (ره) مراجعه کنید.

### شفاعت

س ۲۲۱) مخالفین برای ردّ عقیده شفاعت ائمه علیهم السلام، استناد به مناظره بت پرستان با حضرت محمد صلی الله علیه و آله می کنند که به حضرت می گفتند: بت‌ها را برای نزدیکی به خدا و شفاعت به او می پرستیم: ﴿مانعدهم الا ليقربونا إلى الله زلفى﴾<sup>۲</sup> و ﴿هولاء شفعا لنا عند الله﴾<sup>۳</sup> و این همان دلیلی است که برای شفاعت می آوریم؛ البته روشن است که ائمه علیهم السلام تفاوتی ذاتی و غیرذاتی و غیرقابل مقایسه با آن چه بت پرستان شفیع می گرفتند، دارند.

۱. مگر کلام اوّل و آخر پیامبر ما توحید نبود، و برقراری رابطه‌ای دایمی و بلاواسطه بین بنده و خدا؟ مگر خداوند در قرآن اشاره نکرده که تنها شفیع، او می باشد؟ آیا شفاعت گرفتن از غیر او که منجر به توجه به غیر او می شود، صحیح است؟

۲. در مورد مکتوبات مندرج در کتب حدیث، مبنی بر تفاوت ذاتی ائمه با بنی آدم و داشتن ذات نورانی به جای ذات خاکی و خلقت ایشان پیش از بنی آدم، نظرتان را بفرمایید.

ج ۱) شفاعت، از وساطت و پیوند شیء به شیء مشتق گشته. انبیا و

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳. «خداوند می خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند».

۲. سوره زمر، آیه ۳. «ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر بخاطر این که ما را به خدا نزدیک کنند».

۳. سوره یونس، آیه ۱۸، «اینان شفیع ما نزد خدا هستند».

معصومان و هدایت‌گران و روشن‌گران، در دنیا وسیله‌ای برای راهنمایی بشر به حق و عدالت هستند؛ پس شفیع دیگران می‌باشند. اگر بخواهیم تشبیه کنیم می‌توان شفاعت آنها را (در حد بسیار پایین) به معلم و یاد دادن به شاگردان مثال بزینم؛ اما در آخرت، شفاعت به معنای پارتی بازی و تهدید و تطمیع نمی‌باشد، بلکه بدان معناست که معصومان از خوبی‌های خودشان به انسان‌های وارسته‌ای از مسلمانان و انسان‌های صالح که نامفهوم به قیامت آمده و کمبود دارند کمک می‌کنند، و کمبود آنان را برای رسیدن به رضوان الله جبران می‌نمایند.

ج ۲) قطع نظر از سخنان افراد، روایات دارای معانی و مقاصد والایی است که فهم آن حتی برای افرادی که دارای سطوح عالی تحصیلات و دانش و رشد فکری‌اند مشکل می‌باشد؛ اما واقعیت‌های مسلمی است، ولی به هر حال آنها با اختیار و انتخاب خودشان به مراحل عالی از عصمت رسیده‌اند و دیگران می‌توانند خود را تا حدّی به آنها برسانند، اما نمی‌توانند در رتبه آنها قرار گیرند، چنان که برخی از نوابغ در تاریخ بشر منحصر به فرد بودند. به هر حال باید ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) را الگو قرار داد و نباید هیچ کس را با آنان مقایسه نمود.

### معنای جمله: «آزادی بالاتر از دینداری»

س ۲۷۲) نظر شما راجع به جمله «آزادی بالاتر از دینداری است»، که به نظر می‌رسد مفهوم جمله «اگر دین ندارید لااقل آزاد مرد باشید.» امام حسین علیه السلام می‌باشد، چیست؟

ج) آزادی و حریت، در متن دین و باطن دین است. روح هر دیندار واقعی با آزادگی و حریت آمیخته گشته است و قابل تفکیک نیست؛ ولی شاید تفسیر جمله حضرت امام حسین علیه السلام این باشد: کم‌ترین چیزی که در دنیا حتی برای زندگی لازم است، آزادگی و حریت است، و اگر دین ندارید و به فکر آخرت نمی‌باشید، لااقل اصول ابتدایی زندگی را رعایت کنید که در سایه آن، دنیاتان آباد گردد.

### عذاب سادات

س ۲۷۳) بعضی می‌گویند سادات در جهان آخرت به آتش دوزخ نمی‌سوزند. آیا صحت دارد؟

ج) صحیح نیست و آنچه در روایات آمده، مخصوص است به فرزندان که از حضرت زهرا علیها السلام متولد شده‌اند؛ مثل امام حسن و امام حسین، و امام هشتم به برادرش زید فرمود: «چه طور می‌شود موسی بن جعفر علیه السلام با آن همه عبادت و طاعت، با تو که هر معصیتی را انجام می‌دهی برابر باشد؟! سپس افزود: خدا فرزند نوح علیه السلام را به دلیل معصیت از او ندانسته است، با این که حقیقتاً از او بود. پس آنچه موجب نجات از آتش است، اطاعت الاهی

است، از هر کس باشد و آنچه موجب عذاب و آتش است معصیت و نافرمانی خداست، از هر کس که سر بزند و کسی که اطاعت خدا را نکند، از ما نیست و اگر تو اطاعت خدا نکنی، از ما اهل بیت نیستی»<sup>۱</sup>.

### موانع ظهور

س ۲۷۴) موانع ظهور امام زمان چیست؟

ج) از روایات استفاده می‌شود عدم آمادگی مردم و وجود ستمگران باعث تأخیر ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، چنان که این عوامل ظاهراً موجب غیبت حضرت شده است.

### در خواب دیدن امام زمان علیه السلام

س ۲۷۵) اگر شخصی امام زمان علیه السلام را در خواب ببیند و پس از بیدار شدن به مردم بگوید که حضرت گفته فلان کار را انجام بده، آیا به آن چه که حضرت در خواب گفته است، می‌شود عمل کرد؟  
ج) حرام و افترا به معصوم و بدعت است.

### علت قیام امام حسین علیه السلام

س ۲۷۶) علت قیام امام حسین و عدم صلح را بفرمایید.  
ج) چنان که از جملات حضرت برداشت می‌شود قیام برای اصلاح امت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و رشد و هدایت مردم بوده است: «انی لم

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲، ص ۲۴۳، باب ۵۸، حدیث ۴.

اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً، وانما خرجت لطلب الاصلاح في امة جدي<sup>۱</sup>! حضرت با شهادت خود مردم را از جهل و نادانی و گمراهی نجات داد چنان که در زیارت اربعین وارد شده: «وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة»؛ یعنی حسین عليه السلام جانش را در راه توفدا کرد تا بندگان از نادانی و سرگردانی و گمراهی نجات یابند.

#### معنای تارالله

س ۲۷۷) چرا به امام حسین عليه السلام تارالله می گویند؟  
 (ج) معنی تار، حق قصاص و استیفای عوض خون مقتول است و قسمت دیگر زیارت عاشورا «وان برزقنی طلب تارکم مع امام مهدی» شاهد آن است. مراد این است که صاحب حق خونخواهی و انتقام خداست و او این حق را طلب می کند و سیدالشهدا مقتولی است که خدا عوض خون او را می گیرد.

#### فلسفه عزاداری

س ۲۷۸) فلسفه عزاداری و گریه و زاری برای ائمه عليهم السلام چیست؟  
 (ج) زنده نگه داشتن یاد آن بزرگواران و یادآوری مظلومیت آنان و خاندانشان در مقابل طاغوت زمان است. گریه و عزاداری در مصیبت آن بزرگواران، احیا امر و نام آنان است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۹. «همانا (هان ای مردم!) من برای شرارت و افساد و ظلم کردن قیام نکردم، بلکه قیامم برای اصلاح و رشد مردم و امت جدم بوده است.»

### پاداش قطره اشک در عزای امام

س ۲۷۹) گفته می شود اگر پلک چشم رطوبتی پیدا کرد خداوند خطاب میکند: ای بنده من، تمام گناهان تو را بخشیدم؛ اگر رطوبت به مژه هایش رسید، خطاب می شود تمام حاجات تو را بر آوردم؛ اگر از مژه رطوبت یا اشک خارج شد، می گوید گناهانت را بخشیدم و حاجات را بر آوردم، فردای قیامت عده ای گناهکار را به تو بخشیدم. اگر این طور است که با رطوبتی خدا همه ی گناهان را می بخشد، دیگر چرا مردم زحمت نماز و روزه بکشند؟ (ج) روایات وارده درباره عزاداری و اشک و ثواب آن - که بهشت است - فراوان است، لیکن مراد این نیست که به خاطر حسرت و تحت تأثیر احساسات گریه کند، بلکه مراد گریه ای است که به عنوان یک نوع برخورد و جنگ با دشمنان راه حسین علیه السلام و تبلیغ و ترویج مکتب انسان ساز حضرت به حساب بیاید. گریه ای ثواب دارد که برای مظلومیت حسین علیه السلام و تأثر از این که چرا باید انسان ها او را درک نکنند و برای زنده نگه داشتن مرام امام باشد.

### قیام نکردن امامان

س ۲۸۰) اگر درس عاشورا مقاومت در برابر ستم به هر شکلی حتی فدای جان است، پس چرا ائمه علیهم السلام قیامی در برابر حاکمان جور نکردند؟

(ج) درس عاشورا هدر دادن خون و کشتن و کشته شدن بدون هدف نیست، بلکه دفاع از دین و حفظ اسلام در مقابل دشمنان و زنده

نگه داشتن احکام الهی است، که در هر زمانی با توجه به شرایط مخصوص آن زمان ائمه علیهم السلام به این مهم در حدّ اعلاّ همت گماشته‌اند. همه آنها به وسیله زهر دادن و یا به وسیله نیزه و شمشیر کشته شده‌اند و هیچ یک با مرگ طبیعی نمرده‌اند و معمولاً در حصر و زندان بوده‌اند.

### هروله و شیوه عزاداری

س ۲۸۱) ۱. آیا هروله (بالا و پایین پریدن و ذکر معصومان را گفتن) در مراسم عزاداری، اشکال دارد؟

۲. آیا گفتن بعضی از کلمات توسط مداحان مانند «من سگ حسینم، دیوانه حسینم و...» اشکال دارد؟

ج ۱ و ۲) از انجام اعمال و به کار بردن الفاظی که موجب وهن عزاداری و توهین به مقام والای ائمه علیهم السلام می‌باشد، باید پرهیز نمود. بهتر است عزاداری‌ها به شیوه سنتی و روضه‌خوانی انجام شود.

س ۲۸۲) در آمریکا مثل سایر جهان، برای نوحه‌سرایی سرور شهیدان، حسین بن علی علیه السلام مجالسی برپاست که گاهی در آنها جوانان در معابر عمومی بدون پیراهن، سینه‌زنی و زنجیر زنی می‌کنند. آیا این فعل مجاز است؟

ج) برای مردان از جهت پوشش بدن و لباس، از جهت حکم شرعی آن، حدّی وجود ندارد و تنها پوشش عورت واجب است، لیکن از جهت حیای عمومی و عفت جامعه، پوشش بدن برای آنها هم

در حدّ حیا و عفت عمومی، لازم و بلکه واجب می‌باشد. برهنه کردن بدن در مراسم سینه‌زنی و عزاداری، که منجر به ضربه زدن به عفت عمومی نیست، منعی ندارد. آری، بعضی از فقها فرموده‌اند که اگر مرد سینه‌زن مطمئن باشد که زنان و نامحرمان به بدنش نگاه می‌اندازند، باز کردن سینه و عریان نمودن بدن از باب اعانت بر اثم (فراهم آوردن زمینه گناه) حرام است؛ لیکن به نظر این جانب اعانت صدق نمی‌کند، چون غرض از سینه زدن، اظهار مصیبت و عشق به اباعبدالله (علیه الصّلاة والسلام) است، نه همکاری با گناهکاران که روح بلند عزاداران حسینی از این گونه پلیدی‌ها پیراسته است. خدا ما را جزو دوستداران اباعبدالله الحسین علیه السلام و عزادارانش قرار دهد که با سوز و احساسات بر سر و سینه می‌کوبند و تنفّر خود از ظالمان و علاقه به مظلومان را نشان داده و به پندها و نصایح واعظان و مرشدان صالح، حسب سنت دیرینه عزاداری، توجه داشته‌اند.

#### عمل به مقررات دولت‌ها و حکومت‌ها

س ۲۸۳) آیا عمل به قانون‌های بین‌المللی که دولت‌های مختلف آن را امضا کرده‌اند، واجب و تکلیف‌آور است؟

ج) آری، واجب است. وجوب عمل به تعهدات، قطع نظر از وجوب حفظ نظم و انتظامات، خود به خود به عنوان حقّ انسانی، واجب است.

س ۲۸۴) تعهداتی که مسلمانان در زمینه مسایل اقتصادی، فرهنگی و

سیاسی از طرف حکومت یا اشخاص حقیقی و حقوقی با کشورهای غیراسلامی و یا افراد غیر مسلمان منعقد می‌نمایند، آیا شرعاً تعهد آور بوده و التزام به آن واجب است؟

(ج) آری، واجب است. وجوب عمل به تعهد، قطع نظر از وجوب حفظ نظم و ساماندهی، خود به خود به عنوان حق انسانی واجب می‌باشد. در احادیث به انسانی بودن این حق تصریح شده، در روایت آمده که «ثلاثة لا عذر لاحد فیها...»<sup>۱</sup>؛ سه حق غیر قابل بخشش است: نیکی به پدر و مادر، وفای به عهد و ادای امانت.

#### صله رحم

س ۲۸۵) آیا صله رحم واجب است و ترک آن حرام است، یا این که قطع آن حرام است؟

(ج) صله رحم که احسان و نیکی کردن و اظهار علاقه و دوستی نسبت به خویشان است، واجب نمی‌باشد، بلکه مستحب است، علاوه بر اجر آخروی، سبب طول عمر می‌شود؛ اما قطع رحم، یعنی دشمنی نمودن و بغض و کینه نسبت به خویشان، حرام و بعضی مراتبش از معاصی کبیره است.

#### رفتار تبعیض آمیز مادر

س ۲۸۶) مادرم با بنده بسیار بدرفتار است و همیشه امر می‌کند که باید هر چه برادر بزرگترم می‌گوید گوش کنم، هر چند حرف او غیر

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۳۲، باب أداء الأمانة، حدیث ۱.

منطقی باشد. در ضمن تفاوت زیادی از لحاظ عاطفی و محبت میان ما وجود دارد، به طوری که کارهای مادرم باعث شده دچار مشکلات روحی و روانی شوم، چه کار کنم؟

ج) پدر و مادر حق حیات بر انسان دارند. در قرآن کریم سفارش شده نسبت به آنها احترام و احسان کنید. قرآن راضی به اُف گفتن هم نسبت به آنها نشده است، بنابراین پدر و مادر هر چند با شما تندی کنند اما با آنها مهربانی کنید و بدانید خداوند پاداش نیکی‌های شما را نسبت به آنها خواهد داد. پدر و مادرها معمولاً خیر و صلاح فرزندان را در نظر دارند. شما هم بنا را بر همین امر قرار دهید تا از فشارهای روحی تان کاسته شود. نیکی به پدر و مادر و اطاعت آنها عبادت است.

### نگهداری از والدین

س ۲۸۷) فرزندان مادر پیری، نگهداری او را بین خود تقسیم کرده‌اند، ولی یکی از فرزندان، از نگهداری مادر خود ابا می‌کند و حتی او را می‌زند! تکلیف دیگر فرزندان چیست؟

ج) احترام به پدر و مادر از اموری است که بسیار مطلوب می‌باشد و خداوند در قرآن کریم پس از سفارش انسان‌ها به بندگی، احسان به پدر و مادر را سفارش کرده است. همچنین خدا کوچک‌ترین اهانت به آنها حتی به اندازه اُف گفتن را نهی نموده است. در هیچ حالی انسان نمی‌تواند احترام به پدر و مادر را ترک کند و به آنها اهانت نماید. کوتاهی یک فرزند، مجوزی برای کوتاهی

دیگر فرزندان نیست. نیکی و احسان به پدر و مادر نه تنها سبب ثواب و اجر در آخرت می‌شود، بلکه فوق العاده در رفاه و راحتی و آسایش زندگی دنیوی موثر است، چنان که بدی در حق آنها زندگی در دنیا را همراه با گرفتاری‌های اقتصادی و مشکلات زندگی می‌نماید. برای اطمینان زیادتر تأثیر خوبی و بدی به پدر و مادر در زندگی، می‌توان از افرادی که در این باره تجربه داشته‌اند استفاده نمود. باید به همه‌ی فرزندان و دوستان بگوییم: موفقیت‌های خود را مرهون نیکی به پدر و مادر می‌دانم. همه رفقا و دوستان این جانب بر این معنی اتفاق نظر دارند. نسبت به مادر، گرچه در دوران کودکی این جانب فوت کرد، اما آن قدر با زن پدر خود نیکی نمودم که ماندن نزد ما را بر ماندن نزد فرزندان ترجیح می‌داد.

### دستور شوهر یا پدر؟

س ۲۸۸) هنگام مخالفت بین امر پدر و شوهر، اطاعت از کدام یک بر زن

لازم است؟

ج) اولاً تعارضی به وجود نمی‌آید، چون آنچه نسبت به پدر است، و خوب ترک آزار و اذیت است. آنچه نسبت به شوهر است و خوب تمکین می‌باشد؛ بر فرض تزاحم، تمکین نسبت به شوهر مقدم است، چون اطاعت از والدین بر فرض و خوب، مختص به موردی است که مزاحم با حقوق دیگران نباشد. حقوق الناس بر حقوق الله، مقدم است.

### رابطه با خویشان غیرمسلمان

س ۲۸۹) آیا صلّه رحم با خویشاوندی که کافر یا مرتد محسوب می‌شود واجب است؟

ج) صلّه رحم با خویشاوندان و اظهار علاقه و دوستی نسبت به آنان مستحب و مطلوب است. علاوه بر اجر آخروی، سبب طول عمر می‌شود؛ اما انسان باید مواظب خود باشد تا تحت تأثیر قرار نگیرد.

### اذیت کردن حیوانات

س ۲۹۰) در آوردن کندوی عسل، به طوری که تمام عسل‌ها بیرون آورده شوند و هیچ مقداری از آن باقی نماند و بیشتر زنبورها بمیرند، چه حکمی دارد؟

ج) تغذیه حیواناتی که در اختیار انسان می‌باشند، واجب و تخلّف از آن حرام و معصیت است. چه نیکوست که علاوه بر عدل، انصاف نیز در باره آنها مراعات گردد.

س ۲۹۱) آزار و کشتن حیوانات غیرموذی، چه حکمی دارد؟

ج) اذیت کردن حیوانات، مطلقاً حرام است. در روایت آمده: زنی به جهنّم می‌رود، چون گربه‌ای را زندانی نمود. و او را با تشنگی و گرسنگی اذیت کرد تا مرد<sup>۱</sup>. کشتن حیوانات غیرموذی قطعاً مطلوب نیست؛ اما از حیث منع ظاهراً کراهت دارد. به هر حال، کشتن حیوانات غیرموذی، نامطلوب است.

۱. الجعفریات، ص ۱۴۲؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۶۸، حدیث ۱۶۶۶.

### کودک آزاری

- س ۲۹۲) ۱- با عنایت به این که درصد زیادی از موارد کودک آزاری در خانه اتفاق می افتد، آیا شرع، والدین را در انجام این عمل ضد انسانی، مخیر دانسته است؟
- ۲- کودک آزاری از سوی والدین، از نظر شرع مقدس جایز است یا حرام؟
- ۳- با توجه به عنایت ویژه حضرت امام (سلام الله علیه) در خصوص اجتهاد به روز، آیا امروز که کودک آزاری در حال تبدیل شدن به یک بحران در جامعه است، می توان راهکار یا حکم شرعی را برای رفع این مشکل به کار گرفت؟
- ۴- آیا تغییر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان - که تا حدی والدین را در تنبیه کودک مجاز دانسته است - اشکال شرعی دارد؟
- (ج) جواب علاوه بر روشن بودنش، از خود سؤال هم معلوم می باشد؛ چون هیچ شرع و قانونی، چه رسد به شرع مقدس اسلام، آزار انسان ها، چه رسد به کودکان مظلوم و بی پناه، آن هم در محیط در بسته ی خانه را اجازه نمی دهد. عقل و نقل و همه ی علما و فقها اجماعاً آن را حرام، معصیت، گناه، ظلم و ایذا می دانند. به حکم اطلاق ادله حرمت ظلم و اذیت؛ فرقی بین ایذای جسمی و روحی نمی باشد و هر دوی آنها حرام است. مرتکبش علاوه بر ضمان و لزوم جبران خسارت و ضرر وارده به کودک، همانند ضرر به دیگران، مستحق تعزیر می باشد. پس آزار کودکان توسط والدین، جایز نبوده و مخیر در آن نیستند. کودک آزاری توسط

آنها در شرع مقدّس، حرام و معصیت می‌باشد، بلکه عمده و غالب انواعش - اگر نگوییم همه - از معاصی کبیره است. از فقهی همانند امام امت (سلام الله علیه) راهکار جلوگیری از آن، مانند راهکارهای جلوگیری از ظلم به دیگران، پیش‌بینی شده، تشکیل محاکم، جلوگیری از ایذا و به فریاد چنان مظلومان بی‌پناه رسیدن، بر همگان، به خصوص دولتمردان و قانونگذاران واجب شرعی و عقلی است، بلکه بر آنها علاوه بر تکلیف، حق می‌باشد، چون هر مظلومی با یاری حکومت، حق رفع ظلم از خود را دارد. حکومت باید جلوی هر گونه ایذا و اذیت را گرفته و عدالت را اجرا کند.

حمایت، قاعدتاً حضانت و سرپرستی و تربیت کودک و حفظ بدن، روح و جان او می‌باشد، که بر پدر و مادر واجب است. در راستای ادب و تربیت کودکان توسط والدین، فقط زدن حداکثر پنج و یا شش ضربه، آن هم با انحصار راه تربیت به آن و در مسیر جلوگیری از فساد اخلاقی و ارتکاب کارهای ناشایست نیز، به شرط این که ضربه به طور سخت و موجب زخم شدن و یا تغییر رنگ پوست نباشد، اجازه داده شده، با آن که امروز، تربیت اولاد و رشد استعدادهای آنان، رشته بسیار بااهمیت و دارای متخصصان می‌باشد، نیاز به تنبیه بدنی - که معمولاً مانع تربیت و رشد استعدادها است - بسیار نادر است.

بر همه‌ی مراکز تبلیغی و فرهنگی است که راه‌های شایسته تربیت و ادب و فرهنگ را تبلیغ کنند، تا پدران و مادران مهربان و

همه‌ی مریبان، از آنها استفاده کنند و راه کودک آزاری مسدود گردد. همچنین باید همگان را به سیره رسول گرامی اسلام ﷺ در جلوگیری از تنبیه و تربیت و ادب هنگام غضب و خشم متوجه ساخت، تا ادب و تربیت همراه با عاطفه و حاکمیت علم و خرد انجام گیرد؛ چرا که خشم و غضب هنگام ادب و تربیت، همه‌ی جهات عقلانی، علمی و انسانی تربیت را زدوده، پرده و حجاب سخت و آهنینی روی همه‌ی آنها قرار می‌دهد.

### ترور

س ۲۹۳) حکم خود را در مورد ترور بفرمایید.

ج) در اسلام، ترور (فتک) حرام و ممنوع است. اسلام از ابتدا با ترور مخالف بوده، نمونه روشن آن را می‌توان در حرکت جناب مسلم بن عقیل رضی الله عنه فرستاده خاص حضرت اباعبدالله الحسین رضی الله عنه به کوفه یافت؛ آن جا که می‌توانست عبیدالله بن زیاد را در منزل شریک ابن اعرور، ترور کند، اما نکرد. وقتی «شریک» از ایشان سؤال کرد: چرا ابن زیاد را نکشتی؟ حضرت مسلم پاسخ داد: به دلیل حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که: «الإیمان قید الفتک»؛ مرد باایمان کسی را ترور نمی‌کند. جناب مسلم بن عقیل رضی الله عنه نخواست حتی برای پیروزی در مأموریت، یکی از احکام دین را نقض کند. و ترور را به طور کلی مردود می‌داند.

## توصیه به جوانان

س ۲۹۴) چند سالی از زمان به تکلیف رسیدنم می گذرد، و تا چندی پیش چندان به نماز پای بند نبودم؛ ولی با مشکلی که برایم پیش آمد و در کمال ناباوری حل شد تصمیم گرفتم که از این به بعد، دیگر خود را به راه‌های خلاف نکشانم. از شما می‌خواهم مرا راهنمایی کنید.

ج) بر شما و هر انسانی لازم است در جهت تقرب به خدا کوشش نماید. تقرب به ذات حق به چند چیز حاصل می‌شود:

۱. انسان گوهر نفیس ذات خود را بشناسد و بداند که برای خداپرستی خلق شده و بهای جان او بهشت است. سعی کند جان خویش را مثل یک گوهر گران‌بها حفظ کند و به چیزهای بی‌ارزش و شهوات نفروشد.

۲. واجبات را با حفظ شرایط انجام دهد و از محرّمات و معاصی دوری کند. انجام محرّمات، انسان را به نابودی می‌کشاند و از رحمت و بهشت خدا دور می‌کند.

۳. هر گاه حال و نشاط داشت، به انجام مستحبات اقدام نماید، به خصوص نماز شب.

۴. از ائمه معصومین علیهم‌السلام، با توسل به آنها کمک بگیرد. همین‌طور از بزرگان دین و افراد مؤمن اگر زنده هستند، با ارتباط و اگر زنده نیستند، با خواندن زندگینامه و سیره و روش عملی آنها جهت خودسازی استفاده نماید، امید است که به هدف مطلوب و مورد نظر خود برسد.

### حدّ عمل به احکام

س ۲۹۵) آیا برای عمل تعبدی به احکام، حد و مرزی قابل هستید؟

ج) تعبد، یعنی عمل به قانون. تمام جوامع بشری که به تمدن رسیده‌اند، اصل عمل به قانون را از اصولی‌ترین عوامل سعادت و ترقی جامعه می‌دانند؛ بنابراین، عمل به احکام اسلام، یعنی عمل به قانون و تعبد، پس همه‌ی احکام اسلام تعبدی است، یعنی قانونی است؛ مانند برخی قوانین حقوق - اجتماعی و مدنی (معاملات و قراردادها).

### تقوا

س ۲۹۶) گوهر ذات تقوا چیست؟ اگر بگوییم «تقوا» حرکت در چهارچوب دین اسلام است، پس مسیحیان چه می‌شوند؟ آیا آنها دارای کرامت نیستند؟ اگر تقوا را به عمل به بایدها و نبایدهای ادیان آسمانی بدانیم؛ پس کسانی که معتقد به این ادیان نیستند - مثل هندی که بودائی است، یا چینی که به آئین کنفوسیوس معتقد است - دارای کرامت نیستند؟

ج) گوهر و ذات تقوا، حرکت در چهارچوب معروف و منکر و حق و عدل و باطل و ظلم عقلایی است؛ یعنی اگر انسان از هر چه که وجدان انسانی‌اش و وجدان خردمندان، آن را باطل و ظلم، و مرتکبش را مستحقّ نکوهش می‌دانند، فاصله گرفت و به آن چه که آن را حق و عدل می‌دانند و فاعلش را مستحق ستایش و تمجید می‌شمارند، توجه کرد و عمل نمود، متقی است و این تقوا

انسان‌ساز است و عامل سعادت فرد و جامعه می‌باشد. آری، دامنه ظلم و عدل و امثال آنها در نظر خداپرستان به پیروی از وحی و گفته پیامبرانشان توسعه پیدا می‌کند، چون عقیده هر متفکر، فیلسوف و دانشمندی بر آن است که حرام‌های خداوند برای فرد و جامعه قطعاً ضرر و مفسده دارد و ارتکابش ظلم، و ترکش عدل است. همین معنا در واجبات به اعتبار منافع و مصالح، وجود دارد؛ یعنی ترک واجب، ظلم می‌باشد. آری، در مورد بقیه انسان‌ها که یکتا پرست نیستند و بی‌تقصیر می‌باشند، چون از مسایل توحیدی و دینی، غافلند و از نظر عقلی و قرآن و سنت، در ارتکاب آن چه که حرام است و ربطی به حقوق جامعه و مردم ندارد و در نظر آنها ظلم نمی‌باشد، گرچه مخالف با قوانین الهی است، اما موجب عذاب نبوده و عذاب کردن، خلاف عدل خدا است، زیرا بدون ابلاغ حجّت و دلیل و با غفلت نمی‌توان بازخواست نمود. مؤاخذه در حال غفلت و قصور، ظلم است و همین معنا نسبت به ترک واجبات هم ثابت است.

#### توصیه به دولت‌ها و ملت‌های مسلمان

س ۲۹۷) با توجه به موقعیت سیاسی و اجتماعی که خاورمیانه دارد چه

توصیه‌ای به دول و ملل اسلامی دارید؟

ج) مسلمانان - اعم از شیعه و سنی و بقیه فرقه‌های اسلامی - باید در

کنار هم و با وحدت و همدلی هرچه بیشتر، صفوف خود را

محکم‌تر نمایند. از هر گونه تفرقه و بدبینی و هر آنچه موجب

اختلاف و پراکندگی می‌شود دوری گزینند. با توجه به اتفاق نظر خود در زمینه‌های توحید و رسالت رسول اکرم ﷺ از هرگونه جدایی و دشمنی با همدیگر، به خصوص در این زمان پرهیز نمایند.

### گفت گوی تمدن‌ها

س ۲۹۸) قرن حاضر را قرن «گفت گوی تمدن‌ها» می‌نامند که ثمره آن،

صلح است. آیا تبلیغ و ترویج این گفتمان جایز است؟

ج) قطع نظر از محبوبیت عقلی و فطری صلح، نیز قطع نظر از آن که اسلام چون دین فطرت است، خواستار آن می‌باشد، همچنین قطع نظر از اخبار و آیاتی که به صلح و برخورد مسالمت آمیز با همه‌ی انسان‌ها دستور می‌دهد و همگان را به آن دعوت می‌نماید؛ رحمةً للعالمین بودن نبی گرامی اسلام ﷺ حسب نص قرآن، حجت و دلیلی روشن بر ترغیب به گفت گو است.

س ۲۹۹) گفتمان بین علما و تمدن‌ها و مبادلات فرهنگی که موجب رفع

کدورت بین‌المللی می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج) نه تنها جایز است، بلکه به حکم مطلوبیت جلب محبت و تألیف قلوب دیگران و متحد شدن انسان‌ها برای خدمت به همدیگر، مطلوب و نیکو می‌باشد و شیوه‌ای امر به معروف و فرمان به خوبی‌ها است؛ بلکه بعضی از مراحل رفع کدورت شرعاً و عقلاً واجب است.

س ۳۰۰) چنان چه گفت گوی آزاد تمدن‌ها موجب طرح و شناخت اسلام

در جوامع غیرمسلمان گردد، جایز است؟

(ج) نه تنها جایز است؛ بلکه واجب است. همه‌ی مسلمانان به حکم قطعی عقل و نقل، موظف به دعوت به اسلام و شناساندن آن به انسان‌ها - که دعوت به صلاح و خیر و فضیلت و آزادی از قید و بندهای جهل و بردگی و خمودی و همه‌ی ظلمت‌ها است - می‌باشند. روش مسلمانان در طول تاریخ همین بوده است.

#### همکاری با سازمان‌های جهانی

س ۳۰۱) همکاری سازمان‌های بین‌المللی غیرمسلمان که شعار و اهداف ما را قبول دارند، چه حکمی دارد؟

(ج) همکاری با همه‌ی انسان‌ها برای ترویج اخلاق و سیاست‌های اسلامی و یا پیشرفت در مسایل صنعتی و تولیدی و مسایل دینی و دنیایی، نه تنها جایز، بلکه به حکم تعاون بر برّ و تقوا (همکاری در زمینه‌های پسندیده و پارسایی) مطلوب و شایسته است.

#### تقریب مذاهب و گفت‌گوی تمدن‌ها

س ۳۰۲) باتوجه به ضرورت تقریب مذاهب و لزوم گفت‌وگوی ادیان مختلف در باره مشترکات، نظر جناب عالی درباره حضور علمای مسیحی و دیگر ادیان الهی در سمینارها و همایش‌های مربوط به حج و حتی حضور در کنگره عظیم حج برای تبادل آرا و نظرات و آشنایی نزدیک با آیین مسلمانان چیست؟

(ج) جواز آن واضح است و منشأ شبهه و اشکال معلوم نیست. چگونه

جایز نباشد با این که نصارای نجران در داستان مباحله، به مسجد النبی وارد شدند حتی مراسم دینی شان را حسب مرام خود انجام دادند؟ چگونه جایز نباشد با آن که لازمه گفت گو و دعوت به اسلام و صلح و جلوگیری از جنگ و فساد نیز، بهتر و نیکوتر نمودن استفاده از سفر حج، حضور انسان‌ها در سمینارها و همایش‌ها می‌باشد؟ با آن که دعوت‌های قرآنی و اسلامی، متوجه همه‌ی انسان‌ها است، چگونه می‌توان حضور یک عده از آنها را به خاطر عقایدشان ممنوع دانست، به خصوص دانشمندان؟! از همه گذشته، اسلامی که دین خرد و اندیشه است و اصل در آن بر جواز و حلیت همه‌ی امور است، مگر خلافش ثابت شود، چگونه می‌شود منع از حضور عده‌ای از انسان‌ها را در آن همایش‌ها به اسلام نورانی و عزیز نسبت داد؟!

### ملاک تفاوت زن و مرد

س ۳۰۳) خدا می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾<sup>۱</sup>، تفاوت‌ها در طبیعت و خلقت انسان‌ها به دلیل اعتلای کمال و شعور آدمی است. در مقابل این دیدگاه، استدلال دیگری وجود دارد که تفاوت در خلقت زن و مرد، موجب تفاوت در حقوق و استعدادهاست. برداشت حضرت عالی در این خصوص چیست؟

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳. «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید».

ج) دیدگاه وحی و قرآن - که با صراحت، زن و مرد را مساوی دانسته - بر نظریه اعتباری و غیراصولی و غیر برهانی دیگران مقدم است، بلکه اصولاً قرآن و وحی آن قدر در حدّ بالایی از تمامیت، درستی و مطابقت با واقع است که نباید با نظریه‌های دیگر مقایسه شود. اصل مقایسه، نادرست است؛ چه رسد به موردش.

### تبعیض یا تفاوت

س ۳۰۴) این که می‌گویند اگر تبعیض در حقوق برحسب تفاوت خلقت باشد - مثل آن چه در مورد زن و مرد است - و شهید مطهری به آن اشاره دارد که این تبعیض عین عدالت است، آیا تبعیض می‌تواند عادلانه باشد؟

ج) از فرمایش آن شهید بزرگوار عالی قدر اطلاع کامل ندارم؛ اما مسلم است که تبعیض در حقوق بین انسان‌ها با عدالت عادی - چه رسد به عدالت الاهی - منافات دارد و نمی‌تواند با هم سازگار باشد.

### سفارش‌هایی به جوانان

س ۳۰۵) توصیه‌های حضرت عالی برای ما جوانان که می‌خواهیم جزو یاران و سربازان امام زمان (عج) باشیم، چیست؟

ج) به انجام واجبات و ترک محرمات اهتمام ورزید که بهترین وسیله تقرّب به خداوند است.

### بارور کردن ابرها و باران مصنوعی

س ۳۰۶) با توجه به شرایط کنونی کشور و خسارات ناشی از کاهش نزولات جوی، آیا ایجاد باران مصنوعی از طریق غنی سازی ابرها شرعاً جایز است؟ این کار به یکی از دو روش زیر انجام می شود:

- ۱- استفاده از مواد و ترکیبات شیمیایی؛
- ۲- ایجاد الکتریسته ساکن برای تخلیه الکتریکی به شکل رعد و برق

ج) این عمل، به خودی خود شرعاً جایز است. اسلام نه تنها هیچ گاه جلوی پیشرفت علم، صنعت و آشنایی به رموز و اسرار نهفته در موجودات را نگرفته، بلکه به آن تشویق و ترغیب کرده، شاید پس از مسأله مبدأ و معاد، هیچ مسأله‌ای به اندازه علم مورد تأکید و بیان قرار نگرفته، قرآن برای آن، حدی نمی شناسد و می فرماید ﴿وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>. به هر حال، بر همگان است که هم به قوانین سعادت بخش اسلام و قرآن و سنت دانا باشند و هم آگاه به رموز جهان و قوانین تکوین آن، تا ایمانمان به مبدأ و مسبب الاسباب و آفریدگار همه‌ی قوانین عالم، زیادترو دانشمان به احکام نورانی اسلام کامل تر گردد. استفاده و ایجاد راه‌های ذکر شده در سوال - همانند استفاده از علوم دیگر در بعضی از موارد و با بعضی از شرایط - نه تنها جایز، بلکه واجب شرعی و الهی است. استفاده از علوم برای نیازهای جامعه و مردم؛ همانند اقتصاد، زراعت، صنعت، سیاست و غیر آنها با شرط نیاز جامعه و

۱. سوره یوسف، آیه ۷۶. «بالا تر از هر صاحب علمی، دانایی هست».

احتیاج به آن، واجب و در موارد غیر لازم، مستحب می‌باشد. به امید آنکه خداوند ما را قدردان و قدرشناس همه‌ی دانشمندان و دانش پژوهان خدمتگزاری که یتشان خیر است، قرار دهد و به شما توفیق خدمت بیشتر به همه‌ی ملل جهان را عنایت فرماید.

### روز طبیعت

س ۳۰۷) آیا روز سیزده فروردین که مردم در آن به عنوان روز طبیعت، برای تفریح به بیرون از محیط شهر می‌روند، اشکال دارد؟  
 (ج) تفاوتی بین ایام نمی‌باشد و همه‌ی آنها زمان‌هایی هستند که خداوند آفریده است. تفریح مشروع برای هیچ کس منعی ندارد.

### اعتنا به خواب دیدن

س ۳۰۸) برخی افراد، خواب‌هایی را نقل و به دنبال آن اهداف خاصی را نیز تعقیب می‌کنند. از نظر فقه نورانی اسلام، خواب دیدن، نقل خواب و انجام یا ترک بعضی از کارها به دلیل آن که در خواب چنین تکلیفی به او شده، معتبر است؟

(ج) خواب، حجت شرعی نمی‌باشد و مجوز انجام حرام و ترک واجب نیست، بلکه مجوز ترک مستحب یا انجام مکروه یا انتخاب یکی از دو طرف اعمال مباح، با استناد به آن و این که چون مقتضای خواب چنین بوده و باید به آن عمل نماییم، نمی‌باشد. اگر به عنوان حکم فقهی و دینی باشد، حرام، بدعت، افترا به خداوند و از معاصی کبیره است؛ ﴿قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ

تَفْتَرُونَ<sup>۱</sup>! اگر بر حسب خواست و میل شخص باشد، گرچه حرام نیست، اما علاوه بر این که سبب ترک مستحب و یا انجام مکروه شده، عادت کردن انسان به این گونه استنادهای پوچ، عقلاً ناپسند است. عاقل، مستحب و مکروه خدا را بر خواب و خیال ترجیح می‌دهد. عمل کردن به خواب‌ها موجب عدم شکوفایی استعدادها و اندیشه‌های خدادادی می‌شود که مذموم و کفران نعمت است.

### بلاهای طبیعی

س ۳۰۹) با عنایت به حادثه اخیر زلزله در شهرستان زرنند کرمان و وجود سؤالات متعدّد در خصوص زلزله در اذهان متدینان، پاسخ سؤالات ذیل را مرقوم فرمایید.

۱- در معتقدات شرعی ما، فلسفه وجودی حوادثی چون زلزله و سیل و... چیست؟

۲- اگرچه بر اساس بعضی تعابیر در آیات و روایات، از آنها به آزمایش الاهی نام برده می‌شود؛ اما میان مردم به عنوان بلا و عقوبت تعبیر می‌گردد و از حادثه دیدگان به عنوان کسانی نام برده می‌شود که مورد عذاب و عقوبت الاهی واقع شده‌اند. این تعابیر درست است؟

۳- بعضی از روحانیون معظّم - که جهت انجام مسایل شرعی

۱. سوره یونس، آیه ۵۹. «بگو: آیا خداوند به شما اجازه چنین کاری داده، یا بر خدا افترا می‌بندید.»

مربوط به حادثه دیدگان به مناطق زلزله زده سفر نموده اند - روایاتی را بیانگر این که نه تنها حادثه دیدگان مورد عقوبات الاهی واقع نشده اند، بلکه بر عکس، مقام شهید و شهادت را کسب کرده اند، برای مردم بازگو می کنند؛ آیا چنین روایاتی وجود دارد و موثّق است؟

ج) حوادث غیر مترقبه همچون زلزله، طوفان و غیر آنها، همانند بقیه امور و حوادث، تابع علل و اسباب می باشد که همه آفریده شده خداوند است. سنت الاهی بر جریان علل و اسباب و مسببات است؛ ﴿ولن تجد لسنة الله تبديلاً﴾<sup>۱</sup>. خدا آدمی را به گونه ای آفریده که با پیشرفتش در علم و دانش و پی بردن به علل و عوامل امور می تواند آنها را کاهش داده، بلکه ممکن است روزی بشر جلوی همه حوادث را با علل و عوامل پیشگیری کننده - که آنها نیز آفریده شده خدا می باشند - بگیرد. ظاهراً بلکه قطعاً در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام که علم و درک و عقل بشر کامل می گردد، چنین پیشگیری تحقّق پیدا خواهد نمود.

اما بلا و عقوبت بودن چنین حوادثی، قطعاً منفی است و ما نمی توانیم به اسلام عزیز نسبت بدیم مردمی که از خانه و زندگی ساقط شده، گناهکار بوده اند و خداوند آنها را عقوبت کرده؛ چون این افترا به اسلام است. این جور عقوبت ها نسبت به گناهکاران - که خارج از فرض در سؤال است - پس از بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تحقّق پیدا نخواهد کرد. چگونه می توان زلزله ها

۱. سوره احزاب، آیه ۶۲. «و هرگز در سنت خدا تغییر و دگرگونی نخواهی یافت».

را عقوبت نامید با این که در همان حال، مردم باید به خدا توجه نمایند و نماز آیات بخوانند؟! چگونه می توان آن را عقوبت نامید با این که نسبت به نظایر آنان مثل غریق یا کسی که خانه بر سرش خراب شده، حسب روایات اجر شهید را دارد؟ باید از این گونه سخنان نادرست نسبت به انسان های والای صدمه خورده و اذیت شده، دم فروبندیم و به فکر خدمت به آنها و درخواست صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند برای مصیبت دیدگان باشیم. این جانب از همه ی آنان که صدمه خورده و اذیت شده اند، درخواست دعای خیر دارم؛ چون این گونه افراد محروم، انسان های بزرگ و مؤمنی هستند که اکنون مضطرب شده اند. خدای بزرگ دعای مضطرب را - که در رأس آنها مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد - اجابت می نماید. در پایان از خداوند متعال برای از دست رفتگان این حادثه دردناک طلب مغفرت و آمرزش می نمایم.



---

## ملحقات

---

### دعای سفر

دین اسلام تمامی نیازهای بشر را که لازمهٔ به سعادت رسیدن اوست برایش به ارمغان آورده است و برای تمامی مراحل زندگی اش برنامه دارد. نه تنها واجبات و محرمات را برای انسان بیان کرده بلکه مستحبات و مکروهات را نیز تشریح نموده، تا راه رسیدن به کمال و سعادت هموار شود؛ مثلاً در باب آداب سفر، مسافر، مسافرت را با صدقه آغاز کند و وقتی آماده سفر شد غسل کند. پس از آن، دو رکعت نماز بگزارد و از خدا خیر را درخواست نماید و آیهٔ الکرسی بخواند و حمد و ثنای الهی به جا آورد و صلوات بر حضرت رسول ﷺ و آل او علیهم السلام بفرستد.

سپس این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَوِدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِيْ وَ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ وُلْدِيْ وَ مَنْ كَانَ مِنِّيْ بِسَبِيْلِ الشَّاهِدَةِ

---

بار خدایا به تو سپردم امروز خودم و خاندانم و داراییم و فرزندانم و هر کسی با من راهی دارد چه حاضر است

---

مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ، اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ وَاَحْفَظْ عَلَيْنَا، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَلَا  
 از آنها و چه غایب بارالها ما را نگهدار به نگهداری ایمان و حفظ کن بر ما بار خدایا قرار ده ما را در رحمتت و مگبر  
 تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ اِنَّا اِلَيْكَ رَاغِبُونَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْتَاءِ السَّفَرِ وَ كَابَةِ الْمُنْتَقَلِبِ وَ سُوءِ  
 فضلت را از ما زیرا که ما به سوی تو مشتاقیم بارخدایا ما به تو پناه می‌بریم از سختی سفر و نومید برگشتن و دیدار بدی  
 الْمُنْظَرِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوْجَّهُ اِلَيْكَ هَذَا التَّوْحُّهَ طَلِبًا  
 در اهل و مال و فرزند در دنیا و آخرت بار خدایا من رو می‌کنم به درگاه تو در این توجه که جویای  
 لِمَرْضَاتِكَ وَ تَقَرُّبًا اِلَيْكَ، [اَللّٰهُمَّ] قَبَّلْغِيْ مَا اُوْمَلُّهُ وَ اَرْجُوْهُ فَيْكَ وَ فِيْ اَوْلِيَائِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.  
 رضای توام و نزدیک شوم به سوی تو پس برسان مرا بدانچه آرزو دارم و امید دارم از تو و اولیایات ای مهربان‌ترین مهربان.

مسافر پس از این دعا تسبیحات حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را بخواند و  
 سوره حمد را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ بخواند،  
 همچنین آیه الکرسی را از سه جانب بخواند و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ وَجْهْتُ وَجْهِيْ وَ عَلَيْكَ خَلَّفْتُ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ مَا حَوَّلْتَنِيْ، وَ قَدْ وَتَّفْتُ بِكَ فَلَا  
 بارخدایا به درگاه تو روی آوردم و بر عهدی تو گذاشتم خاندان و داربیم را و آنچه به من دادی من به تو وثوق دارم مرا نومید مساز  
 تُحَيِّبِيْ يَا مَنْ لَا يُحَيِّبُ مَنْ اَرَادَهُ، وَلَا يُضِيْعُ مَنْ حَفِظَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
 ای که نومید نشود هر که او را قصد کند و گم نشود هر که او را حفظش کند بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد  
 وَ احْفَظْنِيْ فَيَمَا غَبْتُ عَنْهُ، وَلَا تَكَلْنِيْ اِلٰى نَفْسِيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.  
 و حفظ کن مرا در آنچه از آن غایبم و مرا به خودم وامگذار ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس مسافر سوره توحید را یازده مرتبه و سوره اَنَا اَنْزَلْنَاهُ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ و سوره ناس و سوره فلق را بخواند. نیز صدقه بدهد و سفر را آغاز کند.

### احکام نماز میت

نماز خواندن بر میت مسلمان، اگرچه بچه باشد واجب است، ولی باید  
 پدر و مادر کودک یا یکی از آنان، مسلمان باشد و شش سال بچه تمام شده  
 باشد.

## نماز میت

نماز میت پنج تکبیر (الله اکبر) دارد و اگر نمازگزار پنج تکبیر را به این ترتیب بگوید کافی است: پس از نیت و گفتن تکبیر (الله اکبر) اول بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

گواهم که معبود حقی جز خدا نیست و گواهم که محمد رسول خداست.

پس از تکبیر دوم بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدایا بر محمد و آل محمد رحمت فرست.

پس از تکبیر سوم بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خدایا مؤمنین و مؤمنات را ببامرز.

پس از تکبیر چهارم، اگر میت مرد است بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ

خدایا این مرده را ببامرز.

اگر زن است بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ

خدایا این مرده را ببامرز.

سپس تکبیر پنجم را بگوید. بهتر است بعد از تکبیر (الله اکبر) اول بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

گواهم که معبود حقی جز خدا نیست، یگانه است و شریک ندارد و گواهم که محمد بنده و رسول او است.

أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ

او را به درستی مژده بخش و بیم ده پیش از قیامت فرستاده.

پس از تکبیر دوم بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ

خدایا رحمت بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد رحم کن بر محمد و آل

مُحَمَّدَ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ وَآلِ إِبرَاهِيمَ إِنَّكَ حَيِيْدٌ مَجِيْدٌ  
محمد مانند بهترین صلوات و برکت و ترحمی که بر ابراهیم و آل ابراهیم کردی زیرا تو ستوده و بزرگواری  
وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيْعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ.

و رحمت فرست بر همه‌ی پیغمبران و رسولان.

پس از تکبیر سوم بگوید:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمُ وَالْاَمْوَاتِ تَسْبِيْحَ بَيْنِنَا  
خدایا بیامرز مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و المسلمات را از زنده و مرده‌ی آنها و پیوست کن میان ما  
وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اِنَّكَ مُجِيْبُ الدَّعْوَاتِ اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

و آنها به خیرات زیرا تو اجابت کن دعاها را و تو بر هر چیز توانایی.

پس از تکبیر چهارم، اگر میت مرد است بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهٖ  
خدایا به راستی این بنده‌ی تو زاده‌ی بنده‌ی تو و زاده‌ی کنیز توست نزد تو آمده و تو بهترین میزبانی  
اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِمَّا اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِيْ اِحْسَانِهٖ وَاِنْ كَانَ

خدایا ما جز خوبی از او نمی‌دانیم و تو داناتری بدو از ما خدایا اگر خوش رفتار است بیفزای در احسان او و اگر  
مُسِيْنًا فَتَجَاوَزْ عَنْهٖ وَاغْفِرْ لَهٗ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِيْ اَعْلَى عَلِيْيْنَ وَاخْلُفْ عَلَيْ اَهْلِهٖ فِي الْغَابِرِيْنَ  
بدرفتار است بگذر از او و بیامرز او را خدایا قرارش ده نزد خودت در اعلا علیین و خلف او باش بر خاندانش در آینده  
وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

و رحم کن به او به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

سپس تکبیر پنجم را بگوید.

اگر میت زن است، پس از تکبیر چهارم بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ اَمَتُكَ وَاَبْنَةُ عَبْدِكَ وَاَبْنَةُ اَمَتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهٖ  
خدایا به راستی این کنیز توست و دختر بنده‌ی توست و زاده‌ی کنیزت و مهمان تو شد و تو بهترین میزبانی  
اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِمَّا، اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِيْ اِحْسَانِهَا

خدایا ما نمی‌دانیم از او جز خوبی و تو داناتری به او از ما خدایا اگر خوش رفتار است به احسانش بیفزای  
وَاِنْ كَانَتْ مُسِيْنَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَاغْفِرْ لَهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِيْ اَعْلَى عَلِيْيْنَ وَاخْلُفْ عَلَيْ اَهْلِهَا  
و اگر بدرفتار است بگذر از او و بیامرز برای او خدایا قرارش ده نزد خود در اعلا علیین و جانشین او باش بر خاندانش

فِي الْغَابِرِينَ وَأَرْحَمَهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در آینده و رحمتش کن به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان عالم.

باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند، که نماز از ترتیب و پشت سر هم بودن خارج نشود.

کسی که نماز میت را به جماعت می خواند، باید تکبیرها و دعاها را آن را هم بخواند.

### تلقین میت

یکی از اعمال مستحبی که در باب احکام اموات بیان شده، تلقین میت است. هنگامی که میت را در لحد گذاشتند، گره های کفن را باز می کنند و صورت میت را روی خاک می گذارند و بالشی از خاک زیر سر او قرار می دهند، سپس دست راست را به شانه راست میت می زنند و دست چپ را به شانه چپ میت می زنند، بعد دهان را نزدیک گوش میت می برند و سه مرتبه می گویند:

إِسْمِعْ، اِفْهَمْ يَا فُلَانُ بْنَ فُلَانٍ

بشنو، بفهم ای فلان بن فلان

نام او و پدرش گفته می شود.

پس از آن می گویند:

هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

آیا بر آن پیمانی که از ما بر پایه آن جدا شدی می باشی، از گواهی بر اینکه معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است،

وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ، وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ،

و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش) بنده و فرستاده اوست، و سرور پیامبران و خاتم رسولان است.

وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَ إِمَامًا اقْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ أَنْ الْحَسَنَ

و اینکه علی امیر مؤمنان است و آقای جانشینان، و امامی که خدا اطاعتش را بر جهانیان واجب کرده، و اینکه حسن

وَالْحُسَيْنِ، وَ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،  
و حسین، و علی بن الحسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر،  
وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَالْقَائِمَ  
و علی بن موسی و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و قائم  
الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أئِمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،  
حجت مهدی(درودهای خدا بر ایشان) امامان مؤمنان، و حجت‌های خدا بر همه آفریدگاند،  
وَ ائِمَّتِكَ ائِمَّةً هُدَىٰ أُرَارًا، يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، إِذَا آتَاكَ الْمَلَكُ الْمُقْرَبَانِ، رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ  
و امامات امامان هدایت و نیکانند. ای فلان بن فلان، هنگامی که دو فرشته مقرب، و دو فرستاده خدای  
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، وَ سَأَلَاكَ عَنْ رُبِّكَ، وَ عَنْ نَبِيِّكَ، وَ عَنْ دِينِكَ، وَ عَنْ كِتَابِكَ، وَ عَنْ قَبِيلَتِكَ،  
تبارک و تعالی نزد تو آیند، از پروردگارت و پیامبرت و دینت و کتابت و قبیلهت  
وَ عَنْ ائِمَّتِكَ، فَلَا تَخَفْ وَ قُلْ فِي جَوَابِهِمَا: اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ  
و امامات از تو سؤال کنند نترس، و در جواب آنها بگو: خدا جلّ جلاله پروردگارم و محمد(درود خدا بر او و خاندانش)  
نَبِيِّ، وَ الْإِسْلَامُ دِينِي، وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي، وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتِي، وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ إِمَامِي،  
پیامبرم و اسلام دینم و قرآن کتابم و کعبه قبله‌ام و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب امامم،  
وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي، وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءَ إِمَامِي، وَ عَلِيُّ بْنُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ  
و حسن بن علی مجتبی امامم، و حسین بن علی شهید در کربلا امامم، و علی زین العابدین  
إِمَامِي، وَ مُحَمَّدٌ بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ إِمَامِي، وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي، وَ مُوسَى الْكَاطِمُ إِمَامِي،  
امامم، و محمد شکافنده دانش پیامبران امامم، و جعفر صادق امامم، و موسی کاظم امامم،  
وَ عَلِيُّ الرِّضَا إِمَامِي، وَ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي، وَ عَلِيُّ الْهَادِي إِمَامِي، وَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي،  
و علی الرضا امامم، و محمد جواد امامم، و علی هادی امامم، و حسن عسگری امامم،  
وَ الْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ إِمَامِي، هُوَ لِإِصْلَاحِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ائِمَّتِي، وَ سَادَتِي وَقَادَتِي وَ شَفَعَائِي،  
و حجت منتظر امامم می‌باشند. اینان که درودهای خدا بر همگی آنان باد امامان من و آقایانم و پیشروانم و شفیعان من هستند.  
بِهِمْ أَتَوَلَّى، وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرُّ فِي اللَّيْلِ وَالْأَخِيرَةِ، ثُمَّ اغْلَمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ  
با آنان دوستی می‌کنم و از دشمنان‌شان در دنیا و آخرت بیزاری می‌جویم، سپس بدان ای فلان بدرستی که خدای تبارک  
وَ تَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ، وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ،  
و تعالی نیکو پروردگاری است، و محمد (درود خدا بر او و خاندانش) نیکو رسولی است، و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب،

وَأَوْلَادَهُ الْأَيْمَةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الْأَيْمَةُ، وَ أَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَقٌّ،  
و فرزندانش یازده امام نیکو امامانی هستند، و آنچه را محمد(درود خدا بر او و خاندانش) آورده حق است،  
وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَسُؤَالَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَالتُّشُورَ حَقٌّ، وَالصِّرَاطَ حَقٌّ،  
و مرگ حق است، و سؤال منکر و منکر در قبر حق است، و رستاخیز و نشر حق، و صراط حق است،  
وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَ تَطَاثُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ، وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ النَّارَ حَقٌّ، وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا،  
و ترازوی اعمال و پراکنی نامه اعمال حق است، و بهشت و دوزخ حق است. و قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست،  
وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ.

و خدا هر که را در گورها برانگیزد.

آنگاه می گویند:

أَفَهَمْتَ يَا فُلَانُ؟

آیا فهمیدی ای فلان؟

در حدیث آمده: مَيِّتٌ فِي جَوَابِ مَنْ قَالَ: آرى فهميدم، سپس می گویند:  
بَيَّنَّاكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هَذَا اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ  
خدا بر گفتار ثابت، ثابت قدمت بخدا، به راه استوار هدایتت کند، بین تو و اولیائش  
فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ

در قرارگاهی از رحمتش آشنایی برقرار کند.

سپس می گویند:

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَن جَنَبِيهِ وَاصْعِدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَلَقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا اللَّهُمَّ عَفْوِكَ عَفْوِكَ

خدایا زمین را از دوپهلویش خالی گذار، و روانش را به سویت بالا ببر، و از جانب خود حجت رانلقین او فرما، خدایا بخشش و درگذر

مستحب است زمانی که از دفن میت فارغ شدند و مردم رفتند، ولی میت یا  
کسی که از طرف ولی میت اجازه دارد، دو کف دستش را روی قبر  
بگذارد و دهانش را نزدیک قبر ببرد و دوباره تلقین را بخواند.

نماز آیات

نماز آیات به واسطه چهار چیز واجب می شود:

۱. گرفتن خورشید؛

۲. گرفتن ماه، اگرچه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی از آن

نترسد؛

۳. زلزله، اگرچه کسی نترسد؛

۴. رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها، در صورتی که بیشتر

مردم بترسند، نیز بنا بر احتیاط واجب، باید برای حوادث وحشتناک زمینی مانند شکافتن و فرو رفتن زمین در صورتی که بیشتر مردم بترسند، نماز آیات بخوانند.

#### دستور نماز آیات

نماز آیات، دو رکعت است و هر رکعت، پنج رکوع دارد و دستور آن

چنین است:

پس از تیت نماز آیات، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام

بخواند و به رکوع رود.

سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند و به رکوع

رود. تا پنج مرتبه.

بعد از بلند شدن از رکوع پنجم، دو سجده نماید و برخیزد.

رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد. تنها تفاوت آن با رکعت

اول خواندن قنوت پیش از رکوع پنجم است و پس از رکوع پنجم، دو

سجده و تشهد بخواند و سلام دهد.

همچنین می تواند پس از تیت و تکبیر الاحرام، یک حمد بخواند و بعد

یک سوره را پنج قسمت نماید و پیش از هر رکوع، یک قسمت از آن را

بخواند. مثلاً:

بعد از خواندن حمد، تیت سوره توحید را بکند و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
بخواند و به رکوع برود.

سر بردارد و بگوید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و به رکوع برود.

سپس سر از رکوع بردارد و بگوید: «اللَّهُ الصَّمَدُ» و رکوع را تکرار نماید.

پس از سر برداشتن از رکوع، بگوید: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» و به رکوع برود.

بعد از سر برداشتن از رکوع، بگوید: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و به رکوع

برود.

دو سجده را به جا آورده، سپس برخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت

اول به جا آورد. البته در رکعت دوم پیش از رکوع پنجم قنوت خوانده  
می شود.

سپس دو سجده و بعد از آن تشهد و سلام می دهد.

نماز آیات را می توان به جماعت خواند.

### زیارت امین الله

جابر از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند: پدرم علی بن الحسین علیه السلام بعد از  
شهادت پدرش، به خاطر ناخشنودی که از مردم پیدا کرد، چندسالی را دور  
از مردم زندگی نمود. اگرچه هر چند مدت به قصد زیارت پدر و جدش  
به سوی عراق حرکت می کرد. روزی به قصد زیارت امیر مؤمنان علیه السلام  
حرکت کرد، من نیز همراه او بودم و هیچ جنبنده ای غیر از دو شتر [که بر  
آنها سوار بودیم] با ما نبود، وقتی به نجف رسیدیم، در مکان خاصی توقف  
نمود و به حدی گریست که محاسن شریفش با اشک چشمانش خیس شد

و فرمود: السلام عليك يا أمير المؤمنين ... سپس تا انتهای این زیارت را خواندند.<sup>۱</sup>

علامه مجلسی این حدیث را از حیث سند از صحیح ترین زیارات می داند و مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان آن را در نهایت اعتبار معرفی می کند.

زیارت این است:

أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

سلام بر تو ای امانتدار خدا در زمین او و حجتش بر بندگان او سلام بر تو ای امیرمؤمنان گواهی دهم که

جاهدنت فی الله حقّ جهاده، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

در راه خدا جهاد کردی چنانکه باید و رفتار کردی به کتاب خدا و پیروی کردی از سنتهای پیامبرش صلی الله علیه و آله

حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جَوَارِهِ، فَقبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلَزَمَ أَعْدَانِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنْ

تا اینکه خداوند دعوت می کندتورا به جوار خویش دعوت فرمود وپه اختیار خودش جانترا قبض نمود ملزم کرددشمنانت را به حجت

الْحُجْحِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ،

وبرهان با حجت های رسای دیگری که با تو بود بر تمامی خلق خود خدایا قرارداده نفس مرا آرام به تقدیر تو خوشنود به قضایت

مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ، وَدُعَائِكَ، وَمُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مُحِبُّوَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ

و حریص به ذکر و دعایت و دوستدار برگزیدگان دوستان محبوب تو در زمین و آسمانت، شکیبا در مورد نزول

بِلَابَتِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَائِعِ آثَامِكَ، مُشْتَاكِرَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً اتَّقْوَى

بلایت و سپاسگزار در برابر نعمت های فزونت، متذکر عطایای فراوانت، مشتاق به شادگشتن دیدارت، و مرا به تهیة زاد تقوا برای روز جزا

لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِاخْتِلَاقِ أَعْدَائِكَ، مُشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحِمْدِكَ وَتَنَائِكَ،

برای روز پاداشت. پیروی کننده روشهای دوستانت، دوری گزیننده اخلاق دشمنانت، سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت.

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْتَبِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْبَةَ، وَسُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةً، وَأَعْلَامَ الْفَاصِدِينَ إِلَيْكَ

خدایا براستی دلهای فروتنان درگاهت بسوی توحیران است و راههای مشتاقان به جانب تو باز است و نشانه های قاصدان کویت

وَاصِحَّةً، وَأَفِيدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةً، وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً، وَأَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ

آشکار و نمایان است و قلبهای عارفان از تو ترسان است و صداهای خوانندگان به طرف تو بلندشده و درهای اجابت برویشان

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۶۶ و ۲۶۷، ح ۹.

مُفْتَحَةً، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ  
 باز است و دعای آنکس که با تو راز گوید مستجاب است و توبه آنکس که به درگاه تو بازگردد پذیرفته است و اشک دیده آنکس  
 خَوْفِكَ مَرْحُومَةً، وَالْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً، وَالْإِعَانَةَ لِمَنْ  
 که ازخوف تو گرید موردرحم و مهر است و فریادرسی برای کسی که به تو پناه آورد آماده است و کمک کایت برای آنکس  
 اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُورَةً، وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةً، وَزَكَلَّ مِنْ اسْتِقَالَكَ مُقَالََةً،  
 که از تو کمک خواهد رایگان است و وعده هایی که به بندگانت دادی وفایش حتمی است و لغزش کسی که از تو بپوشش طلب کند  
 وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً، وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً،  
 بخشوده است و کارهای آنان که برای تو کارکنند در نزد تو محفوظ است و روزی هایی که به آفریدگانت دهی از نزدت ریزان است و  
 وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً، وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً،  
 و بهره های بیشتری هم بسویشان می رسد و گناه آموزش خواهان از تو آمرزیده است و حاجت های آفریدگانت نزد تو روا شده است  
 وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوقَّرَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً،  
 و جایزه های سائلان در پیش تو شایان و وافر است و بهره های فزون بیایی است و خوانهای احسان تو برای طعام خواهان آماده است  
 وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُتَرَعَّةً، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبَلْ ثَنَائِي، وَأَجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي،  
 و حوضهای آب برای تشنگان لبریز است خدا یا پس دعایم را مستجاب کن و ببذر مدح و ثنایم را و گردآور میان من و دوستانم  
 بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ،  
 به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که براستی تویی صاحب نعمت هایم و منتهای آرزویم و سرحد نهایی امیدم  
 وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَتَوَايَ، أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، إِعْفُ رَأْسِي لِأَوْلِيَائِنَا، وَكَفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا،  
 و بازگشتگاه و اقامتگاهم، تویی معبود و آقا و مولای من بیمارز دوستان ما را و بازدار از ما دشمنانمان را  
 وَاشْعَلْهُمْ عَنِّ أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَذْخِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى،  
 و سرگرمشان کن از آزار ما و آشکار کن گفتار حق را و آنرا برتر قرار ده و از میان ببر گفتار باطل را و آنرا پست گردان  
 إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

که براستی تو بر هر چیزی توانایی.

### آداب عقیقه

تربیت فرزند صالح و رساندن او به سعادت و کمال مطلوب، از نظر اسلام اهمیت ویژه ای دارد. در دین مبین اسلام دستورات خاصی برای

تربیت فرزند وجود دارد که برخی از دستورات به پیش از تولد کودک برمی گردد و برخی از هنگام تولد شروع می شود، از جمله می توان به حقوق فرزندان بر والدین نام برد، که اذان و اقامه گفتن در گوش فرزندان، گذاشتن نام نیک بر آنان، مراقبت از کود کان و فراهم کردن اسباب و زمینه های فراگیری آموزش است.

یکی از اموری که در اسلام به آن سفارش شده و مستحب مؤکد است، عقیده (قربانی کردن گوسفند) برای فرزند می باشد.

علامه مجلسی در حلیة المتقین فرمود: «بدان که عقیده فرزند مستحب مؤکد است برای کسی که قادر بر آن باشد، و بعضی از علما واجب می دانند، و بهتر است روز هفتم واقع شود، و اگر تا بلوغ طفل تأخیر کند، بر پدر مستحب است، و پس از بلوغ تا آخر عمر بر خودش مستحب است.

در احادیث معتبر بسیاری وارد شده: عقیده بر کسی که دارای فرزند شود واجب است. در احادیث بسیاری نقل شده: هر فرزندی در گرو عقیده است، یعنی اگر انجام نگیرد، در معرض مردن و انواع بلاهاست. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: عقیده بر کسی که توانگر باشد لازم است، و کسی که تهی دست است، پس از توانگری انجام دهد. اگر هم توانگر نشد، بر او تکلیفی نیست. اگر برای او عقیده نکنند، تا زمانی برای او قربانی کنند، قربانی از عقیده کفایت می کند. در حدیث دیگری نقل شده از آن حضرت پرسیدند: ما برای عقیده دنبال گوسفند رفتیم ولی نیافتیم، چه می فرمایید، قیمتش را تصدق کنیم؟ فرمود: طلب کنید تا بیابید. خدا خوراندن طعام و ریختن خون را دوست دارد.

در حدیث دیگری آمده: پرسیدند: آیا فرزندی که در روز هفتم بمیرد،

می‌باید عقیقه‌اش کرد؟ فرمود: اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد، و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه کنند. در حدیث معتبری از عمر بن یزید نقل شده: خدمت آن حضرت عرض کرد: نمی‌دانم پدرم برای من عقیقه کرده یا نه؟ فرمود: عقیقه کن. پس او در پیروی عقیقه کرد. در حدیث حَسَن [= نیکو] از آن حضرت نقل شده: فرزند را در روز هفتم ولادت، نام می‌گذارند و عقیقه می‌کنند، و سر می‌تراشند، و موی سرش را با نقره وزن می‌کنند، و آن نقره را تصدّق می‌دهند، و پای و ران عقیقه را برای قابله‌ای که در زایمان زن کمک کرده می‌فرستند. و باقی را به مردم اطعام می‌کنند و تصدّق می‌دهند. در حدیث موثّق دیگری فرمود: هرگاه پسری یا دختری برای تو متولد شود، در روز هفتم گوسفندی یا شتری عقیقه می‌کنی، و او را نامگذاری کن، و سرش را در روز هفتم تراش، و به سنگینی موی سرش طلا یا نقره تصدّق بده.

در حدیث دیگری وارد شده: ربع گوسفند را به قابله می‌دهد، و اگر بی‌قابله زایمان کرده، آن را به مادر می‌دهد، که به هر که خواست ببخشد، و دست کم به ده مسلمان بخوراند، و هر چه زیادت باشد بهتر است، و خود از گوشت عقیقه نخورد، و اگر قابله زنی یهودی باشد، قیمت ربع گوشت گوسفند را به او بدهد.

در روایت دیگری وارد شده: به قابله ثلث گوسفند را می‌دهند، و مشهور میان علما آن است که باید عقیقه شتر یا گوسفند یا بز باشد. از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز ولادت در گوش حسنین علیهما السلام اذان گفتند و حضرت فاطمه علیها السلام روز هفتم برای آنان عقیقه کرد، و پای

گوسفند را با یک اشرفی به قابله دادند.

عقیقه اگر شتر باشد باید پنج ساله یا در شش یا بیشتر باشد، و اگر بز باشد، یک سال یا در دو یا بیشتر، و اگر گوسفند باشد، دست کم شش ماهه یا در هفت ماه باشد، و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است، و باید بیضه اش را نکشیده باشند، نیز بهتر آن است که آن را نکوییده باشند، و باید مغز شاخش شکسته، و گوشش نبریده، و زیاد لاغر، و کور و بسیار لنگ که راه رفتن برایش دشوار باشد، نباشد.

اما در حدیث معتبری از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: عقیقه از باب قربانی نیست. هر گوسفندی که باشد خوب است. هدف گوشت است. هر چه فربه تر باشد بهتر است.

و مشهور میان علما آن است که مستحب است عقیقه پسر، نر باشد، و عقیقه دختر ماده، و گمان فقیر [= علامه مجلسی] این است که برای هر دو - موافق [و بنا بر نقل] بسیاری از احادیث معتبر - گوسفند نر بهتر است و برای هر دو، گوسفند ماده هم خوب است. مستحب است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آن است از طعامی که در آن پخته باشند نیز نخورند، و خوردن مادر کراهتش بیشتر است. و بهتر این است که عیال [= اعضای خانواده] پدر و مادر هم که در خانه ایشان می باشند، از آن گوشت طعام نخورند، و مستحب است بپزند، و خام تصدق نکنند، و کمترینش آن است که با آب نمک بپزند، بلکه احتمال دارد این گونه پختن بهتر باشد، و اگر خام هم تصدق کنند خوب است، و اگر حیوان عقیقه پیدا نشود، تصدق قیمتش فایده ای ندارد، بلکه باید صبر کنند تا پیدا شود، و شرط نیست جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می شوند، فقیر باشند، اما خوراندن به

صالحان و فقرا بهتر است»<sup>۱</sup>.

مرحوم علامه مجلسی در ادامه دعایی را برای عقیقه نقل کرده: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا را بخوان:

يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ، إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ،  
 أَيُّ قَوْمٍ أَتَجِدُ شِرْكَاءَ شَرِيكِ خَدَايَا قَوْمٍ مِي بِيْزَارِم، مَن رَوِيْم رَا بَه جَانِب كَسِي مَتَوَجِه نَمُوْدَم كَه اَسْمَانِهَا وَ زَمِيْن رَا اَقْرِيْد  
 حَتِيْفًا مُسْلِمًا وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ، اِنْ صَلَوْتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ  
 بَاخْلُوْص وَ اَزْسَر تَسْلِيْم، وَ مَن اَز شَرْك وَرْزَان نِيْسْتَم. بَه دَرَسْتِي كَه نَمَازَم وَ عِبَادَتَم وَ زَنْدَگِيَام وَ مَرْگَم بَرَاي خَدَايَسْت.  
 رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، لَا شَرِيْكَ لَهٗ، وَ بِذَلِكَ اُمِرْتُ، وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ مَنِّكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ،  
 پَرُوْرْدگَار جِهَانِيَان، شَرِيْكي نَدَارِد. بَه اِيْن حَقِيْقَت اَمْر شُدَم وَ مَن اَز مُسْلِمَانَتَم، خَدَايَا اَز تُو وَ بَرَاي تُو، بَه نَام تُو وَ بَه تُو،  
 وَ اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ

و خدا بزرگ تر است، خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و از فلان فرزند فلان بپذیر.

و نام فرزند را بگویند و سپس ذبح کند.

### حدیث کساء

حدیث کساء میان شیعه و اهل سنت مشهور و معروف است. تردیدی نیست که رسول الله صلی الله علیه و آله در منزل حضرت زهرا علیها السلام یا در خانه خودشان زیر پارچه‌ای شبیه عبا قرار گرفتند؛ حضرت علی و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را زیر آن جای دادند و از آنان به عظمت یاد کردند و آن جمع را مصداق آیه شریفه تطهیر ﴿ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾<sup>۲</sup> دانستند.

آنچه به عنوان حدیث کساء نقل می‌شود، برابر روایتی خواندن آن به

۱. حلیة المتقین: ۸۶ - ۸۹.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳. «همانا خداوند می‌خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند».

گونه ذیل دارای پاداش و آثار فراوانی است. هر چند از نظر سند حدیث بین حدیث پژوهان و علما اختلاف نظر وجود دارد؛ اما از آن رو که محتوای حدیث مشکلی ندارد و بعضی از علما به قرائت آن اهمیت می‌دادند و با توجه به «أخبار من بلغ» می‌توان آن را به قصد رجاء و به امید برآورده شدن حاجات خواند. حدیث مطابق نقل چنین است:

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أُنْهَى عَنْ فَاطِمَةَ زَهْرَا سلام الله عليها دختر رسول خدا صلى الله عليه و آله، جابر گوید: شنیدم از فاطمه زهراکه قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ، فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ، فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ، فرمود: وارد شد بر من پدرم رسول خدا در بعضی از روزها و فرمود: سلام بر تو ای فاطمه، در پاسخش گفتم: بر تو باد سلام قَالَ إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا، فَقُلْتُ لَهُ أَعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضَّعْفِ، فَقَالَ فرمود: من در بدنم سستی و ضعفی حس می‌کنم، گفتم: پناه می‌دهم تو را به خدا ای پدرجان از سستی و ضعف فرمود: يَا فَاطِمَةُ أَيْتَنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَعَطَّيْنِي بِهِ، فَأَتَيْتُهُ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَعَطَّيْتُهُ بِهِ، ای فاطمه بیاور برایم کساء یمانی را و مرا بدان ببوشان. من کساء یمانی را برایش آوردم و او را بدان پوشاندم وَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَإِذَا وَجَّهْتُ يَتَأَلَّوْا، كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ، فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً، و هم چنان بدو می‌نگریستم و در آن حال چهره اش همانند ماه شب چهارده می‌درخشید، پس ساعتی نگذشت وَإِذَا بَوْلْدِي الْحَسَنَ قَدْ أَقْبَلَ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمًّا، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي که دیدم فرزندم حسن وارد شد و گفت: سلام بر تو ای مادر، گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیده ام وَتَمْرَةَ فُؤَادِي، فَقَالَ يَا أُمًّا، إِنِّي أَشْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةَ طَيِّبَةٍ، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، و میوه دل، گفت: مادرجان! نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم، گویا بوی جدم رسول خدا است، گفتم: آری إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، همانا جد تو در زیر کساء است، پس حسن به‌طرف کساء رفت و گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار، ای رسول خدا

أَتَاذُنُ لِي أَنْ أُدْخَلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي، وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي،

آیا به من اذن می دهی که با تو در زیر کساء وارد شوم؟ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حوض من،

قَدْ أُذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلَدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ،

اذنت دادم، پس حسن با آن جناب به زیر کساء رفت. ساعتی نگذشت که فرزندم حسین وارد شد

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَامَةَ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي، وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي، وَتَمَرَةَ فُؤَادِي، فَقَالَ لِي يَا أُمَامَةَ،

و گفت: سلام بر تو ای مادر، گفتم: بر تو باد سلام ای فرزند من و ای نور دیده ام و میوه دلم، فرمود: مادر جان

إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةَ طَيِّبَةٍ كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ،

نزد تو بوی خوشی استشمام می کنم، گویا بوی جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است، گفتم آری

إِنَّ جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَذَنَّبِي الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ،

همانا جد تو و برادرت در زیر کساء هستند. حسین نزدیک کساء رفته گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ، أَتَاذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ

سلام بر تو ای کسی که خدا را برگزید، آیا به من اذن می دهی که با شما در زیر کساء داخل شوم، فرمود: و بر تو باد سلام

يَا وَلَدِي، وَيَا شَافِعَ أُمِّي، قَدْ أُذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ

ای فرزندم و ای شفاعت کننده امتم به تو اذن دادم پس او نیز با آن دو در زیر کساء وارد شد در این هنگام ابوالحسن

عَلَيْ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ،

علی بن ابیطالب وارد شد و فرمود: سلام بر تو ای دختر رسول خدا، گفتم: و بر تو باد سلام ای ابا الحسن

و يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ يَا فَاطِمَةَ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةَ طَيِّبَةٍ، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمَّتِي

و ای امیر مؤمنان، فرمود: ای فاطمه، بوی خوشی نزد تو استشمام می کنم، گویا بوی برادرم و پسر عمویم

رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ، هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ

رسول خدا است؟ گفتم: آری این او است که با دو فرزندت در زیر کساء هستند، پس علی نیز به طرف کساء رفت و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَاذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ، يَا أَحْيَى،

سلام بر تو ای رسول خدا آیا اذن می دهی که من نیز باشم در زیر کساء باشم رسول خدا به او فرمود: و بر تو باد سلام ای برادر من

يَا وَصِييَ، وَخَلِيفَتِي، وَصَاحِبِ لُبِّ آتِي، قَدْ أُذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ عَلِيٌّ تَحْتَ الْكِسَاءِ، ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ

و ای وصی و خلیفه و پرچمدارم، به تو اذن دادم، پس علی نیز وارد در زیر کساء شد، در این هنگام من نیز به طرف کساء رفتم

وَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَاذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، قَالَ

و عرض کردم: سلام بر تو ای پدرجان ای رسول خدا، آیا به من هم اذن می دهی که با شما در زیر کساء باشم؟ فرمود:

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي، وَيَا بَضْعَتِي، قَدْ آذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا

و بر تو باد سلام ای دخترم و ای پاره تنم به تو هم اذن دادم، پس من نیز به زیر کساء رفتم، و چون همگی جمع شدیم

تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ، وَأَوْمَى بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ، وَقَالَ اللَّهُمَّ

زیر کساء، پدرم رسول خدا دو طرف کساء را گرفت و با دست راست به سوی آسمان اشاره کرد و عرض کرد خدایا

إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي، وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤَلِّمُنِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ،

اینانند خاندان من و خواص و نزدیکانم گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است، می آزرده مرا هر چه ایشان را بیازارد

وَيَخْرُئُنِي مَا يَخْرُئُهُمْ، أَنَا حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَسَلْمٌ لِمَنْ سَأَلَهُمْ،

و غمگین می کند مرا هر چه ایشان را غمگین می کند. در جنگم با هر که با ایشان بجنگد و صلحم با هر که با ایشان صلح است

وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ،

و دشمنم با دشمنانشان و دوست دارم دوستانشان را. اینان ازمنند و من ازایشانم. پس بفرست درودهایت و برکت‌هایت

وَ رَحْمَتِكَ وَ غُفْرَانِكَ وَ رِضْوَانِكَ، عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ، وَ أَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا،

و مهرت و آمرزشت و خوشنودیت را بر من و بر ایشان و از ایشان پلیدی را دور کن و پاکیزه شان کن بخوبی

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَأْتِكُنِي، وَيَا سَكَّانَ سَمَوَاتِي، إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً،

پس خدای عزوجل فرمود: ای پرستگاران من و ای ساکنان آسمانهایم، برآستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و زمین گسترده

وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا، وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً، وَلَا فَلَكَأَ يَدُورُ، وَلَا بَحْرًا يَجْرِي، وَلَا فَلَكَأَ يَسْرَى، إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ

و ماه تابان و مهر درخشان و فلک چرخان و دریای روان و کشتی در جریان را مگر به خاطر دوستی

هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ، الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ، يَا رَبِّ، وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ،

این پنج تن، اینان که در زیر کساینند، پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا در زیر کساء چه کسانی هستند؟

فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ، هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ، هُمُ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا، وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا،

خدای عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و معدن رسالتند: آنان فاطمه است و پدرش و شوهر و دو فرزندش.

فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ، أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا، فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ

جبرئیل عرض کرد: پروردگارا آیا به من هم اذن می دهی که به زمین فرود آیم تا ششمین آنها باشم. خدا فرمود: آری

قَدْ آذِنْتُ لَكَ، فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ

به تو اذن دادم، پس جبرئیل امین به زمین آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا. (پروردگار) علی اعلی سلامت می‌رساند

وَيُخْصَلُكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ، وَيَقُولُ لَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً

و تو را به تحیت و اکرام مخصوص داشته می‌فرماید: به‌عزت و جلالم سوگند که من نیافریدم آسمان بناشده و زمین گسترده

وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا، وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً، وَلَا فَلَكًا يَدُورُ، وَلَا بَحْرًا يَجْرِي، وَلَا فُلْكَأَ يَسْرِي، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ  
و ماه تابان و مهر درخشان و فلک چرخان و دریای روان و کشتی در جریان را مگر برای خاطر شما  
و مَحَبَّتِكُمْ، وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَذْخُلَ مَعَكُمْ، فَهَلْ تَأْذِنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ  
و محبت شما و به من نیز اذن داده است که با شما در زیر کساء باشم. آیا اذن می‌دهی؟ رسول خدا(ص) فرمود:  
وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيَّ اللَّهُ، إِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ،  
و بر تو باد سلام ای امین و حی خدا. آری به تو هم اذن دادم. پس جبرئیل با ما وارد در زیر کساء شد  
فَقَالَ لِأَيِّ إِنْ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ، يَقُولُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ  
و به پدرم گفت: همانا خداوند اوحی کرده و می‌فرماید: حقیقت این است که خدا می‌خواهد پلیدی را از شما خاندان ببرد  
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَقَالَ عَلِيُّ لِأَيِّ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا لِيُجْلِسُنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنْ  
و پاکیزه کند شما را پاکیزگی کامل علی علیه السلام به پدرم گفت: ای رسول خدا به من بگو این جلوس ما در زیر کساء  
الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَأَصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ  
چه فضیلتی نزد خدا دارد؟ پیغمبر(ص) فرمود: سوگند بدان خدائی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و به رسالت  
نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَيْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ  
و نجات دادن (خلق) برگزیده که ذکر نشود این خبر (سوگندشست) ما در انجمن و محفلی از محافل مردم زمین که در آن گروهی  
شَيْعَتِنَا وَمُحِبِّينَا، إِلَّا وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَحَقَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَأَسْتَعْفَرَتْ لَهُمْ  
از شیعیان و دوستان ما باشند جز آنکه برایشان رحمت نازل شود و فرشتگان ایشان را فرا گیرند و برای آنها آمرزش خواهند  
إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا، فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا، وَفَارَزَ شَيْعَتَنَا وَرَبَّ الْكَعْبَةِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًّا،  
تا متفرق شوند، علی فرمود: بخدا سوگند رستگار شدیم و سوگند به پروردگار کعبه که شیعیان ما نیز رستگار شدند، دوباره پیغمبر فرمود:  
يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَأَصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَيْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ  
ای علی سوگند بدانکه مرا بحق به نبوت برانگیخت و به رسالت و منجی بشریت برگزیده ذکر نشود این خبر ما در انجمن و محفلی از  
مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَمُحِبِّينَا، وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ،  
محافل اهل زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند و در بین آنها اندوهناکی باشد جز آنکه خدا اندوهش را بزدايد  
وَلَا مَهْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ، فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا  
و اگر غمناکی باشد، خدا غمش را بگشاید و اگر حاجتخواهی باشد، خدا حاجتش را برآورد، علی گفت: بدین ترتیب  
وَاللَّهِ فُرْنَا وَسَعِدْنَا، وَكَذَلِكَ شَيْعَتُنَا فَارُوا وَسَعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبَّ الْكَعْبَةِ.  
بخدا سوگند ما کامیاب و سعادت مند شدیم و هم چنین به پروردگار کعبه سوگند شیعیان ما در دنیا و آخرت رستگار و سعادت مند شدند.



## واژه‌نامه

شرح	واژه
آب جوشیده از زمین و درحال جریان - مثل آب چشمه و قنات. آب کمتر از آب گُر که از زمین نجوشد.	آب جاری آب قلیل آب گُر
مقدار معینی از آب مطلق که از جهت مساحت، اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن، هر یک، سه وجب و نیم باشد (که جمعاً ۴۲ وجب و هفت هشتم وجب است) بریزند، آن ظرف را پر کند؛ اما از جهت وزن، از ۱۲۸ مَن تبریز، بیست مثقال کم است و به حسب کیلوی متعارف، بنا بر اقرب، «۳۷۷/۴۱۹» کیلوگرم می‌شود.	
آبی است که از چیزی گرفته شده باشد مانند آب انگور و گلاب، و یا با چیزی مخلوط شده باشد، مثل شربت و آب گِل آلود.	آب مضاف

واژه	شرح
آب مطلق	به آن آب خالص نیز می‌گویند و آبی است که از چیزی گرفته نشده باشد و یا با چیز دیگری مخلوط نیست که به آن آب نگویند و دارای پنج قسم است: آب گُر، آب قلیل، آب جاری، آب باران و آب چاه.
آلات	ابزارها، ادوات، اسباب، افزارها.
آب	پدر.
اباحه	مباح و جایز بودن (اباحه آب یعنی غصبی نبودن آن).
ابراء ذمه	یعنی انسان عمل را طوری انجام دهد که یقین کند تکلیف را انجام داده و از وی رفع تکلیف شده است.
ابن	پسر.
ابهام	پوشیده گذاشتن، مجهول و بی‌قید گذاشتن، پوشیده گفتن.
اتهام	افتراء، تهمت نهادن بر کسی، بد نام شدن.
اجاره	قراردادی است که طی آن منافع مال یا کار یک طرف در قبال اجرت و مدت معین به طرف دیگر واگذار می‌شود.
اجتهاد	کوشش کردن، استنباط احکام شرعی اسلام از روی ادله شرعی.
اجنبی	مرد بیگانه، نامحرم.
اجنبیه	زن بیگانه از زنهای نامحرم.
اجیر	کسی که طبق قرار مشخص، در برابر کاری که می‌کند مزد دریافت می‌کند.
احتیاط	پیش‌بینی و مآل‌اندیشی و انتخاب روشی که موجب اطمینان انسان در رسیدن به واقع است.
احتیاط مستحب	احتیاطی که غیر فتوای فقیه است و عمل به آن مطلوب می‌باشد ولی لازم نیست.
احتیاط واجب	احتیاطی است که مجتهد وجوب رعایت آن را از آیات و روایات استفاده نماید، و مقلد در عمل، مثل احتیاط لازم که توضیح داده شد، می‌تواند عمل نماید.

واژه	شرح
احوط	مطابق با احتیاط، و مراد این است که عمل کردن به آن اطمینان به برائت ذمه حاصل می کند.
اخذ	گرفتن، به دست آوردن.
ازاله عین نجاست	برطرف کردن عین نجاست.
اسپرم (Sperm)	نطفه مرد، منی.
استحاضه	نام یکی از سه خونی است که زنها می بینند که اگر کم باشد، «قلیله» و اگر زیاد باشد، «کثیره» و اگر نه کم و نه زیاد باشد، «متوسطه» است که هر یک، احکام مخصوصی دارد.
استحاله	دگرگون شدن، پذیرش حالت جدید به طوری که چیز دیگری غیر از حالت اول شود مانند چوب که بسوزد و خاکستر شود، یا سگی که در نمکزار فرو رود و به نمک تبدیل شود.
استمتاع	درخواست عمل مقاربت جنسی مرد از زن، لذت بردن.
استمنا	انسان با خود کاری کند که منی از او خارج شود، جلق زدن.
اضطرار	ناچاری، درماندگی.
أظهر	روشن تر، آشکارتر از نظر تطبیق با ادله فتوا.
إعادة	دوباره آوردن، دوباره گفتن، بازگردانیدن چیزی را به جای خود.
إعراض	روی گردانیدن، و اعراض از وطن یعنی تصمیم انسان بر اینکه برای همیشه وطنش را ترک کند.
افطار	شکستن روزه، موقع شکستن روزه.
افطار عمدی	یعنی انسان عمداً روزه اش را باطل کند.
اقوی این است	فتوا این است، نظر قوی بر این است و باید عمل شود.
امتزاج	مخلوط و آمیخته شدن.
امساک	خودداری کردن از خوردن غذا و چیزهایی که موجب بطلان روزه می شود، باز ایستادن، خود را بازداشتن از...

واژه	شرح
امور حسیبیه	کارهایی از جمله رسیدگی به اموال یتیمان و... که به تصدّی مجتهد عادل و یا نماینده او صورت می‌گیرد.
انتفاع	سود بردن، سود گرفتن، نفع بردن، نفع کردن.
اولیا	سرپرستان، نزدیکان.
اهل کتاب	غیرمسلمانی که خود را پیرو یکی از پیامبران صاحب کتاب می‌داند، مانند یهودی و مسیحی.
اهمّ	مهم‌تر، امری که اهمّیت بیشتری داشته باشد.
ایدز	یک نوع بیماری ویروسی خطرناک که عمدتاً از طریق خون و مقاربت جنسی قابل سرایت است و باعث تضعیف سیستم ایمنی بدن می‌گردد.
ایذا	آزردن، آزار دادن، اذیت کردن، رنج دادن.
بالغ، بالغه	فردی که به سنّ بلوغ رسیده باشد.
بدعت	وارد نمودن چیزی که جزء دین نیست در دین به عنوان حکم شرعی.
برّ	نیکی، احسان.
بریء الذّمّه	رفع تکلیف.
بعید نیست	فتوا این است (مگر قرینه‌ای بر خلاف آن در کلام باشد).
بلاواسطه	بدون واسطه.
بلوغ	ظاهر شدن یکی از علایم سه‌گانه در انسان که موجب بالغ شدن است؛ رسیدن به سنّ تکلیف.
بیماری ژنتیک	بیماری‌ای که از طریق توارث به افراد منتقل شود.
پدر و مادر رضاعی	اگر زنی بچه‌ای را با شرایطی شیر دهد، زن «مادر رضاعی» او می‌شود و به شوهر زن که شیر، مال اوست «پدر رضاعی» گویند.
تالاسمی	نوعی بیماری خونی که نتیجه آن کم خونی است که در طفولیت آغاز شده و تا پایان عمر به طول می‌انجامد.

واژه	شرح
تبعیت	پیروی و اطاعت کردن، پاک شدن چیز نجس به تبع پاک شدن چیز نجس دیگر، مانند پاک شدن ظرفی.
تحفظ	حفظ نمودن.
تدلیس	فریبکاری کردن، فریب دادن، پنهان کردن عیب چیزی.
تذکیه	حیوانی که با رعایت موازین شرع کشته شده باشد.
ترتّب آثار	حمل کردن و نسبت دادن آثار و نشانه‌ها.
تسمیه	نام نهادن، نامیدن، و در رساله به معنای جاری کردن نام خدا بر زبان است.
تشریح	قطعه قطعه کردن، جدا کردن اجزای بدن مرده برای تحقیق و غیره، کالبد شکافی.
تصدی	عهده دار شدن کاری، مبادرت به امری کردن.
تطهیر	پاک کردن، پاکیزه ساختن، شستن.
تعبدی	عباداتی که دلیل آن برای مکلف معلوم نیست و آن را باید قربةً الی الله انجام دهد.
تعقیب	از پی چیزی رفتن، دنبال گیری، پیگیری دعاها و اذکار وارده را که پس از نماز می خوانند «تعقیب» گویند.
تقلید	پیروی کردن، عمل به فتوای مجتهد.
تقیّه	خودداری، پرهیزگاری، خودداری از اظهار عقیده و مذهب خویش و عمل به عقیده مخالف اگر لازم باشد، در مواردی که ضرر مالی یا جانی یا عرفی متوجه شخص باشد.
تلقیح	باروری مصنوعی، وارد کردن نطفه مرد در رحم زن با وسیله‌ای مانند سرنگ.
تمکّن	توانایی و قدرت، توانا شدن.
ثلاثه	سه گانه.
جاهل	نادان.

واژه	شرح
جاهلِ قاصر	جاهلی که در جهلش مقصر نیست، یعنی در وضعی است که امکان دسترس به حکم خدا برای او وجود ندارد و یا اصلاً خود را جاهل نمی‌داند.
جایز	روا، مباح.
جَبیره	چیزی که با آن زخم و شکستگی را می‌بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند.
جرح، جروح	زخم، زخمها.
جنابت	حالتی که بر اثر محتمل شدن یا مقاربت بر انسان عارض می‌شود که در این صورت باید غسل جنابت انجام دهد.
جُنُب	کسی که با دیگری همبستر شده (جماع و دخول کرده) و یا منی از او خارج شده است.
جهنده	جستن، پرش کننده.
حائض	زنی که در عادت ماهیانه است.
حرام	ممنوع، هر عملی که از نظر شرعی نباید انجام داد.
حَرَج	مَشَقَّت، سختی.
حضانة	سرپرستی و نگهداری.
حقّ الله	حقّی که مربوط به خداوند است (تکالیف شرعی لازمی که حقّ مردم در آن دخالتی ندارد و مربوط به خداوند است).
حیض	قاعدگی، عادت ماهیانه زنان که نشانه‌های مخصوصی دارد.
خالی از اشکال است	اشکال ندارد.
خالی از وجه نیست	فتوا این است (مگر اینکه در ضمن کلام قرینه‌ای بر غیر این معنا باشد).
خروار	یک خروار ۱۰۰ من تبریز، ۳۰۰ کیلو است.
خمر	شراب، عَرَق.
خمس	یک پنجم، بیست درصد درآمد سالیانه و غیره که باید به مجتهد جامع‌الشرایط پرداخت شود.

واژه	شرح
خون جهنده	وقتی رگ حیوانی را بپزند، و خون از آن جستن کند، می گویند که این حیوان «خون جهنده» دارد.
خون قروح و جروح	خونریزی ای که به سبب دُمَل‌ها یا زخم‌های چرکین به وجود می آید.
دفاع	دور کردن، پس زدن، دشمن را دفع کردن، در برابر دشمن ایستادگی نمودن.
دمل	زخمی که روی پوست بدن پدیدار شود و از آن خونابه و چرک بیاید.
دیه	خون‌بها، پولی که قاتل یا اقوام او برای جبران قتل قطعی که واقع شده بپردازند.
ذبح	سر بریدن.
ذبح شرعی	کشتن حیواناتی که شرعاً قابلیت ذبح شدن را دارند با رعایت ضوابط شرعی.
ذبیحه	حیوان حلال گوشتی که با رعایت دستورات شرعی، کشته شده باشد.
ذمه	عهد، پیمان، نتیجه‌ای که از تعهد حاصل می شود.
ذهاب حمره‌ی مشرقیه	برطرف شدن سرخی طرف مشرق آسمان هنگام غروب آفتاب.
رافع حرمت	بردارنده و رفع کننده حرمت، حرام نبودن.
ربا	سود یا زیادی که قرض دهنده از قرض گیرنده می ستاند.
ربیبه	فرزند زن از شوهر قبلی. دخترخوانده.
رجم	قرابت، خویشاوندی.
رضاع	شیر خوردن، شیر دادن زن به بچه.
رضاعی	خویشاوندی و نسبی که در اثر شیر دادن با شرایط خاص به وجود می آید.

واژه	شرح
ریبه	تردید، شبهه، بدگمانی، نظر با قصد ریبه، یعنی نگاهی که در آن، شبهه شهوت باشد.
زکات	رشد، پاکی از چرک و کثافت، مقدار معینی از اموال خاص (موارد نه گانه) که به شرط رسیدن به حد نصاب باید در موارد مشخص مصرف شود.
زناشویی	همسر گرفتن، ازدواج.
ساتر	پوشاننده، آنچه عورت شخص را بپوشاند.
سزارین (Caesarean)	زایمان غیرطبیعی، عمل جراحی روی زنان حامله هنگام وضع حمل، برای بیرون آوردن طفل از شکم.
سقط	افتادن یا خارج کردن جنین پیش از رشد کامل در رحم.
سلطه	قدرت، قوت، ملک، پادشاهی.
سلطه افراد بر خودشان	اصلی است فقهی که فقها بر مبنای روایت «الناس مسلطون علی أموالهم و أنفسهم؛ مردم بر جان و مال خویش مسلط‌اند»، به آن تمسک می‌نمایند.
شارع	قانونگذار، آورنده دین، بنیانگذار شریعت، خدا، پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> .
شبهه	پوشیدگی امری، اشتباه، مشابهت. وطی به شبهه یعنی مردی که به اشتباه با زن بیگانه‌ای به غیر از همسر خود به خیال اینکه همسرش می‌باشد، آمیزش کند. فرزندی را که از آنها متولد می‌شود «ولد شبهه» می‌گویند.
شرعی	موافق دین، مطابق احکام شرع و دین.
شهادتین	دو صیغه «اشهدا ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله» که با گفتن این دو صیغه شخص در زمره مسلمانان در می‌آید و از حقوق اسلام بهره‌مند می‌گردد.
صیغه	کلمه یا کلماتی که وقت معامله و ازدواج و یا طلاق و غیر اینها برای ایجاد عقد می‌گویند.

واژه	شرح
ضامن	کسی که عهده‌دار غرامت و یا مالی شود و با عهده‌دار گردد که مدیون یا گناهکار را در وقت نیاز به قاضی و حاکم تحویل دهد.
ضرر معتنابه	ضرری که قابل اعتناست، ضرر بسیار و قابل توجه.
ضرورت	نیاز، حاجت، ناچاری، ناگزیری.
ضروریات اسلام	آنچه بدون تردید جزء دین است و همه مسلمان‌ها آن را می‌دانند که جزء دین است مثل نماز و روزه.
طلاق خُلَع	طلاق گرفتن زن ناراضی از شوهرش با بخشیدن مهر خود یا با دادن مال دیگر علاوه بر مهر.
طلاق رجعی	طلاق که مرد در عده طلاق می‌تواند به زن مطلقه‌اش رجوع کند و پس از رجوع زن او می‌شود و نیاز به عقد جدید ندارد.
طلاق مبارات	طلاق که از طرف مرد واقع می‌شود در نتیجه تنفر مرد و زن از یکدیگر با دادن مقداری مال (کمتر از مهر) از طرف زن به شوهر.
طهارت	پاک شدن، اعم از پاکی ظاهر و باطن که حالتی است معنوی که در نتیجه اطاعت از فرامین الهی حاصل می‌شود.
طهورین	دو پاک کننده که مراد «آب و خاک» است که وضو و تیمم با آنها صحیح است و با شرایطی پاک کننده نجاسات هم هستند.
ظاهراً جایز است	فتوا این است.
ظنّ	گمان، غلبه و افزون بودن یکی از دو طرف احتمال برطرف دیگر.
ظهر شرعی	وقت اذان ظهر که سایه شاخص محو می‌شود یا به کمترین حدّ آن می‌رسد. ساعت آن نسبت به فصول مختلف و افق‌های گوناگون متفاوت است.
عادت	خُلُق، خوی، متداول، طبق عادت، قاعدگی زن (حیض).
عادت زنانه	قاعدگی، حیض، پریود.

واژه	شرح
عادت ماهیانه	قاعدگی و خون دیدن زن در هر ماه به مدت معین.
عادل	شخصی که دارای ملکه عدالت است و از گناهان پرهیز می‌نماید.
عاصی	گناهکار، نافرمان.
عامل	کارکن و کسی که متصدی کارهای دیگری (امور مالی و غیره) شود مانند کسی که مأمور جمع‌آوری و حسابرسی و سایر امور مربوط به زکات و مالیات است، و یا متصدی تجارت در مضاربه شود.
عامّه	عموم مردم.
عده	مدتی که زن پس از طلاق یا فوت همسر نباید شوهر کند.
عِرْض	آبرو.
عرفاً	آنچه مطابق فرهنگ عموم است.
عرق جَنَب از حرام	عرقی که بعد از آمیزش غیر شرعی (با غیر همسر یا در وقت حرمت نزدیکی) یا پس از استمنای بدن آمیزش کننده خارج می‌شود.
عَسْر و حَرَج	سختی و مشقت فراوان.
عَفْت	پاکدامنی، پارسایی، خودداری از محرمات خصوصاً از شهوات حرام.
عقد دایم	عقد ازدواجی که به منظور زندگی همیشگی بسته شده است.
عقیم	کسی که نطفه‌اش برای فرزندار شدن، بارور نمی‌گردد.
علی الأقرب	فتوا این است (مگر آن که در ضمن فتوا قرینه‌ای بر خلاف وجود داشته باشد).
علی الاقوی	یعنی نظر قوی، این است؛ فتوای صریح مجتهد است که باید طبق آن عمل شود.

واژه	شرح
عمره	یکی از اعمال حج، زیارت خانه خدا، اعمال مخصوص کعبه که تا حدودی شبیه حج است و با شرایط آن بر هر مکلفی یک بار در تمام عمر واجب می‌شود و آن بر دو قسم است «عمره تمتع» که پیش از حج تمتع انجام می‌گیرد و «عمره مفرده» که پس از حج قران و افراد و یا بدون حج انجام می‌گیرد. مخرج بول و غائط (جلو و عقب).
عورتین	پیمان، تعهد انسان در برابر خداوند با صیغه مخصوص برای انجام کار پسندیده یا ترک کار ناپسند.
عین	ذات هر چیز، نفس شیء.
غائط	مدفوع انسان.
غُساله	آبی که معمولاً پس از شستشوی چیزی خود به خود یا با فشار از آن می‌ریزد.
غسل ترتیبی	به تیت غسل، اول سر و گردن و سپس بقیه بدن را شستن.
غسل جبیره	غسلی که با وجود جبیره بر اعضای بدن انجام می‌گیرد و الزاماً باید به صورت غسل ترتیبی باشد.
غسل مس میت	غسلی که به واسطه دست زدن به بدن مرده سرد شده پیش از غسل دادن میت، بر انسان واجب می‌شود.
غصب	چیزی را به ستم گرفتن، تصرف در مال یا حق دیگری از روی دشمنی و ظلم و جور.
غنا	آواز خوانی، آواز خوش همراه با طرب.
غیر بالغ	کسی که به حد بلوغ نرسیده باشد.
غیر مدخوله	زنی که عمل مقاربت جنسی با وی را انجام نداده باشند.
فاقد الطهورین	کسی که هم از غسل و وضو، و هم از تیمم معذور باشد.
فتوا	رای فقیه و مجتهد در حکم شرعی فرعی.
فجر	سفیدی آخر شب، سپیده صبح.
فرادا	نمازی که فرد خودش می‌خواند و با جماعت نیست.

واژه	شرح
فرایض	فریضه‌ها، واجبات.
فرسخ	فرسنگ، واحد مسافت، که در اصطلاح فقها از پنج کیلومتر و نیم مقداری بیشتر می‌باشد، معادل «۵۶۲۵ متر».
فرض	تعیین کردن، مقدار را مشخص کردن، واجب گردانیدن.
فضله	باقی مانده چیزی، بازمانده، سرگین، غائط، مدفوع پرندگان و حشرات.
فقیر	تهیدست، محتاج، کسی که مخارج خود و خانواده‌اش را ندارد و دارایی هم ندارد که به طور روزانه بتواند هزینه زندگی‌اش را تأمین کند.
فلس ماهی	هر یک از پولکهای پوست ماهی.
فی حدّ نفسه	به تنهایی، بدون توجه به مسائل دیگر، بدون در نظر گرفتن امور دیگر.
قاصر	کوتاهی کننده، نارسا.
قاعده جبران خسارت	قاعده‌ای فقهی که به آن تمسک می‌شود و اینکه هر کس ضرری به دیگری وارد کند، باید خسارت وارده را جبران کند.
قاعده نفی حرّج	قاعده‌ای فقهی است که فقها به آن تمسک می‌نمایند و موارد آن در جایی است که اگر عملی رنج و مشقت بسیار داشته باشد، به استناد آن قاعده، رفع تکلیف می‌شود.
قروح	زخمها، جراحتها، آبله، دمل و جوشهای چرکین.
قصاص	کیفر، نوعی از مجازات است که مشابه با جنایت انجام شده است، مثل اینکه اگر شخصی کسی را عمداً بکشد، او را خواهند کشت.
قصد قربت	تصمیم برای نزدیک شدن به مقام رضا و قرب الهی.
قصر	کوتاه بودن، نماز قصر، نماز کوتاه و شکسته که در سفر می‌خوانند، یعنی دو رکعت از نمازهای چهار رکعتی را کم می‌کنند و دو رکعتی می‌خوانند.

واژه	شرح
قصور	کو تاهی.
قضا کردن	به جا آوردن اعمالی که در وقت معین خود، انجام نشده است.
قیام	ایستادن.
قیّم	سرپرست، متولّی وقف، آن که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع، عهده دار سرپرستی کودک یتیم یا وقف و غیر آنها می باشد.
کافر	کسی که پیرو دین حق نباشد، کسی که منکر وجود خداست یا شریک برای او قرار دهد و یا نبوت پیامبر ﷺ را قبول ندارد. کسی که منکر حکم ضروری دین بشود، به طوری که انکارش به انکار خدا و رسول برگردد.
کافر حربی	کافری که با مسلمانان در حال جنگ است.
کافر معاندِ دینی	کافری که کفرش از روی انکار (لجبازی) باشد، در حالی که حقایق اسلام را می داند.
کثیرالسفر	کسی که بسیار سفر می رود.
کراهت	ناپسند، آنچه انجام دادن آن حرام نیست، ولی ترک آن بهتر است.
کفّاره	هر چیزی که بدان گناه را پاک گردانند مانند صدقه و روزه. عملی که انسان باید برای جبران گناهش انجام دهد.
لا بدیّت	ناچاری، اضطرار.
لازم	واجب؛ اگر مجتهد، دلیل الزامی بودن امری را از آیات و روایات استفاده کند، به طوری که بتواند آن را به شارع نسبت دهد، تعبیر به واجب می کند. اگر الزامی بودن آن را از جای دیگر، نظیر ادله عقلی استفاده کند، به طوری که استناد آن به شارع میسر نباشد، تعبیر به لازم می نماید. همین تفاوت در احتیاط لازم و احتیاط واجب هست؛ اما در مقام عمل برای مکلف، هیچ تفاوتی بین وجوب و لزوم نیست.

واژه	شرح
مَثُونه	مخارج، هزینه زندگی.
مازاد بر مَثُونه	آنچه زیادتراً از هزینه و مخارج زندگی است.
مباح	امری است که انجام و ترک آن مساوی باشد، مقابل مستحب و مکروه و واجب و حرام.
مبارات	بیزار گردیدن از هم. طلاق مرد و زنی را که از هم بیزارند با شرایط خاصّ «طلاق مبارات» گویند و توافق کرده‌اند که زن تمام مهر را یا بخشی از آن را به شوهر ببخشد تا او را طلاق دهد. شوهر هم از آنچه قبلاً به زن داده صرف نظر نماید.
مُثْرء ذَمّه	رفع کننده و بردارنده تکلیف.
مُبطِل	باطل کننده، و در عبادات هر عملی که شرعاً آنها را باطل کند.
مبّنی	بنا نهاده شده، بنا شده، اساس، اصول و قواعدی که مورد قبول فقیه در استنباط احکام شرعی فرعی است.
متعدّی	سرایت کننده، نجاست متعدّی، یعنی نجاستی که به دیگر جاها سرایت می‌کند.
متعلّق خمس	آنچه پرداخت خمسش واجب است.
مُتعه	صیغه؛ زنی که به مدت معینی او را عقد نمایند.
مجتهد	در لغت به معنای کوشاست. اصطلاحاً به کسی گفته می‌شود که در فهم احکام الهی دارای قدرت علمی مناسب، جهت استنباط احکام اسلام از روی دلائل شرعی باشد.
مُجْزئ	کافی، ساقط کننده تکلیف.
مجهول المالک	مالی که صاحبش معلوم نیست.
محارب	کسی که در حال جنگ (با مسلمانان) باشد و یا برای گرفتن مال و یا ترساندن آنها، سلاح به دست گیرد.
محتلم	خواب بیننده، کسی که در خواب منی از او خارج گردد.

شرح	واژه
خویشاوندان نزدیک، کسانی که به خاطر نسب (خویشاوندی) یا رضاع (شیر خوردن) یا ازدواج، ازدواج با آنها حرام ابدی می شود مانند خواهر، مادر، دختر، دخترِ دختر، جد، عمو، عمه، خاله، دایی، نبیره، فرزندان زن از شوهر قبلی (ربیبه)، مادرزن و مادر او، دختر و خواهر رضاعی، زن پدر، زن پسر؛ البته زن و شوهر را هم محرم می گویند، یعنی نگاه و لمس تمام اعضای بدنشان جایز است.	مَحْرَم
جمع مُحْرَم. هر عملی که حرام است. اشکال دارد، صحت و تمامیت آن مشکل است. مقلد در این گونه موارد می تواند به مجتهد دیگری مراجعه نماید.	مَحْرَمَات
مالی که خمس (یک پنجم) آن پرداخت شده است.	محل اشکال
زنی که با او عمل مقاربت جنسی انجام گرفته باشد.	مخمس
خواهان، ادعا کننده، خواهان حقی بودن.	مدخوله
کسی که قبلاً مسلمان بوده و از اسلام برگشته است.	مدعی
حیوان مرده ای که خود به خود مرده باشد.	مرتد
پسندیده، نیکو، گفتار یا کرداری که گفتن و انجام آن ثواب اخروی دارد و ترکش مانعی ندارد.	مردار
دست کشیدن، لمس کردن.	مستحب
دست کشیدن بر چیزی؛ دست کشیدن بر فرق سر و روی پاها با رطوبت باقی مانده از شستشوی صورت و دستها در وضو.	مسّ
سرایت کننده، مثل نجاستی که از چیزی به چیز دیگر منتقل شود، یا مرضی که از کسی به شخص دیگر سرایت نماید.	مسح
رفع کننده تکلیف؛ برطرف کننده تکلیف.	مُسْرِي
چیزی که مست کننده است.	مُسْقَط تَكْلِيف
دست زدن به بدن مرده، که پیش از غسل و پس از سرد شدن بدن او موجب غسل مسّ میّت است.	مُسْكِر
	مسّ میّت

واژه	شرح
مشهور	شناخته شده نزد اکثر مردم، یا نظر و گفتاری که اکثر فقها آن را قبول دارند.
مضاف	اضافه شده، زیاد شده، «آب مضاف» آبی است که آن را از چیز دیگر مثل هندوانه و... بگیرند و یا با چیز دیگر مخلوط شود که دیگر به آن آب گفته نشود.
مضطرّ	ناچار، ناگزیر.
مطلقه	زن طلاق داده شده.
مظالم	ستمهایی که بر کس یا کسانی وارد شده، اموالی که به مجتهد جامع الشرائط بابت طلبی که طلبکار آن معلوم نیست می‌دهند.
معارضه	تعارض داشتن.
معاش	زندگانی‌ها، آنچه به وسیله آن زندگی کنند از خوراک و پوشاک و غیره، کارمزد.
معاشرت	گفت و شنود کردن با هم، دوستی و رابطه داشتن.
معتدّ به	معتنابه، آنچه بشود به آن اعتنا و اعتماد نمود، مهم.
معتنابه	قابل اعتنا، قابل اهمیت، مورد توجه.
معقوده	عقد شده.
مقلّد	مکلفی که باید از مجتهد جامع الشرائط تقلید نماید؛ تقلید کننده.
مکروه	ناپسند، یکی از احکام پنجگانه تکلیفی است و آن امری است که انجامش حرام نیست اما ترکش بهتر است؛ و در چیزهایی که بدل دارد موجب کم شدن ثواب عمل می‌شود مثل نماز در حمام.
مکلف	به زحمت و مشقّت افتاده، کودکی که به سنّ بلوغ رسیده و شرعاً وظیفه پیدا می‌کند که اوامر الهی را عمل کند و نواهی او را ترک نماید.
ملاعبه	بازی کردن با هم، شوخی کردن مرد با زن.

شرح	واژه
بچه‌ای که به سن تکلیف نرسیده باشد، اما خوب و بد را تشخیص دهد.	ممیز
مُردار.	میتنه
گشودن قبر مرده و آشکار شدن او.	نبش قبر
آنچه به خودی خود ناپاک است.	نجس العین
نافرمانی و عدم عمل هر یک از زن و مرد به وظایفی که شرعاً نسبت به یکدیگر دارند.	نشوز
خونی که پس از زایمان از رحم زن خارج می‌شود.	نفاس
حکمی که فقها در احکام به آن تمسک می‌کنند و به معنای آن است که اسلام، حکمی را که برای انسان مشقت و حرج داشته باشد، وضع ننموده است.	نفی حرج
نمازی که در مواقع مخصوص، مثل وقوع زلزله، سیل، کسوف، خسوف و... واجب می‌شود که دو رکعت است.	نماز آیات
نمازهای واجب که در وقت معین خود خوانده می‌شود و در صورت انجام ندادن در آن وقت، قضا می‌شود.	نماز ادا
نماز قصر، نمازهای چهار رکعتی که در سفر باید دو رکعت خوانده شود.	نماز شکسته
نمازی که انسان به صورت انفرادی بخواند.	نماز فرادا
به جا آوردن نمازی که در وقت معین خود، خوانده نشده است.	نماز قضا
هر عملی که انجام دادن آن از نظر شرع الزامی و ضروری است.	واجب
جمع واجب. واجب هر عملی را گویند که انجام دادن آن از نظر شرع، الزامی و ضروری است.	واجبات
پدر.	والد
چهره، صورت، دلیل، عنوان.	وجه
امانت، مالی را که به عنوان امانت پیش کسی بگذارند.	ودیعه
کسانی که ارث می‌برند.	ورثه

واژه	شرح
وسواس	تردید و شکی که در ضمیر انسان پدید آید. شک و شبهه در عبادات و احکام مذهبی خصوصاً در طهارت و نجاست. آنچه شیطان در دل انسان بیفکند و او را به کار بد برانگیزد.
وصیت	سفارش، توصیه‌هایی که انسان برای پس از مرگش به دیگری می‌کند.
وضوی جبیره	در اعضایی که باید در وضو شسته یا مسح شود، جبیره (پانسمان) باشد.
ولایت	سرپرستی، تسلط داشتن.
وَلَدٌ	فرزند.
ولد الزنا	فرزند متوکل شده از راه نامشروع.
ولیّ	دوست، کسی که به دستور شارع مقدس سرپرست دیگری است تا در امور او با شرایط خاص دخالت کند، مثل پدر و جدّ و حاکم شرع که بر فرزندان صغیر و دیوانه... ولایت دارند.
وهن	بی‌احترامی، بی‌اعتباری، هتک.
هبه	بخشش، عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجانی ملک دیگری کند یا به او ببخشد که او هم در مقابل چیزی ببخشد.
هتک	رسوا کردن، پرده‌داری، مفتضح ساختن، شکستن حرمت، بی‌احترامی.
یائسه	زنی که پس از پنجاه سال قمری، خون حیض نبیند و یا خونی که می‌بیند، شک داشته باشد که خون حیض است. فرقی بین سیده و غیر سیده نیست.



---

## فهرست تفصیلی

---

۵	..... فهرست اجمالی
۷	..... آغاز
۱۰	..... احکام طهارت و نجاست
۱۰	..... برخورد با اقلیت‌های مسلمان
۱۰	..... معاند کیست؟
۱۱	..... برخورد با بهایی
۱۱	..... همخانه بودن با کافران
۱۲	..... مخفی کردن عقاید و خوردن غذای غیر مسلمان

- گفتن شهادتین ..... ۱۳
- دست زدن به سگ ..... ۱۳
- عرق جنب از حرام ..... ۱۴
- صابون‌های خارجی ..... ۱۴
- خونگیری ..... ۱۴
- پاک کردن کف ساختمان‌ها ..... ۱۵
- کلاژین و ژلاتین ..... ۱۵
- تصفیه آب ..... ۱۷
- برطرف کردن عین نجس ..... ۱۸
- فضله پرندگان ..... ۱۸
- چرم‌های وارداتی ..... ۱۸
- وسواس ..... ۱۹
- عطر و ادکلن ..... ۱۹
- تیکه‌های جداشده از بدن ..... ۲۰
- مایعات مست‌کننده ..... ۲۰
- درمان با داروی نجس ..... ۲۱
- فضله حیوانات ..... ۲۱
- پاک‌کنندگی آسفالت ..... ۲۲
- لباسشویی ..... ۲۲
- رو به قبله یا پشت به قبله در هنگام قضای حاجت ..... ۲۳
- احکام وضو و غسل ..... ۲۴
- فلسفه وضو و غسل ..... ۲۴

- ۲۴..... غسل‌ها
- ۲۵..... سزارین
- ۲۵..... عادت ماهانه
- ۲۵..... عدم امکان غسل و وضو و تیمم
- ۲۶..... وجود موهای مصنوعی برای مسح سر
- ۲۷..... کاشت ناخن
- ۲۷..... تاتو
- ۲۸..... خالکوبی
- ۲۸..... وضو از آب آشامیدنی
- ۲۸..... ترتیب در غسل
- ۲۹..... جنابت بانوان
- ۳۰..... ورود به حرم
- ۳۱..... احکام اموات
- ۳۱..... بردن جنازه به مشاهده مشرفه
- ۳۲..... نبش قبر و کالبد شکافی
- ۳۲..... بزرگداشت برای مردگان
- ۳۲..... سنگ قبر گران قیمت
- ۳۳..... حضور در مراسم
- ۳۳..... خون گرفتن از مرده
- ۳۳..... زیارت اهل قبور
- ۳۵..... احکام نماز
- ۳۵..... خواندن نماز به زبان غیر عربی

- ۳۵..... نماز خواندن دانش پژوهان
- ۳۶..... برخورد با بی نماز
- ۳۷..... ترک نماز
- ۳۷..... نماز مشروب خوار
- ۳۸..... اوقات نمازهای پنجگانه
- ۳۸..... نماز خواندن در ساعات اداری
- ۳۹..... اختلاف افق
- ۳۹..... نماز و روزه در مناطق قطبی
- ۴۲..... قبله نما
- ۴۳..... نماز در کشتی و هواپیما
- ۴۳..... نماز در فضا
- ۴۴..... عدم تشخیص قبله
- ۴۵..... پوشاندن موی مصنوعی
- ۴۵..... پوشش در نماز
- ۴۶..... روکش طلا و پلاتین برای مردان
- ۴۶..... هم سلولی غیرمسلمان
- ۴۷..... مکان نماز گزار
- ۴۷..... حضور اهل کتاب در مسجد
- ۴۸..... پخش اذان از بلندگو
- ۴۸..... سجده و تیمم
- ۴۹..... دست بسته نماز خواندن
- ۴۹..... احکام نماز مسافر

- حکم نماز و روزه با غسل جنابت نکردن ..... ۵۱
- اقتدا به اهل سنت ..... ۵۱
- شنیدن آیه سجده‌دار در نماز ..... ۵۳
- متصل نبودن صف‌های نماز جماعت ..... ۵۳
- شرط امام جمعه ..... ۵۴
- احکام روزه** ..... ۵۵
- گزارش وسایل ارتباط جمعی ..... ۵۵
- عمل به فتوای اهل سنت در افطار روزه ..... ۵۵
- رعایت افق شرعی در نماز و روزه ..... ۵۶
- روزه گرفتن در شهرهای آلوده ..... ۵۶
- طولانی بودن اوقات روز برای روزه گرفتن ..... ۵۷
- استفاده از دستگاه بخور در هنگام روزه داری ..... ۵۷
- غَوَاصی در حال روزه ..... ۵۸
- روزه حائض ..... ۵۹
- روزه حاجیان ..... ۵۹
- احکام خمس** ..... ۶۰
- پرداخت حقوق شرعی ..... ۶۰
- خمس اموال افزون بر نیاز ..... ۶۰
- خمس جهیزیه و هزینه خرید خانه ..... ۶۱
- خمس وسایل نقلیه و دارایی ..... ۶۲
- خمس هزینه زیارت ..... ۶۲
- خمس مالی که به قناعت به دست آمد ..... ۶۳

- تأثیر کاهش ارزش پول در خمس ..... ۶۴
- زکات پول اعتباری (اسکناس) ..... ۶۴
- احکام امر به معروف و نهی از منکر و دفاع ..... ۶۸
- برخورد با خلافکار ..... ۶۸
- وظیفه شوهر نسبت به همسری که نماز نمی‌خواند ..... ۶۹
- توهین و آزار زن و شوهر به یکدیگر ..... ۷۰
- حرمت مال غیر مسلمان ..... ۷۱
- محافظت از شخصیت‌ها ..... ۷۲
- احکام معاملات و بعضی از کارهای حلال و حرام ..... ۷۳
- موسیقی ..... ۷۳
- رقص و دست زدن ..... ۷۴
- بازی با آلات قمار ..... ۷۵
- ریش تراشی ..... ۷۵
- فرهنگ پوشش ..... ۷۶
- اخراج از کشور ..... ۷۶
- رعایت قوانین کشورها ..... ۷۶
- اقامت در کشورهای غیر مسلمان ..... ۷۷
- خدمت در کشورهای لائیک (بی‌دین) ..... ۷۸
- خدمت در ارتش کشورهای غیر مسلمان ..... ۷۸
- شرکت در مسابقات و دریافت جوایز ..... ۸۰
- هنرهای قلمی و تجسمی ..... ۸۰
- کاریکاتور ..... ۸۱

- استفاده از وسائل ارتباط جمعی ..... ۸۲
- حقوق معنوی (حق التالیف و کپی رایت) ..... ۸۳
- دخانیات و مواد مخدر ..... ۸۵
- تجارت با غیر مسلمان و فروش مشروب و گراز ..... ۸۷
- خرید و فروش الکترونیکی ..... ۸۸
- فروش خوک و شراب ..... ۸۹
- خرید و فروش صلیب ..... ۹۱
- واسطه فروش محصولات دریایی ..... ۹۱
- ورزش ..... ۹۲
- خرید و فروش بازیکن ..... ۹۲
- جایزه ..... ۹۲
- آسیب در ورزش ..... ۹۳
- شرط بندی و پیش بینی نتیجه ..... ۹۳
- ورزش بانوان ..... ۹۳
- دین و قرض ..... ۹۴
- مضاربه ..... ۹۵
- بهره بانکی ..... ۹۵
- دیرکرد ..... ۹۶
- احکام زناشویی** ..... ۹۸
- ازدواج موقت با زنان غیر مسلمان ..... ۹۸
- اجازه پدر در ازدواج ..... ۹۹
- اساس و فلسفه ازدواج موقت ..... ۹۹

- ۱۰۰..... مهریه  
 ۱۰۱..... ترمیم بکارت  
 ۱۰۲..... عقد ازدواج با زناکار  
 ۱۰۲..... ازدواج فامیلی  
 ۱۰۲..... ارتباط دختر و پسر  
 ۱۰۳..... دست دادن نامحرم  
 ۱۰۴..... بوسیدن نامحرم  
 ۱۰۴..... پوشاندن موهای جلوی سر  
 ۱۰۴..... تماشای مسابقات  
 ۱۰۵..... حضور زنان در مسابقات  
 ۱۰۵..... نگاه به زنان غیرمسلمان، عکس یا فیلم آنان  
 ۱۰۶..... مشکلات رعایت حجاب در آمریکا  
 ۱۰۶..... کتک زدن همسر  
 ۱۰۷..... پوشش زنان  
 ۱۰۸..... عیوب موجب فسخ نکاح  
 ۱۰۹..... فریبکاری در ازدواج  
 ۱۱۰..... سقط جنین  
 ۱۱۱..... سقط جنین نامشروع  
 ۱۱۱..... سقط جنین در بین نامسلمانان  
 ۱۱۱..... بیرون رفتن از خانه  
 ۱۱۳..... چند همسری  
 ۱۱۴..... حضانت و هزینه‌های زنازاده

- احکام طلاق..... ۱۱۵
- طلاق قانونی در کشورهای بیگانه ..... ۱۱۵
- طلاق ولایی..... ۱۱۶
- طلاق خلع ..... ۱۱۷
- طلاق توسط حاکم شرع..... ۱۱۹
- عِدّه نگه داشتن ..... ۱۱۹
- تفاوت بین طلاق خلع و مبارات ..... ۱۲۰
- طلاق شرعی و قانونی مسلمانان در کشورهای غیرمسلمان ..... ۱۲۱
- احکام لقطه و ردّ مظالم..... ۱۲۶
- صدقه دادن پول پیدا شده ..... ۱۲۶
- اجازه مجتهد در لقطه، مجهول المالک و مظالم عباد ..... ۱۲۷
- اموال پیدا شده در دریا ..... ۱۲۷
- احکام ذبح، خوردنی ها، آشامیدنی ها و خرید و فروش آنها ..... ۱۲۸
- خوردن جوجه تیغی، خرچنگ، مار و خرگوش ..... ۱۲۸
- خوردن حرام گوشت ..... ۱۲۹
- نوشیدن شراب برای درمان ..... ۱۲۹
- استفاده از شراب در پخت غذا ..... ۱۳۰
- نوشیدنی های الکلی ..... ۱۳۰
- سرو مشروبات الکلی در مجالس ..... ۱۳۱
- مصرف ژلاتین ..... ۱۳۱
- مصرف میوه فرآورده شده ..... ۱۳۲
- فروش خرگوش، دنبلان و گربه ماهی ..... ۱۳۲

- جواز فروش اسافل اعضای حیوانات به کشورهای غیرمسلمان ... ۱۳۲
- مصرف گوشت از بازار کشورهای غیرمسلمان ..... ۱۳۳
- فروش گوشت و شراب به اهل کتاب و غیرمسلمان..... ۱۳۷
- مصرف ماهی صید شده توسط کافر..... ۱۳۷
- ذبح با دستگاه و گیوتین ..... ۱۳۷
- علت تحریم ذبح‌های اهل کتاب ..... ۱۳۹
- حلیت کوسه و گوشت صدف و آبزیان و گراز..... ۱۴۰
- فروش و خوردن ماهی مرکب و آبزیان..... ۱۴۰
- احکام وصیت** ..... ۱۴۳
- وصیت مسیحی ..... ۱۴۳
- نوشتن وصیت‌نامه..... ۱۴۴
- احکام ارث** ..... ۱۴۵
- وارثان کافر ..... ۱۴۵
- ارث زن..... ۱۴۵
- ارث حرام زاده ..... ۱۴۶
- احکام قضا، شهادت و حدود** ..... ۱۴۷
- قضاوت زنان..... ۱۴۷
- قضاوت شورایی ..... ۱۴۹
- شهادت** ..... ۱۴۹
- شهادت (گواهی) بانوان..... ۱۴۹
- شهادت (گواهی) کافر..... ۱۵۰
- اقرار به جرایم ..... ۱۵۱

حدود.....	۱۵۱
اجرای حدود در زمان غیبت.....	۱۵۱
قتل خودسرانه مهدورالدم.....	۱۵۲
مجازات مُحارب و مفسد فی الارض.....	۱۵۳
مجازات مخالفان سیاسی.....	۱۵۴
برگردان اموال دزدی.....	۱۵۵
اجرای حدود در باره غیرمسلمانان.....	۱۵۶
احکام قصاص و دیات.....	۱۵۷
کشتن خودسرانه غیرمسلمان.....	۱۵۷
قصاص نشدن مادر.....	۱۵۸
دیات.....	۱۵۸
فلسفه دیه.....	۱۵۸
دیه زن.....	۱۵۹
دیه اهل کتاب.....	۱۶۱
دیه تنبیه کودک.....	۱۶۱
احکام شبیه‌سازی ، تلقیح ، پیوند و تغییر جنسیت.....	۱۶۳
شبیه سازی (کلوناسیون).....	۱۶۳
تلقیح و باروری.....	۱۶۹
تغییر جنسیت.....	۱۷۳
احکام مسایل متفرقه.....	۱۷۵
تحریف قرآن.....	۱۷۵
لمس اسما خداوند.....	۱۷۶

- ۱۷۶..... فروش قرآن به غیرمسلمان
- ۱۷۶..... بهترین ذکر
- ۱۷۷..... کم و زیادی در دعاها
- ۱۷۷..... عصمت ائمه اطهار علیهم السلام
- ۱۷۸..... شفاعت
- ۱۸۰..... معنای جمله: «آزادی بالاتر از دینداری»
- ۱۸۰..... عذاب سادات
- ۱۸۱..... موانع ظهور
- ۱۸۱..... در خواب دیدن امام زمان علیه السلام
- ۱۸۱..... علت قیام امام حسین علیه السلام
- ۱۸۲..... معنای ثارالله
- ۱۸۲..... فلسفه عزاداری
- ۱۸۳..... پاداش قطره اشک در عزای امام
- ۱۸۳..... قیام نکردن امامان
- ۱۸۴..... هروله و شیوه عزاداری
- ۱۸۵..... عمل به مقررات دولت‌ها و حکومت‌ها
- ۱۸۶..... صله رحم
- ۱۸۶..... رفتار تبعیض آمیز مادر
- ۱۸۷..... نگه‌داری از والدین
- ۱۸۸..... دستور شوهر یا پدر؟
- ۱۸۹..... رابطه با خویشان غیرمسلمان
- ۱۸۹..... اذیت کردن حیوانات

۱۹۰.....	کودک آزاری
۱۹۲.....	ترور
۱۹۳.....	توصیه به جوانان
۱۹۴.....	حدّ عمل به احکام
۱۹۴.....	تقوا
۱۹۵.....	توصیه به دولت‌ها و ملت‌های مسلمان
۱۹۶.....	گفت‌گوی تمدن‌ها
۱۹۷.....	همکاری با سازمان‌های جهانی
۱۹۷.....	تقریب مذاهب و گفت‌گوی تمدن‌ها
۱۹۸.....	ملاک تفاوت زن و مرد
۱۹۹.....	تبعیض یا تفاوت
۱۹۹.....	سفارش‌هایی به جوانان
۲۰۰.....	بارور کردن ابرها و باران مصنوعی
۲۰۱.....	روز طبیعت
۲۰۱.....	اعتنا به خواب دیدن
۲۰۲.....	بلاهای طبیعی
۲۰۵.....	<b>ملحقات</b>
۲۰۵.....	دعای سفر
۲۰۶.....	احکام نماز میت
۲۰۷.....	نماز میت
۲۰۹.....	تلقین میت
۲۱۱.....	نماز آیات

۲۱۲.....	دستور نماز آیات.....
۲۱۳.....	زیارت امین الله.....
۲۱۵.....	آداب عقیقه.....
۲۱۹.....	حدیث کساء.....
۲۲۴.....	واژه‌نامه.....
۲۴۲.....	فهرست تفصیلی.....

